

ژوندون

ژوندون

پنجشنبه ۲۷ قوس ۱۳۵۴ -

۱۵ ذیحجه ۱۳۹۵ - ۱۸

دسامبر ۱۹۷۵

Ketabton.com



بنیادنی رئیس دولت و صدراعظم فرمودند.

ما باید همواره به عمق و حقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم

پیام بنیادنی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم بمناسبت عید سعید اضحی ۲۱ قوس ۵۴

خواهران و برادران عزیز :

این عید سعید اضحی را به همه شما هموطنان گرامی به برادران پشتو نستانی و بلوچ و به کافه مسلمانان جهان از صمیم قلب مبارکباد میگویم.

منهوم واقعی چنین روزهای فرخنده و متبرک این است که ما باید همواره به عمق و حقیقت سنن انسانی دین مقدس اسلام توجه کنیم و بدانیم که جهاد ماعلیه ظلم، تبعیض و نابرابری پایان ناپذیر است و این هدفها بسر آورده نمیکردند، مگر اینکه مادر شروع هر کاری باید به جهاد بانفسهای خویش برخیزیم و باور کنیم که بزرگترین قربانی ما، قربان شدن در راه عقیده و ایمان، در راه آزادی، شرف و حیثیت انسانی است.

اکنون که ماهه درقبال جامعه خود و جامعه انسانی مسوولیت هایی داریم باید بدون شک و تردید متیقن باشیم که رسالت اشخاص سرمداری عقیده و ایمان در تمام اعصار جستجو و کشف راه هائیکه بتواند سعادت عمومی یک جامعه را ضمانت کند و سعادت در سعادت عمومیست که سعادت فرد تفهین شد میتواند.

آرزوی من این است که همه ما توان آن نصیب گردد که با احساسات برادری و برابری و صمیمیت بتوانیم در راه تعالی وطن عزیز خویش خدمت نماییم و در راه رضای خدای بزرگ (ج) و جهاد بانفسهای خویش موفق و سرخس و گردیم.

درخانه یکبار دیگر این عید سعید اضحی را به هموطنان عزیز و کافه مسلمانان جهان از صمیم قلب تبریک میگویم و سعادت شما را تمنای دارم.



بنیادنی رئیس دولت و صدراعظم پس از نماز عید با معاونان صدارت عظمی مصافحه فرموده تبریکه آنان را می پذیرند.



بنیادنی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم و بنیادنی بودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی حین امضاء پروتوکول تمدید معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله بین افغانستان و اتحاد شوروی.



بنیادنی رئیس دولت و صدراعظم هنگام مصافحه با بنیادنی بودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در قصر ریاست جمهوری.

اختصار وقایع مهم هفته

بنیادنی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم نماز عید سعید اضحی را ساعت ۹ صبح ۲۱ قوس در مسجد ارگ ریاست جمهوری به امامت

خطیب مسجد ارگ جمهوری اداء کردند. رهبر ملی ما بعد از اداء نماز برای رفاه و آرامی ملت مسلمان و نجیب افغان و ترقی افغانستان عزیز در پرتو نظام جمهوری و پیشرفت و تعالی عالم اسلام دعا نمودند.

از طرف بنیادنی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت هشت شب ۱۹ قوس سیاحتی به افتخار بنیادنی نیکولای بودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی در تالار وزارت امور خارجه ترتیب گردیده بود.

دوره دوم مذاکرات بنیادنی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم و بنیادنی بودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی که به تعقیب مذاکرات ۱۸ قوس زعمای دو کشور روز ۱۹ قوس نیز سه ساعت رادبر گرفت در فضای نهایت صمیمانه و دوستانه انجام یافت.

بعد از ختم مذاکرات بنیادنی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم و بنیادنی بودگورنی صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی پروتوکول تمدید معاهده بیطرفی و عدم تجاوز متقابله بین افغانستان و اتحاد شوروی را برای مدت ده سال دیگر امضاء کردند.

اعلامیه مشترک افغانستان و اتحاد شوروی در ختم مسافرت بنیادنی ن.و. بودگورنی صدر هیات شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در جمهوری افغانستان بتاريخ عازم مسکو گردیدند.

فیهفته

باساس مشی دولت جمهوری برای دوسو بیست خانواده بی زمین دیگر دروادی علمند زمین توزیع گردیده است .

منبع علاوه کرد همچنان توزیع زمین برای نه صدوشتاد خانواده دیگر در پروژه انکشاف وادی هلمند ادامه دارد .

به ارزش چارده ملیون و سه صدوشتادو هفت هزار افغانی کود کیمیاوی و گندم اصلاح شده از ماه عقرب تا هالوس امسال به زارعین ولایت پروان طور فرضه توزیع شده است .

یک منبع نمایندگی بانک انکشاف زراعتی در ولایت پروان گفت که به منظور بلند رفتن سطح حاصلات زراعتی یک هزارویکصدو شصت تن کود ویش از یکصدو بیست و پنج تن گندم اصلاح شده بذری برای استفاده در گشت تیر ماهی بدسترس زارعین گذاشته شده است .

دو کوبرایتف زراعتی بمنظور جمع آوری و صدور محصولات زراعتی دوازده فوس در ولسوالی سنگ چارک توسط والی جوزجان افتتاح شد .

یک منبع آن ولایت گفت: این کوبرایتف ها با اساس قانون کوبرایتف ها تشکیل شده است .

کوبرایتف تزار سرمایه ابتدایی دوسد هزار افغانی و بعضویت نود بانگذار و کوبرایتف اتفاق به سرمایه ابتدایی دوسدو نود و هفت هزار افغانی باشمولیت دو صدو هفده عضو تشکیل گردیده است .

منبع افزود کوبرایتف ها مطابق بر اساسنامه فعلی صدور گشمش پرداخته و در آینده به صادرات سایر محصولات زراعتی مبادرت می ورزند .

شاعلی محمد گل نجیب والی جوزجان هنگام افتتاح کوبرایتف ها گفت ولسوالی سنگ چارک از لحاظ تولید گشمش و محصولات زراعتی غنی بوده و سالانه مقدار زیاد تولیدات آن در بازار هاعرشه میگردد که با تاسیس کوبرایتف ها زمینه بیشتر مفاد مولدین متصور است .

پیک ژوندون

دولت جمهوری افغانستان بر پروگرامهای معارف تجدیدنظر نموده و آنها را اصلاح خواهد کرد برای امعای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی و باروحیه وطن پرستی و خدمت بمردم پرورش خواهد داد .
از بیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه ۲۷ فوس ۱۳۵۴ - ۱۵ ذیحجه ۱۳۹۵ - ۱۸ دسامبر ۱۹۷۵

امتحانات سالانه

بدست آمده است بخصوص که نحوه تدریسی و طرز امتحان برای متعلمان صنف دوازدهم شکل تازه داشته است . بهمین اساس برای متعلمان که در امتحانات صنف دوازدهم موفق شده اند و خواهش نمودن رادر پوهنتون دارند، نیز تسهیلات فراهم گردید که از همه مهمتر تعیین رشته های اختصاصی پوهنخی های ساینس و اجتماعیات در امتحان کانکور می باشد . درینصورت علاوه و دلچسپی محصل از یکطرف و استعداد او در رشته های متذکره از طرف دیگر به نحوی بهتری محک زده میشود . البته این تجویز تازه پوهنتون نیز یکنوع ریفورم در زمینه امتحان کانکور پوهنتون و در نهایت تعیین رشته مورد علاقه محصل بیک شکل بهتر میباشد .

امید داریم با تطبیق تدریجی ریفورم های تعلیمی ، معارف مابیشتر از پیش گامهای مؤثر در راه آموزش بهتر و تعمیم تعلیم و تربیه در کشور بردارد .

درسی ، فراهم آوری تسهیلات مزید در امور درسی و ممد درسی و بالاخره تجربه ، مربیون و نحوه آموزش تاثیر فوق العاده و بسزایی دارد بدینترتیب اگر آموزگار موفق باشد و پروگرام های درسی را بوجه مطلوب و شایسته تطبیق کند ، لابد شاگرد موفق خواهد بود و نتیجه مثبت بدست خواهد آورد .

بدینگونه هر قدر میزان کامیابی دریک صنف و یا مکتب بیشتر باشد بهمان پیمانانه مربیون و شاگردان در پیشبرد دروس موفق بوده اند و بلند رفتن گراف موفقیت شاگردان ، محصول سعی و کوشش هر دو جانب میباشد .

از قرار معلوم نتایج امتحانات سالانه امسال مکتب و لایات سرد سیر کشور بسیار موفقیت آمیز و مطلوب بوده است و یکعتداد زیاد شاگردان با نتایج خوب به صنف های بلندتر ترفیع نموده اند که البته این نتیجه گیری مثبت در اثر تطبیق ریفورم های تعلیمی جدید معارف

امتحانات سالانه مکتب سردسیر به پایان رسید و شاگردان با اعلام نتایج امتحان نمره یکسال کار و فعالیت شانرا اخذ کردند . نتایج که برای عده از آنها مطلوب است و رضایت بخش و برای عده هم تلخ و نا مطلوب . و این بخاطر سهل انگاری و عدم پیگیری در آموزش دروس و فراگیری بهتر و یا عوامل گونه گون دیگر میباشد .

قدر مسلم اینست که موفقیت در هر کار بستگی به سعی و تلاش دوامدار دارد . بیروزی چیزی نیست که خود بخودی بسراغ آدم بیاید بلکه سعی و زحمت زیاد را ایجاب میکند و چه بسا که همین طعم تلخ عدم موفقیت درهای پیروزی و موفقیت رادر برابر انسان میگشاید .

و شخصی رابه کار بیشتر و تلاش متداوم و امیدارد و در برابر آزمون های آینده بشکل جدی تر قرار میدهد . در موفقیت شاگرد ، علاوه بر کار و کوشش خودش شیوه آموزش تدوین پروگرام های منظم و بهتر

اما را ت عربی يك هزار ملیسون
 دلار سرمایه را برای تاسیس فابریکات تولید اسلحه اختصاص خواهد داد برای مصر این فابریکات نه تنها کار بیشتر پیدا خواهد کرد بلکه خود مصر را از نظر اسلحه متکی بخود ساخته و هم زمینه صادرات را به سایر ممالک شرق میانه میسر خواهد گردانید.

اگر چه نوع اسلحه و مقدار آن هنوز تثبیت نگردیده اما مسلم است که مصر به ساختن آن نوع اسلحه علاقمند است که از یکطرف احتیاجات خود آنرا بر فوج ساخته بتواند و از جانب دیگر از اسلحه ای که اسرائیل میسازد عقب نماند.

چون عجا لثا کمک نظامی اتحاد شوروی به مصر ر قطع شده است بعضی ها باین عقیده اند که بعید نخواهد بود که روزی مصر طیارات (مک - ۲۱) خود را با ماشین های (دیسالت) فرانسوی و یا «رولز - ریس» برتانوی قوت بدهد در جهان غرب شاید فرانسه یگانه مملکتی بوده باشد که حاضر شد فابریکات سلاح سازی به مصر بدهد.

فایده فرانسه
 در تمام این معاملات مفاد حاصله فرانسه هم از نظر مادی و هم از نظر نفوذ روز افزون نباید بدیده قلیل دیده شود فرانسه در بین دول غربی اولین مملکتی است که از زمان دوگول فقید باین نظر ف قوت ممالک عربی را مطمح نظر داشته است هم از نظر نفت و پول و هم از نظر وسعت مار - کیت ممالک عربی به مراتب قویتر از اسرائیل اند برای اسلحه تولیدی فرانسه و اشیای صنعتی آن بهتر از ممالک عربی مارکیتی در دنیا وجود ندارد اعراب امروز بایول نقد معا مله میکنند. سخت متوجه انکشاف ممالک خود اند و در مراودات خود مملکتی زائر جیح میدهند که مشکلات سیاسی شانرا فهمیده و از آنها پشتیبانی نماید.

از نظر سیاسی نیز سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر حایز اهمیت میباشد بانمام فشاریکه امریکا بالای اسرائیل برای تخلیه سینا آورد مصر توانست صرف یک بر پنج شبه جزیره سینا را از حلقوم اسرائیل اشغالگر بدر آورد. اما هنوز هم چهار بر پنج حصه سینا بدست اسرائیل است و مصر چاره جز این ندارد که دیپلوماسی اشرا بتمام شدت برای تخلیه کردن تمام سینا از دست اسرائیل بکار بیاندازد.

چون انتخابات ریاست جمهوری امریکا پیشرو است دیپلو ماسی امریکا در مورد حل معضلات شرق - میانه نظربه گذشته بطی السیر گردیده و بکمان اغلب تا اخیر سال آتی - عیسوی کدام ابتکار با قوت در آن دیده نخواهد شد.

فرانسه در چند ماه اخیر این پشتیبانی اشرا به چند شکل تبارز داد: * کورد و مور ویل را برای میان - جیکری صلح به لبنان فرستاد. * وزیر خارجه فرانسه بایا سر - عرفات رهبر فلسطینی ها ملاقات نمود.

ژوندون



وقایع سیاسی هفته

از شفیق را حل

سفر رئیس جمهور فرانسه به مصر

سفر (ژیسکار دستن) رئیس جمهور فرانسه به مصر که روز چهارشنبه پایان یافت برای طرفین مثمر امر واقع گردیده و تا نیرات طویل المدت آن بر سیاست شرق میانه احساس خواهد گردید.

برای مصر این سفر دارای چندین نتیجه بی مثبت بود که توقع آن قبل از آغاز سفر برده نمیشد. رئیس

جمهور فرانسه که برای اولین بار به یکی از ممالک عربی شرق میانه و همسایه اسرائیل به سفر پرداخت به انور سادات رئیس جمهور مصر وعده داد تا در قسمت تاسیس فابریکات تولید اسلحه همکاری نماید.

مبصرین سیاسی اظهار عقیده می کنند که مصر به کمک عربستان - سعودی، کویت، بحرین و قدراسیون

پیام بخوانندگان

وقتیکه من قدمهای بنیادی و اساسی میگویم، همه چیز آن متناسب به امکانات مالی و همکاری مردم افغانستان است. ازینرو اینطور مطمئن دانم که در یک روز یا یکسال یا چند سال همه مشکلات حل می گردد. مبالغه کرده خواهم بود و اگر شما هم فکر کنید که در یکسال مملکت آباد میشود مبالغه خواهد بود.

بس سعادت يك مملکت مربوط بهمت عالی مردم آن است. اگر نزد مردم آن يك ایدئالوژی و يك مفکوره ملی توأم باخود گذری، حس فداکاری و ایثار موجود باشد بدانید که آن ملت به یاری خدای بزرگ روزی به هدف نهایی خود خواهد رسید.

باید بدانیم در این دنیا بیکه ماوسمازیست میکنیم، يك ملت نمیتواند بحال فقر، فلاکت و غربت بسر ببرد.

امروز هر فردیکه خود را، اولاد این خاک میدانند و ذره عشق و علاقه بوطن دارد وظیفه اساسی، ایمانی و وجدانی اوست که برای سعادت افغانستان به طیب خاطر قربانی دهد، تا نسلهای آینده سر فراز و آسوده زندگی کرده بتوانند، تا این نسل، برای سعادت ملی، خود را قربان نکند، تا این نسل از خود غرضی ها و خود خواهی ها نگذرد و تا روزیکه بحیث يك برادر بدون تبعیض، بحیث يك ملت دور هم جمع نشوند و متحد نشوند تا آنزمان سر نوشتشان خوار و زار خواهد بود.

جوانان عزیز!

برای شما خطاب میکنم!

برای اینکه سر نوشت آینده این وطن بدست شماست!

اگر خواسته باشید یا نخواستید باشید قهرمان مکتف هستید سر نوشت آینده این خاک را بدست خود بگیرید.

بس ای جوانان عزیز!

ای فرزندان عزیز! خود را آماده خدمت سازید و وقتی شایسته خدمت شده متوجه شوید که علم بیاموزید صاحب يك ایدئالوژی ملی و وحدت فکر و عمل باشید.

برادران! ایدئالوژی های وارد شده هرچگاه به تنهایی بدرد يك ملت نمی خورد، ملت مرد و قهرمان، آن ملت است که از آن همه ایدئالوژی ها زهمه دنیا چیزهای بهتری که موافق به عنعنات ملی، منافع ملی و معتقدات دینی آن باشد استخراج و جمع آوری نموده بفکر و دماغ خود برای خوب شدن و وطن خویش ایدئالوژی نوی راخلق کند که در بر تو آن راه سعادت و اعتلاء راه پیماید.

فرزندان عزیز!

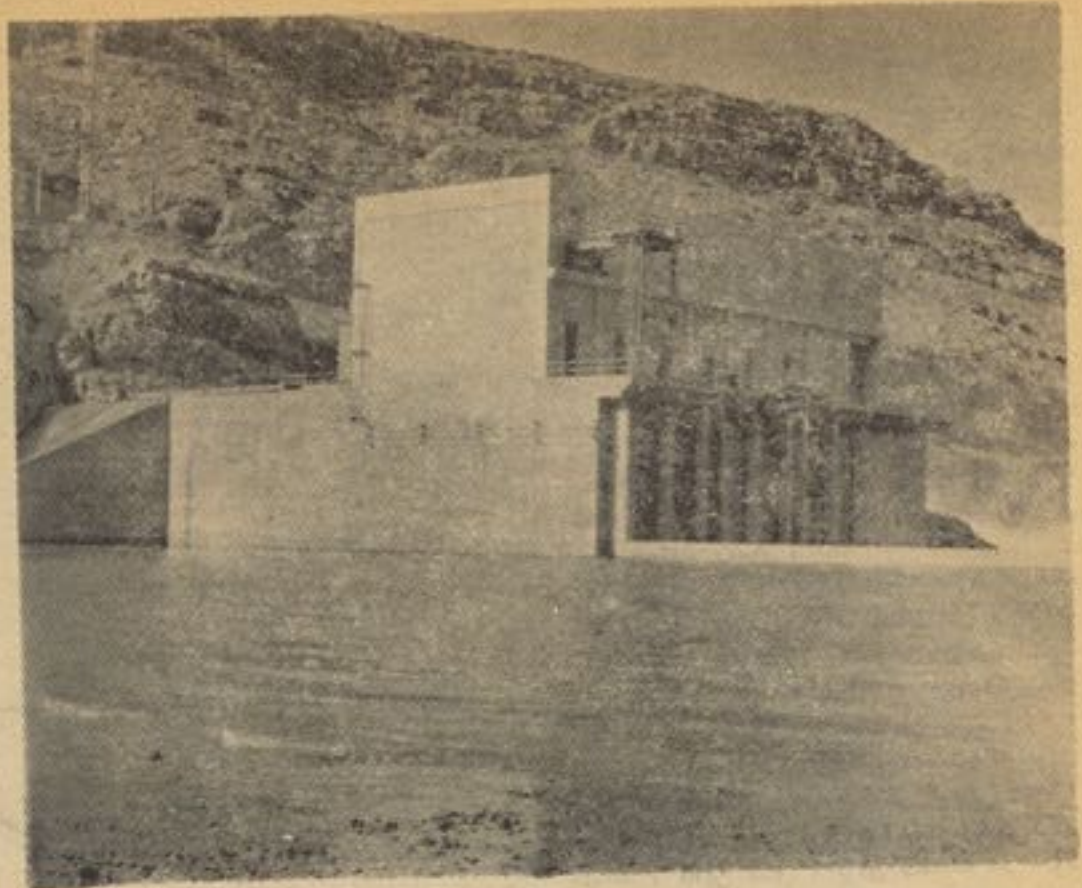
از هم برای شما میگویم و این را کاملاً به قلب خود داشته باشید که خواسته باشید یا نه. سر و دست این ملت قهرمان بدست شماست. خوشحال ملتیکه جوانان فهمیده، بادین و ایمان داشته باشد. لذا به شما جوانان میگویم که وظایف نهایت سنگین دارید و باید مسئولیت خود را درین راه خوب احساس کنید، چه کسی که مسئولیت را قبول نمی تواند آنرا نیز انجام داده نمی تواند. بس شما باید به آیندو وطن تان فکر کنید، محرومیت های کشور را مطالعه کنید، درد های افغانستان را بدانید، این وطن برای خوش گذرانی يك طبقه خلق نشده است. چه زندگی يك ملت مربوط به يك طبقه خاص نیست بلکه مربوط به قاطبه مردم آنست که ملت را تشکیل میدهد تا وقتیکه ملت راضی نباشد، از حکومت پشتیبانی نکنند هیچ زمامدار هیچ حکومت و هیچ دولتی حتی سنگی را بالای سنگی گذاشته نخواهد توانست. شما یقین داشته باشید که امروز بزرگترین و مقدسترین وظیفه انقلاب دولت جمهوری اینست و خواهد بود که ما چطور و به چه صورت برای قاطبه ملت خویش خدمت کرده و شکل زندگی شانرا بهتر کرده میتوانیم، هدف ما هدف مقدس است و اینکار دشوار از قدرت يك شخص بیرون است. وقتی این هدف عالی برآورده شده میتواند که هدف خود، درد خود و مقصد خود را تشخیص کرده بتوانیم و بدون تبعیض بحیث برادر و برابر بسر منزل مقصود برسیم.

درین شماره

کجکی به ظرفیت تولیدی ۴۹۵ کیلووات برق ص ۶	دایورازگل احمد زهاب نووری
دلیب کمار کیست؟ ص ۸	ترجمه: خان آقاسرور
هیجان امتحان پایان یافت ص ۱۰	دایور ازگ، سراب
گرافیک هنر ص ۱۲	دمتین زبانه
کاوشی برای دریافت گذشته های دور ص ۱۴	ترجمه: رهپو
توس دختران ازگب و سخن مردم ص ۱۷	دایور از پیروز مند کهنکدای
پاولووا رفاصه مشهور شوروی ازدواج کرد ص ۱۸	ترجمه: ارشادی
هنر در لابلای قرنیا ص ۲۰	تسبیح و نگارش: از حامد نوید
تیم منتخب فوتبال بوطن برگشت ص ۲۲	دایوراز: بلیکا
مسافری از افریقا ص ۲۴	ترجمه: ر، ز
کام تازه درجهت پیروزی زنان کارگر ص ۲۷	نوشته: راحله راسخ
گذارش خیر نویسان جهان ص ۳۰	ترجمه: میرحسام الدین برومند
فریاد های مرگ ص ۳۸	ترجمه: دکتر شهبسوار
قصه ای از غصه ها ص ۵۲	نوشته: مریم محبوب

شرح عکس روی جلد رالطفاً به صفحه ۱۷ مطالعه فرمائید.
عکس روی جلد شماره گذشته از شرار





دور نمایی از دستگاه تولید برق کجکی

از گل احمد زهاب نوری

کجکی

به ظرفیت تولیدی ۴۹۵۰۰ کیلووات برق

سراژین شماره، هر هفته سری
یکی از پروژه های برق می زیمو
گزارش های جالبی در باره موقعیت
مقدار تولید و تاثیر اقتصادی آنها
برای شما گرد می آوریم ...

دستگاه برق آبی کجکی، بر بالای
دریای هلمند قرار دارد. آب دریا در
قسمت کجکی به حد اعظمی مقدار
خود میرسد. کاسه بند ذخیره آب
کجکی فعلا بیش از یک میلیارد و هشت
صد میلیون متر مکعب آب دارد.

دستگاه برق کجکی از لحاظ
اقتصادی ارزش زیادی دارد. از نیروی
برق این پروژه در ولایات هلمند و
کندهار استفاده به عمل می آید.

برق کجکی در انکشاف صنایع
تولیدی راسته لای این دو ولایت
نقش مهمی دارد. چه در پهلوی
تنویر این دو منطقه زمین به بکار افتادن
فابریکات را به حد اعظمی تولید
فراهم ساخته و از نصب و مصرف
ماشین های تولید برق دیزلی جلو-
گیری می کند.

یک منبع ریاست عمومی و احد
آب، و برق در برابر سوا لی پیرامون
پروژه برق کجکی گفت:

- کار مونتاژ و نصب توربینهای

این دستگاه دو سال قبل مطابق
پروگرام انکشافی دولت آغاز
گردیده بود که ظرفیت تولیدی نهایی
آن به سی و سه هزار کیلو وات در آن
بیش بینی شده است.

منبع افزود:
- در قدم اول تمهیدات برای
تامرکز ولایات کندهار و هلمند
برای استفاده فابریکات صنایع متنویر
این دو محل به طول دو صد و نه کیلو-
متر شامل پروگرام است. که
در آینده نزدیک تکمیل و فعال می
گردد.

به قول همین منبع مصارف
مجموعی پروژه برق کجکی در ساحه
تمهیدات نهایی آن، تا مرکز هلمند
و کندهار به بیست و چهار میلیون
دالر یا سه صد و هفتاد میلیون افغانی
می رسد.

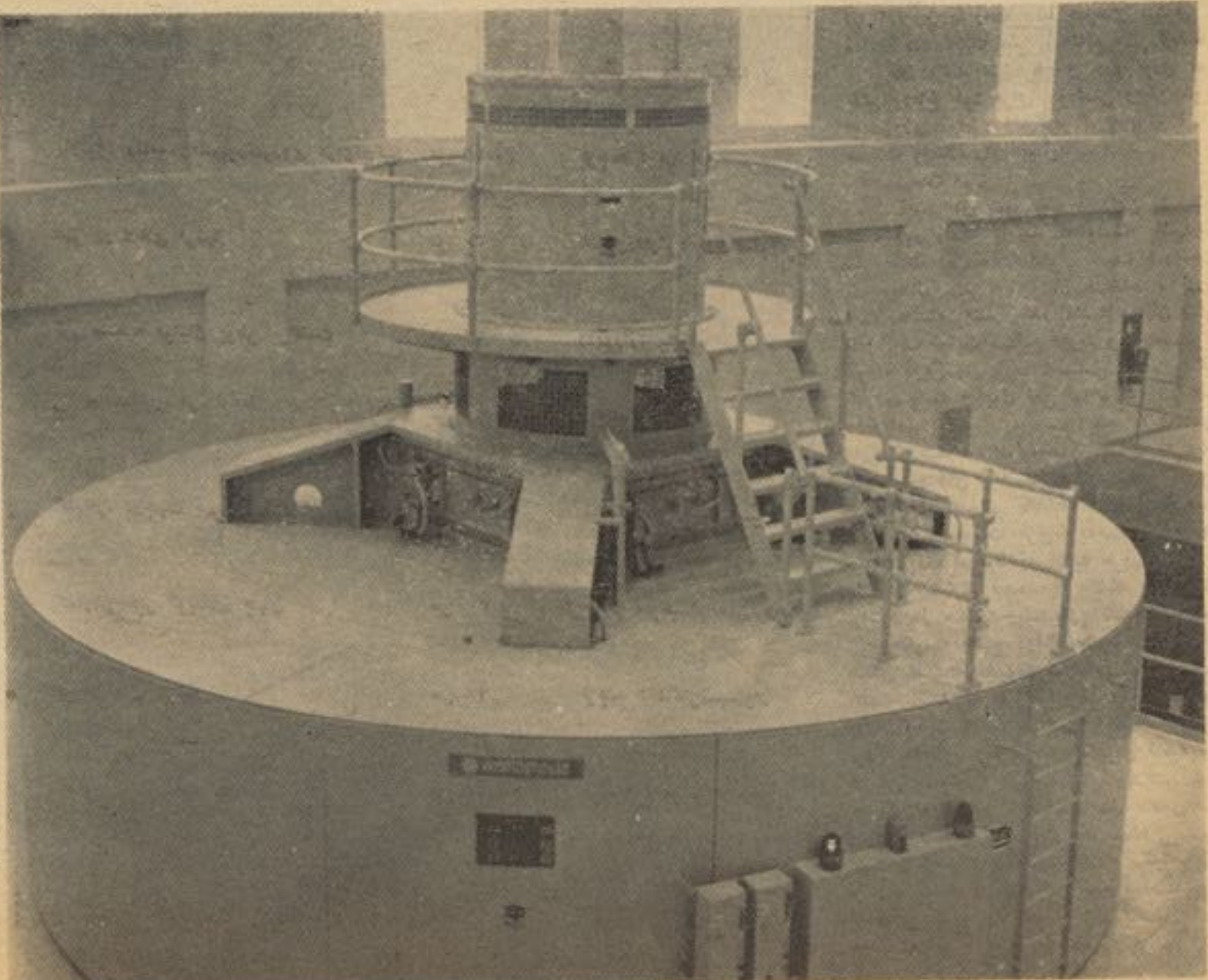
منبع علاوه کرد:
با فعال شدن دو توربین برق
کجکی پروژه مذکور آغاز به کار
نموده و مصارف آن توسط دو است
جمهوری افغانستان و ایالات متحده
امریکا پرداخته شده است.

چهارده میلیون دالر مصارف
اسعاری این پروژه، از چو کات
قرضه ای اداره انکشافی امریکا
و یکصد و هشتاد و شش میلیون افغانی
مصارف داخلی آن، از بودجه
انکشافی دولت تمویل میگردد.

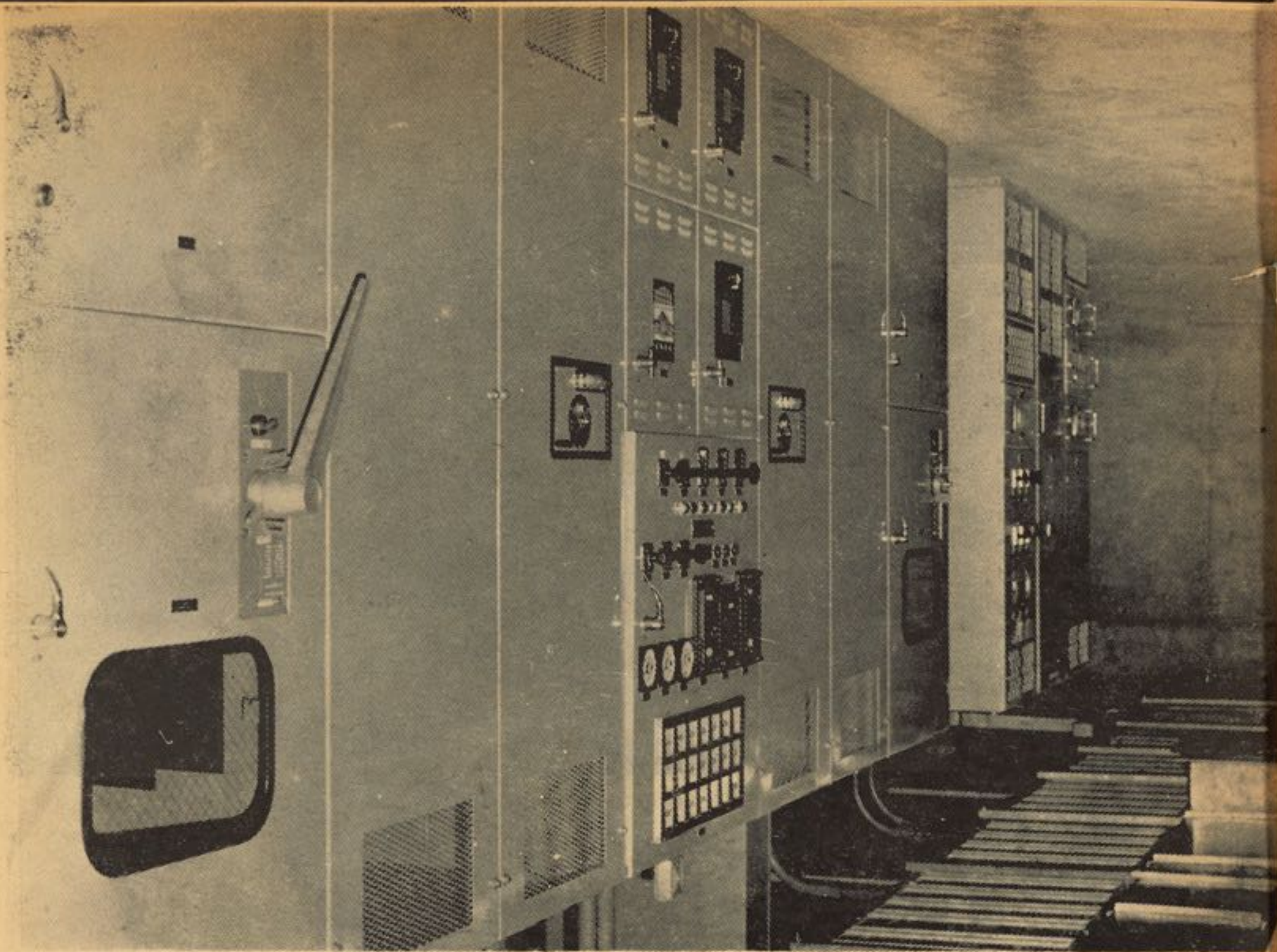
منبع علاوه کرد
- البته نصب و بکار انداختن
توربین سوم این پروژه نیز شامل
پروگرام ماست، که با فعال شدن
توربین سوم کجکی، ظرفیت نهایی
تولیدی آن به چهل و نه هزار و پنج
صد کیلو وات برق میرسد.

منبع در مورد انرژی برق، در
کشور گفت:

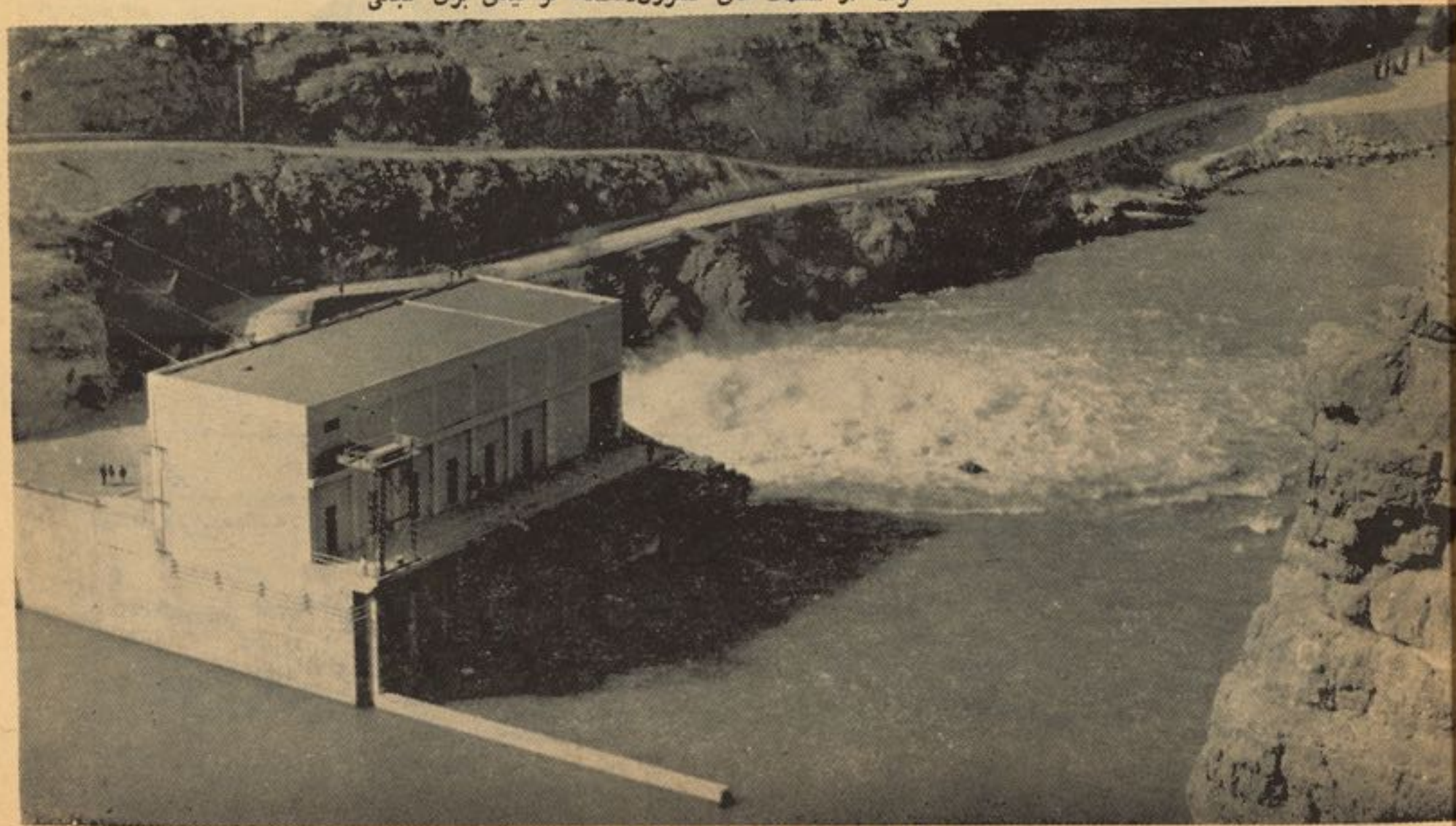
- پروژه های تولیدی برق، از
لحاظ اقتصادی تاثیرات مثبتی بر
انکشاف سریع کشور دارد. دولت
باید نظر داشت جنبه های اقتصادی
پلانهای پیرامون منابع انرژی
برق دارد. تا با استفاده اعظمی از این
منابع بزرگ به بهبود اقتصاد جامعه
و فعال ساختن دستگاه های تولیدی
استفاده گردد.



یکی از توربین های دستگاه
تولیدی برق کجکی که ظرفیت
۱۶۵۰۰ کیلووات برق را دارد.



گوشه از قسمت های کنترل دستگاه تو لیدی برق کجکی



منظره از دستگاه تو لیدی برق کجکی



دلیپ کمار در فلم مدهوتی

آوان کود کی اش چگونه گذشت و در آینده چه میخواست بشود . عمر هنری دلیپ کمار «یوسف - خان» چهره تراژیدی سینمای هند گرچه وارد سی و یکمین سال خود گردید، ولی هر گاه از نخستین ، فلمش (جواربهاتا) که در سال ۱۹۴۴ به بازار آمد آخرین فلمش «سگینه مہاتو» هنرش را بر رسی نمایم در هر فلم و در هر قالب خویش درخشیده و توانسته است با توفیق کامل جایی برایش در قلبها بدست آورد .

دلیپ کمار که در فلمهای ، اخیرش عموماً تخنیک و احساس دیالیتیک را در هم آمیخته و مرکب تحسین آفرینی ، را خلق نموده ، است ، در هر کجا بیکه نامی از هنر بازیگری و یا هنر پیشه بمیان می آید اسم دلیپ کمار در میان همه مقام اول را حایز بوده و از هر طرفی با احترام بی حد و حصری ، یاد می شود .

ستاره های دیگر سینمای هند بمقایسه دلیپ کمار که هر گاه توفیق یابند و بتوانند دیدن چهره هایشان را برای مدتی قابل پذیرش همگانی نگه دارند ، بدین شک در طول این مدت سی و یک سال تعداد فلمهای شان از شماره نود و پنج فلم تجاوز میکرد . ولی دلیپ کمار که در پهلوی جمع آوری پول نام و شهرت خود را نیز همواره از نظر دور نداشته است ، تا حال ، در کمتر از پنجاه فلم روی پرده آمده است .

زیرا وی همواره از سیل پیشنهادات فلمسازان تنها و تنها به آنانی جواب مثبت می گفت که سناریو و یاداستان فلمش میتوانست چنگی بدل این سمبول تراژیدی بسزند ، و غلط نخواهد بود ، اگر بگوئیم فلمی که بی بازار می آمد و روی ریکلام آن دلیپ کمار نوشته میبود مردم برای دیدن آن فلم سرو دست می شکستند ، که این روش تماشا -

ژوندون



دلیپ کمار پدر تراژیدی سینمای هند



دلیپ کمار

ترجمه خان آقا سرور

از فلم فیر

نوشته بگرام سنگه

دلیپ کمار کیست و در طول عمر هنری اش در کدام فلمها روی پرده آمده است

او که در اوایل بمعاش سی و پنج کلدازشاگرد یک کانتین بود، چگونه به سینما راه یافت ... روزی کف شناسی برا پیش پیشگویی کرد که اکتور معروفی خواهی شد ...

صفحه ۸



۳ - دلپ و وچنتی ما لا در فلم نیادور

هفته روی وترین یک سینما به نمایش باشد .
دلپ کمار که خوش دارد، همیشه تنها باشد و بزندگی قسما تراژیدی خودش بیندیشد توانسته است درین او اخسرا تراژیدی راطوری بازآفرینی کند که عین حقیقت است نه باز تابی بی ازحقیقت که در فلمهای قدیمی اش آنقدر مسحور کننده نبود، زیرا چنانکه خودش هم می گوید تجارب طبیعی حیات کمتر در هنر بازیگری قدیمه اش دخیل بوده است .



دلپ کمار در مسابقه کرکست در بمبئی

دلپ کمار که در رولها پیش در واقع زندگی می کند، حتی در رول رول مختلف مانند (رام اور شیمام) آنقدر دقیق تمثیل نموده است، که واقعا دو شخص جدا گانه می باشد اند که ابتدا بیکدیگر شباهت نداشته و ندارند، که مثال های زنده می ازین قبیل تمثیل احساسی و ریالیستک وی رادر کلمه فلمپایش و مخصوصا «سگینه مہاتو»، مسافر، دیوداس گنگاو جمناء و غیره بوضاحت تام مشا عمده شده می تواند .
دلپ کمار که سینما را می خواهد نمایشگر داستانهای غیر از موضوعات مروجی و میان تپی بوده طرفداران زیادی داشته و هنوز هم دارد پس نباید خود را بسایه دیوارکناره گیر از نظر ها ناپدید نموده و زیننده، نخواهد بود که میوه هنر ش را از هوا خواهان و دوست داران، هنرش دریغ دارد .
این است فلمهای دلپ کمار

چنان بخاطر آن نبود که فلمی را می نگرند، بلکه عمله ایشا نازآن بود که بتوانند دلپ کمار را یکبار دیگر به بینند .
فلمهایی که در سال های ۱۹۴۰ مانند «دوشمید، انداز، دیدار، داغ نیارور ومد هو متی» ازین هنرپیشه بازار آمد، در هر فرصتی به منزله سر مشق ستارگان پیشمار، سینمای هند بوده و از هر قسمت تمثیلی این فلمها استفاده می بردند . چنانچه همین امروز چهره های تازه به شهرت رسیده سینمای هند مانند «راجیش کهنه و امیتا بچن» نیز از مکتب دلپ کمار به افتخار کامل پیروی می نمایند .
اگر چه فلمهای (ترانه، امر، فوت بات یهودی، لیدر، دل دیار، دلیا، سنگهرش و داستان) نتوانستند آنطوریکه انتظار برده می شد برای بازیگر رول اول افتخارات فوق العاده بی بار آورد و با زار عایدات برای سازنده گانش بدست بیاورد ولی با آنها نه تنها دلپ از تمثیل خود در این فلمها ناراضی نیست، بلکه فلمپایش هم توانست مصرف فلم رابایک دستمزد کمتر بچیب سازنده فلم سوازیر سازد . مگر فلمهایی چون «آن، ارن - کپتولا، مغل اعظم و اندازه توانست برای مدتی بیشتر از هفتاد و پنج

- که از سال ۱۹۴۴ باینطرف روی لنتاجتیس برده آمده است با اسم عمبار یان این بازیگر بی رقیب .
- ۱ - جوار بها تا ۱۹۴۴ - مرید الله، شمیم
 - ۲ - پراتیما ۱۹۴۵ - سورن لیتا
 - ۳ - میلن ۱۹۴۶ - میرامسیرا، آشوک کمار رنجنا
 - ۴ - جگنو ۱۹۴۷ - نور جهان
 - ۵ - انو کهاییار ۱۹۴۸ - نور جهان
 - ۶ - گهر کی عزت ۱۹۴۸ ممتاز شانتی
 - ۷ - میله ۱۹۴۸ نر گس
 - ۸ - ندیا کی بار ۱۹۴۸ کا متی کوشل
 - ۹ - شمشید ۱۹۴۸ کا متی کوشل
 - ۱۰ - انداز ۱۹۴۹ نر گس - راجکپور
 - ۱۱ - شبنم ۱۹۴۹ کا متی کوشل
 - ۱۲ - آرزو ۱۹۵۰ نر گس - منور سلطان
 - ۱۳ - بابل ۱۹۵۰ نر گس
 - ۱۴ - جو گن ۱۹۵۱ نر گس
 - ۱۵ - ریدار ۱۹۵۱ نر گس - آشوک کمار
 - ۱۶ - هل چل ۱۹۵۱ نر گس
 - ۱۷ - ترانه ۱۹۵۱ مدهو بالا
 - ۱۸ - آن ۱۹۵۲ - نادره - نمی
 - ۱۹ - داغ ۱۹۵۲ - نمی - اوشاکون
 - ۲۰ - سنگدل ۱۹۵۲ - مدهو بالا
 - ۲۱ - شکست ۱۹۵۳ - نالینی جیونت
 - ۲۲ - امر ۱۹۵۴ - مدهو بالا - نمی
 - ۲۳ - فوت پات ۱۹۵۴ - مینا کماری
 - ۲۴ - آزاد ۱۹۵۵ - مینا کماری
 - ۲۵ - دیوداس ۱۹۵۵ - سچیتراس - وچنتی مالا
 - ۲۶ - انسانیت ۱۹۵۵ - بینارای - دیوانند
 - ۲۷ - اورن کپتولا ۱۹۵۵ - نصی
 - ۲۸ - مسافر ۱۹۵۷ - سچیتراس
 - ۲۹ - نیادور ۱۹۵۷ - وچنتی مالا
 - ۳۰ - مدهومتی ۱۹۵۸ - وچنتی مالا



دلپ و سایر در صحنه بی از فلم سگینه مہاتو

بقیه در صفحه ۴۸



لحظاتی که باید شاگرد نتیجه‌ی یکساله را ببیند .



یکی از شاگردان درس هایش را تکرار میکند.

از تک سراب

هیجان امتحان پایان یافت

در شهر همه جاسخن از امتحان بود...
 جوانان از امتحان گفتگو داشتند...
 سالخور دکان، پدران و مادران نیز بر امتحان
 چشم دوخته بودند... بر امتحان فرزندان
 شان... روز های امتحان فرار سید... در
 صحن لیسه ها عیاهو بیاشد...
 راستی امتحان هیجان عجیبی دارد...
 آنها بیکه درس خوانده اند، آن هاییکه

برای رهنمایی درست‌شاگردان یکی از اهداف این وزارت بود .
 منبع علاوه میکند :

در ساحه لیسه ها، به اساس ریفرم معارف، رشته های ساینس و اجتماعات در صنوف دوازدهم تعیین شد و از شاگردان بعضی لیسه های مرکز که شقوق ساینس و اجتماعات آن ها جدا گردیده، امتحان اختصاصی طوری گرفته شد، که هرگروپ از متعلمان رشته ساینس، مضافاً مین مربوط و هرگروپ از شاگردان رشته اجتماعات مضافاً اختصاصی خود را امتحان دادند...
 منبع میگوید :

البته هدف از تعیین رشته در صنوف دوازدهم این است، تا جوانان در پایان تحصیلات ثانوی، به شقوقی که استعداد و علاقه دارند، رهنمایی و تشویق گردند...
 منبع وزارت معارف در پاسخ پرسش دیگری میگوید :

مکانکور پو هفتون که درین روز ها ادامه دارد، بصورت اختصاصی به دو قسمت ساینس و اجتماعات صورت می گیرد و جوانان مطابق ذوق و معلومات خود در قسمت مورد نظر حصه می گیرند...
 یک منبع ریاست تدریسات ابتدایی وزارت معارف میگوید:

امتحان مکاتب ابتدایی مرکز و قسمتی از ولایات سرد سیر پایان یافت و شاگردان فعلاً از رخصتی های زمستانی خود استفاده میکنند...
 ... لیسه هائیز روز های آخر امتحان را سپری کردند . یکی از شاگردان لیسه رابعه بلخی در پایان امتحان تاریخ، گفت:

سابقه رقابت بین دختران در صنف و درس خواندن بصورت صحیح و بالاخره امتحان حقیقی سبب شده بود، تا تمام سبب عارا نا لحظه های پابین سبب به مدرس خواندن بگردانم... البته مانند من سایر دخترانی که آرزوی کامیابی را داشتند، سر سخانه به تلاش آموختن درس های شان بودند...
 منبع افزود :

زحمت کشیده اند و آن هاییکه در طی روزهای دراز سال باز یگوشی کرده اند... همه گرد می آیند، بر پشته یز های امتحان می نشینند...
 قلم بدست می گیرند و در آزمون پایان سال، آنچه اندوخته اند، بار دیگر، بازگو می کنند...
 در امتحانات سالانه مکاتب و لیسه ها، امسال یک انتظام بیسابقه دیده می شد، جوانان در پای ماه های تحصیل، راضی به نظرمی رسیدند و این از اعتماد به نفس شان بود، از اعتماد به زحمات و حاصل شان حکایت میکرد و بالاخره از نتیجه سیستم تدریس بهتری که در سال های اخیر رویکار آمد...
 یک منبع وزارت معارف در برابر پرسشی گفت :

بناطبق ریفرم بنیادی دولت جمهوری افغانستان، معارف در کشور یا مفهوم وسیعی و بانایج سود مندی موقع خدمت یافت، همگانی شد، پرورش استاد و شاگرد تاثیر انداخت و مدرس به مفهوم درس و دانش آموز بمنظور فرا گرفتن دانش در لیسه ها و مکاتب آمدند...
 منبع می افزاید :

با تطبیق قسمتی از پروگرام های ریفرم معارف در طی سال تعلیمی که پایان یافت، نحوه امتحان و تدریس، استفسارده اعظمی از وقت و بکار افتادن قوه استعداد و ابتکار شاگرد، قناعت بخش بود...
 متوسط مکاتب ابتدایی و ارتقای دوره آن ارزشش صنف به هشت صنف امسال مرحله دیگری را بهمود و بیشتر مکاتب ابتدایی دارای صنوف ارتقایی هشتم شدند، که البته این امر در بلند بردن سطح دانش و فکر اطفال مؤثر و نهایت سودمند است .

در ساحه معلمان مکاتب ابتدایی که اساس تحصیل جوانان را تشکیل میدهد، نیسز وزارت معارف توجه داشت، بکار گماشتن معلمان ورزیده و مجرب در مکاتب ابتدایی

وی افزود :

روی همرفته در امتحانات امسال ارزیابی درست، برای گزینش شاگردان لایق و بااستعداد، صورت گرفت سوا لات امتحان طوری تنظیم شده بود، تا مفید آموزش شاگردان، از آنچه کدر طی سال خوانده بودند، بررسی شده بتواند .

یک منبع لیسۀ نادریه گفت :

شاگردان روز های آخر امتحان را میگذرانند و مابرای اینکه به سرعت بتوانیم نتایج عمومی را بدست بیاوریم وبه نارغان موفع اشتراک در کانکور را بدیم، ارزیابی نمرات را روی دست داریم، نتایج امسال قناعت بخش است و از علاقمندی شاگردان حکایت میکند .

لیسۀ حبیبیه امسال دو گروه فارغان دارد، در رشته های اختصاصی سا ینس و اجتماعات .

یکی از شاگردان این لیسۀ در آخرین روز امتحان میگوید :

درسال های قبل وقتی کانکور را مدنظر می گرفتیم، بادلپره عجیبی روپرو می شدیم اما امسال آنطور نیست، چه هر دسته می توانند، مطابق معلومات خود در رشته اختصاصی کانکور شرکت نمایند . . .

درین روزها همچان امتحان لیسۀ ها در شهر کابل پایان یافته است و روز های استراحت و تعطیل را شاگردان آغاز نموده اند . . .



آمادگی برای امتحان، همه شاگردانرا به خود مصروف ساخته است .

یکی از استادان لیسۀ جمهوریت در مورد سوالات امتحان گفت: استاد از زحمات یکساله خود میکند و منظور از تحصیل دانش آموزی است، که از امتحان این نیست که شاگرد باید فقط این مرام در طی سال تعلیمی بر آورده می آلبته امتحان یک ارز یابی است، که برای امتحان درس بخواند و بس . . . بلکه شود . . .



شاید اینها همه با پیروزی و موفقیت امتحان راسپری کرده باشد .

د امریکې په پوهنتونونو کې د کبني

د مین ژباړه

گرافیک هنر

ددغه هر کلي له لاری دی چه دنوموړی هنر په برخه کې د هنری خانگو یو زیات شمیر داوطلبان دگرافیک هنرونو په خانگه کېنې خپل نومونه لیکي او وروسته بیا په هماغه خانگه کېنې دلوړو علمی درجو داخیستلو دپاره خپلو زده کړو ته دوام ورکوي . نننی زده کوونکي دپخوا زمانې دزده کوونکو په نسبت زیات امکانات لری او دپوهنتون په انتخاب کېنې نه یوازی دزده کړو خانگو ته بلکه دازموینځایونو دوسایلو ډول او څرنګوالی ته هم پاملرنه کوي .

دیو معتبره پوهنتون په یوه گرافیک ستودویو کېنې یوه گنډه څرګندوی چه په دی ستو دیو کېنې دلپتو گرافي ، حکاکي ، او په زړه پوری چاپ دپاره دچاپ له وروستیو وسایلو څخه استفاده کېږي . نوموړی زیاتي چاپ خانی دسترو چاپی کارونو دسرتو رسولو قدرت لری او دچاپ دماشین ټول ډولونه له لاسی ماشینونو نه نیولی تر اتو مات ماشینونو پوری لری ، په دغو ستدیو گانو کېنې دغه راز دتور قلم په وسیله یا دلپتو گرافي او یا دسیلک دسکرین په روش د عکس دچاپولو وسایل شته په بل عبارت په دغو چاپخانو کېنې هم دکلیشي ډولولو عصری وسایل شته او هم د عکس اخیستلو د وروستی سیستم ماشینونه ، اوزده

هنر پر مختللی یو لړ بین المللی لوبی په ترتیب سره جوړېږي او دزده کوونکو هنر مندانو ، عقایدو ، کتابونو او هغو مجلو ذراکړی ورکړی پروگرام عملی کېږي چه په گرافیک پسروری تړلی وی .
دگرافیک هنر سره دخلکو د علاقې دپارولو په اثر په ترتیب سره له پوهنتونونو څخه دنوموړی هنر دیلو بیلو اړخونو په باره کېنې پوښتنی کېږي او ورځ په ورځ د هغو کسانو شمیر زیاتېږي چه دچاپ او گرافیک په نندارتونونو کېنې گډون کوي .
له دی امله داسی معلومیږي چه دپخوا په خلاف دخلکو له ناحیې څخه دگرافیک هنر خواته پاملرنه مخ په زیاتیدو ده .

دپیژندنې سره علاقه یوه داسی پدیده نه ده چه د امریکې په یووی خاصی برخی پوری مخصوص وی خو یو داسی مشکل دی چه د امریکسی دگرافیک زیات هنر مندان ورسره مخامخ دی ، پرته له هغو مشکلاتو چه دپوهنتون یو ماهر ورسره مخامخ دی په زړه پوری ټکی هغه زیات وړاندی تګ دی چه په دی خانگه کېنې له هنر څخه په وروستیو کلونو کېنې لاس ته راغلی دی . له ۱۹۴۰ کلونو څخه را په دیخوا و چه دگرافیک خانگه د امریکې دپوهنتونونو ددرسی پروگرام دیوی برخی بڼه غوره کړه . د هغو هلو ځلو په نتیجه کېنې چه دگرافیک هنرونو دنداری او دخورا ښوونونو دپروگرامونو او ساتلو دپاره وشوی ددغی دوری دچاپی کارونو په سل گونو نمونی پاتی دی .

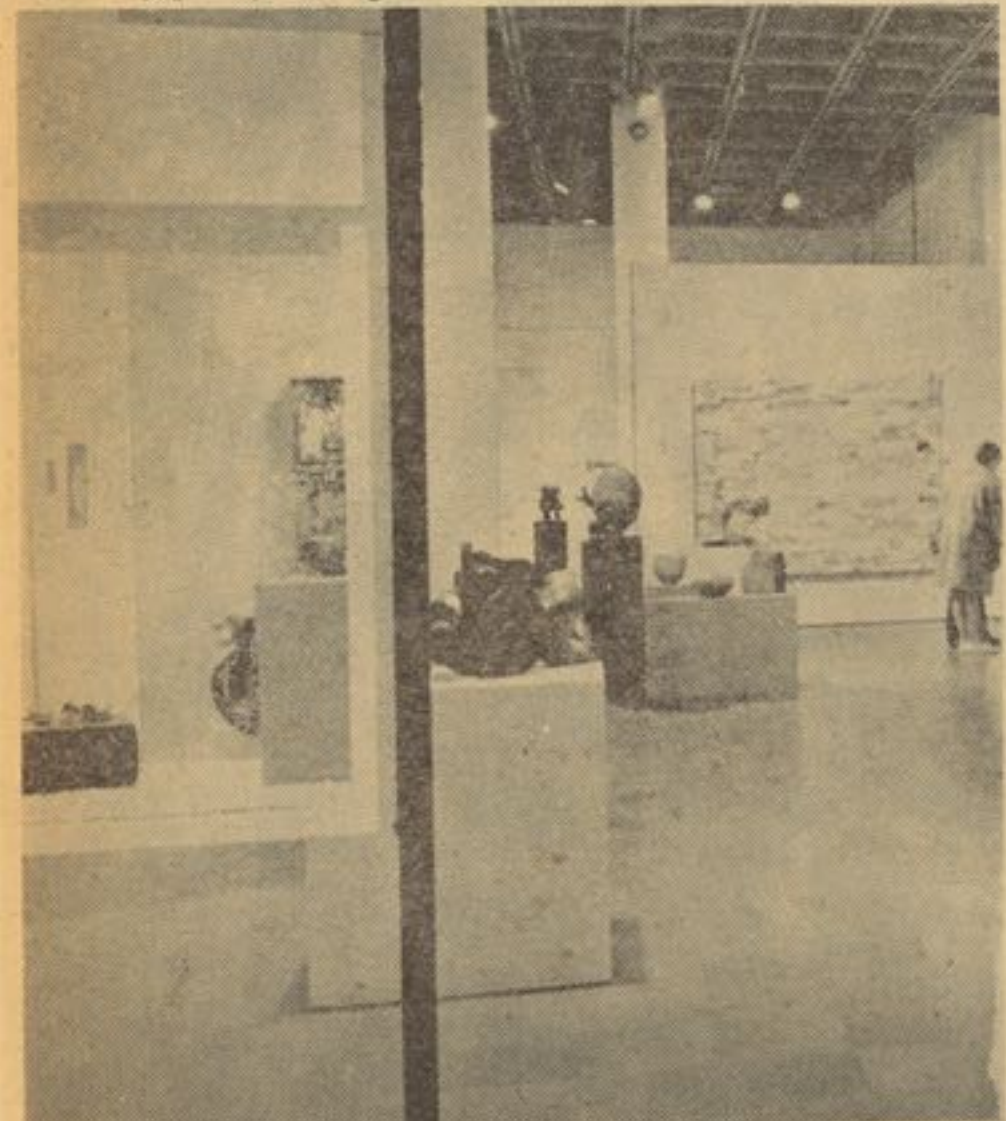
خو کاله دمخه یو امریکایی هنری منقد دپوهنتون دمحصیلتو دگرافیک آثارو دندارتون له کتنې نه وروسته دهغوی دهنری استعدادونو او ابتکارونو دستاینې په باب یوه مقاله ولیکله او افسوس یی څرګند کړ چه ولی له دو مړه ذوق او ابتکار سره سره چه نوموړی محصلین یی دگرافیک هنر په باره کېنې څرګندوی دهغوی دهنر اړخینت ته پوره پاملرنه نه کېږي . دغه انتقاد نن هم تر یوی اندازی پوری مصداق لری . ددی سره سره د هغو ذوق لرونکو هنر مندانو شمیر چه په دی خانگه کېنې فارغ التحصیل کېږي ورځ په ورځ زیاتېږي معمولا هغه کسان چه په امریکې کېنې دگرافیک هنر په خانگه کېنې کار کوي ضروری پوهنتون لیدلی اود ښکلیو هنرونو په خانگه کېنې لیسانس او یا دلیسانس نه پورته تحصیلات لری . دوی غالباً دلپتو گرافي ، حکاکي ، سیلک اسکرین او ستر چاپ او د عکاسی دټولو تکنیکونو په څیر دگرافیک په ټولو خانگو کېنې پراخه معلومات او پوره تجربی لری . اوس نو وگورو چه دغه هنر مندان تر کومې اندازی پوری کولی شی چه په خپل کار او هنر کېنې بریالی شی ؟

ددوهمی جهانی جګړی نه وروسته په امریکې کېنې ددغه هنر په وړاندی تګ کېنې خورا اغیزمن عامل دسر بازارو دزده کړی دڅزانی دمرستی قانون دی چه دهغه په اساس یوزیات شمیر هنر مندان چه دجګړی په علت یی دخپلی زده کړی جریان پسری کړی و دنوموړی قانون دښیکښو څخه په استفادی سره پوهنتونونو ته راستانه شول او په خپلی علاقې وړ خانگه کېنې یی زده کړی ته دوام ورکړ ، ددغه پروگرام داجرا په نتیجه کېنې دچاپ او گرافیک یوزیات شمیر کار پیژندونکو دزده کړی له سرته رسولو وروسته په لیسو او پوهنتونونو کېنې په تدریس پیل وکړ .

دچاپ هنر ۱۲ کاله مخکېنې په چټکی سره وده وکړه چه همدا اوس هم دوام لری . دغه پرله پسې پراختیا دتکنولوژی دپرمختګونو په مرسته سرتو ورسیده او دخلکو پاملرنه یی نوموړی هنر ته را واړو له او څرنګه چه په نورو هیوادو کېنې هم گرافیک



دشمالی کار و لینا دپوهنتون یو زده کوونکی د لرګی په نقشی کار صفحه ۱۲ کوی .



دنوی مکسیکو دپوهنتون دزده کوونکو دچاپی آثارو دکالنی نندارتون یوه منظره ژوندون



دسیاتل په ښار کښی دواشننگتن دپوهنتون دهنرونو په پوهنځی کښی دڅلور گونو کار خانو دیوی کارخانی یوه منظر ه



دفلوریدا دپوهنتون په گالری کښی دهنری نندارتون یوه خنډه .



دفلوریدا دپوهنتون دهنری نندارتون یوه بله منظره

کونکی دواړه طریقې زده کوی . معمولاً په پوهنتونونو کښی دچاپ ټول نوی او پخوانی وسایل په یو سالون کښی زدی، په داسی حال کښی چه پخوا په کار گاوو کښی د چاپ دسیستم یو ډول وجود در لود اوزده کونکی دچاپ د ډول ډول روشونو دیا ډولو دپاره له یوی کار خانی نه بلنی کارخانی ته .

په نوی سیستم سره یعنی په یو سالون کښی دچاپ دډول ډول رو شونو ، دستگاوو او ماشینونو په راټو لولو سره زده کونکی یو دبل سره دټولوگرافیک هنرونو ارتباط عملاً رک کوی او دټو لوماشینونو د کاردطرز سره بلدیری . دگرافیک هنر زده کونکو او ددی فن ماهرانو ډول ډول عصری او آزمایشی طریقې او روشونه یو دبل سره ونښلول او دهغو له ترکیب څخه خورا په زړه پوری آثار منځ ته راوړی . دا روحیه دهغه څه سره چه په پنځلسمه او شپاړسمه پیری کښی وجود در لود او دهغه په نتیجه کښی دچاپ بیلو بیلو شکلونو تکامل وموند ورته والی لری .

په هماغی دوره کښی و چه دچاپی تورو اختراع په لرگی او فلز بانندی دحکاکی دهنر سره یو ځای شوه او دکناب دچاپ نوی هنر منځ ته راغی اوبالاخره دکناب دخپرولو دستسیر صنعت دپیداښت سبب شو، البته دتکنو لوژی بدلو نونه په همدی ځای پای ته ونه رسیدل ، ځکه ورو ، ورو دگرافیک دچاپ دهنر مند او ماهر دخالقه فکر ځای دعکاسی ډول ډول ماشینونو او وسایلو ونیو دعکاسی دپیداښت نه مخکښی یو زیات شمیر گرافیک هنر مندان دکار داستاد یا کسبگره په نامه یا دیدل او دهغوی کار دهنر مندانو د آثارو کابی کول او ښکاره کول وو دهغه هنر مندان په واقعیت کښی دماشینونو په څیر وو او کار یی یوازی تقلید په زوره توگه کابی کول و او خلاقه اړخ یی نه درلود خو ددوی له جملی نه یو لړ شمیر یی گرافیک هنر مندان و چه کیدای شی هغوی دچاپ او دهمردیفو مجسمی جوړولو دپخوانیو استا دانو په نوم وپیژنو ، په دی ترڅ کښی دپخوانیو استا دانو په جمله کښی یو شمیر نور هم وو چه دگرافیک هنرونو په څانگو کښی یی مهارت تر لاسه کړی و . زموږ په وخت کښی چه دهنر منسد خلاقه قدرت دگرافیک هنرونو په

څانگه کښی دتکنو لوژی دنویسو بدلو نونو څخه دکښی اخیستلوسره یو ځای شوی دی دچاپ په کار کښی زیاته اغیزه کړی او هغه یی په منځ بیولی دی . دهغه تحول له پوهنتونونو نه پرته په بل هیڅ ځای کښی دیادونی وړنه دی او داسی معلومیږی چه ددهغه پر مختک هیجان دپنځلسمی او شپاړسمی پیری دوختونو د شور او هیجان په څیر دی چه بشر هڅه کوی دارتباطونو نوی وسایل منځ ته راوړی .

داوسنی چاپ هنر مندان په څلورو فنی طریقو سره کار کوی . ستر چاپ، حکاکی ، لیتو گرافی او سیلک اسکرین چه هره یوه دگرافیک هنر دبیلو بیلو بر خو له نظره خاص ارزښت او اهمیت لری . شک نه شته چه دچاپ، مرکب، دستگاوو اودچاپ دوسایلو په څانگه کښی دتکنولوژی پرمختکو نو هریوه دچاپ دهنر مند دکار افق او دنظر ساحه زیاته کړی ده .

هنری منقدانو چه پخوا دزده کونکو دچاپی گرافیک دکارونو ارزښت ته دخلکودپا ملرنی دنشتوالی له امله گيله کوله اوس له هر ډول شک او تردید نه پرته داخبره منی چه په دی برخه کښی زیات پر مختکو نه ترلاسه شوی دی . ځکه تقریباً دامریکی په ټولو هنری پوهنتونونو اوگالریو کښی دزده کونکو چاپی کارونه ننداری ته وړاندی کیری او داسی ځایونه جوړ شوی دی چه دهغه ډول هنری آثارونه یی دندارتونونه ورکړی ده او هغه بلوری . په زیاتو هغو گالریو کښی چه پخوا دنقاشی او مجسمی جوړولو آثار بلورل کیدل اوس چاپی هنری آثار بلورل کیری خو دا تصور باید ونه کړو چه دبریا لیتوب دهغه اندازه به کافی وی بلکه دگرافیک دڅانگی دزده کونکو دهنری کارونو دښودنی دپاره نوی لاری ولټولی شی ځکه هرڅومره چه استعداد لرونکی او ذوق لرونکی زده کونکی زیات تشویق شی ، په ښه و جبهه کولی شی چه نوی آثار منځ ته راوړی . په امریکی کښی ورڅ په ورڅ خلك دچاپ آثارو ته دیوی هنری څانگی په نامه زیاته یا ملرنه کوی اوددهغه ډول آرونو بازارتودپیری په داسی وخت کښی چه نقا شان او مجسمه جوړ وونکی دخپلو آثارودپاره پاتی په ۴۸ مخکی

به صورت دقیقتر و عالی تر تصویر زندگی
کهن جوامع بشری را کشید .
همچنان دانش چون: روانشناسی ، جامعه
شناسی و دیگران نیز در این راه خدمت
ستری انجام میدهند .

برخی از باستان شناسان در لابلای خاک
هابه کاوش نمی پردازند . آنان تر جیح
میدهند تا صورت نسبی ابدات تاریخی ، سنگ
نبور و بازمانده های جوامع ابتدایی چون:
زندگی ابروژن ها (بومیان استرالیایی . م .) و
چنگل نشینان بوتسوانا را از نزدیک مطالعه
کنند .

شیوه های جدید و کشف های نو به
باستان شناسان اجازه میدهد تا بروی برخی
عقاید و نظریات گذشته در این رشته خط
بطلان بکشند . تئوری های مبنی بر اینکه فلان
جای (کهنواره تمدن) بود و فلز کاری و سایر
نشینی را به سایر نقاط انتشار دادند و جملات
شدید فرار دارد .

عقیده قدیمی مبنی بر اینکه سر خپوسان
امریکایی زیر تاثیر طبیعت نا مساعد زندگی
کوچگری داشتند نادرست میباشد . کشفیات
اخیر در امریکای لاتین نشان داده که جوامع
(می یان وانکان) به مراتب از دولت های
کنونی در آن منطقه ، باسکوه تر و عظیم
تر بودند .

باستان شناسی جدید با خود نقد های هم
بهمراه آورده است .

ولی باستان شناسی جدید و کهن یک
فرضیه واحد را حایه میکنند و آن اینکه:
انسان کنونی باید از استیپا هات گذشته اش
درس عبرت بگیرد و آن را تکرار نکند . توسط
تحلیل این پدیده که جوامع کهن چگونگی
با مشکلاتی چون : آلودگی - تکثیر نفوس -
کمبود منابع مساله جنگ و غیره دست و
پنجه نرم کردند میتوان راه حل های
مشکلات موجود یافت . جیس هیل باستان
شناس میگوید:

((اگر گذشته را خوب تشریح کنیم . آینده
را میتوان پیش بین بود))
این تشریح و توصیف با کشف آغاز
میکرد .

در سال های اخیر دانشمندان فزیک برای
باستان شناسان وسایل جدید برای برده
داشتن از گذشته اختراع کرده اند . عکاسی
هوایی که توسط کمره های که در برابر طول
امواج مختلف عکس العمل نشان میدهد
تغییرات کوچک در تحقیق و کاوش را در بر
گرفته و ساختمان های باستان شناسی را که در دل
زمین پنهان باشد علامه گذاری می کند .
دانشمندان فضای که در جستجوی منابع جدید
در زمین اند به دنبال مناطق کهن و باستانی
نیز می گردند .

ماشین های ساده نشانده هنده فلزات ،
قدرت ان را دارند تا انبساط فلزی را که در عمق



سپر تاریخی کار تازه زمانی مرکز تمدن فنیقی هارا می ساخت .

کاوش برای دریافت گذشته های دور

ترجمه : رهجو

زندگی دیروزی بشریت بروی کاوشگران
دانش باستان شناسی ، بازگشت . باستان شناس
سی انطوریکه طبیعت این دانش می خواهد
آهسته آهسته و با حوصله زیاد رد پای
گذشته را دنبال میکند ولی این دانش به
بنازگی در وسط انقلاب نوی قرار دارد .

دیگر مطالعه تاریخ ، نهادن ابوت در بسته
فرما نروایان پارینه که زمانی مردان و زنان
با فرو شکوه بودند دریند نمی ماند . امروز
باستان شناسان سعی میکنند : یک تصویر
کامل و تمام نهای شهرهای کهن و اجتماعات
گذشته - مخصوصا روش زندگی طبقات
عادی مردم - در آن جوامع را ، بیرون بکشند .
داکتر ویلیام گواز موزیم پو هنتون
پنسلوا نیامی نویسد که :

((ما دیگر تمام توجه خود را در معابد
بانسکوه و قصرهای با برج های بلند متمرکز
نهی سازیم . اکنون ما علاقمندی زیادی به شناخت
رشار تمام افراد جامعه و چگونگی اقتصاد
آنان داریم))

این برخورد تازه به صورت چاره ناپذیر
نرم جدید را در باستان شناسی به میان آورد که
میتوان آنرا « باستان شناسی جدید » خواند
که ساحت وسیعتر را در بر میگیرد . برای
برده برداشتن از زندگی گذشته ، دانش
بشری وسایل نوی چون : کمپیوتر - معا سبه
ذره ای ، وحشی کمره های که بر اقماع مصنوعی
نصب است در خدمت دارد که بوسیله آن

بر پایه های افقی سوار بود ، کار گرفتند .
بعد تر پس از آنکه خاک و گل را از روی
این آثار توسط فشار آب عقب زدند .
کاوشگران بدون کشتی راه یافتند .
در عین حال انبساط مهم و پر ارزش توسط
بالونی به کشتی بی که در سطح آب به همین
منظور قرار داشت انتقال داده شد .
کشتی های غرق شده مواد فاضله دیروزی
میتواند درجه های مطمئن برای شناخت

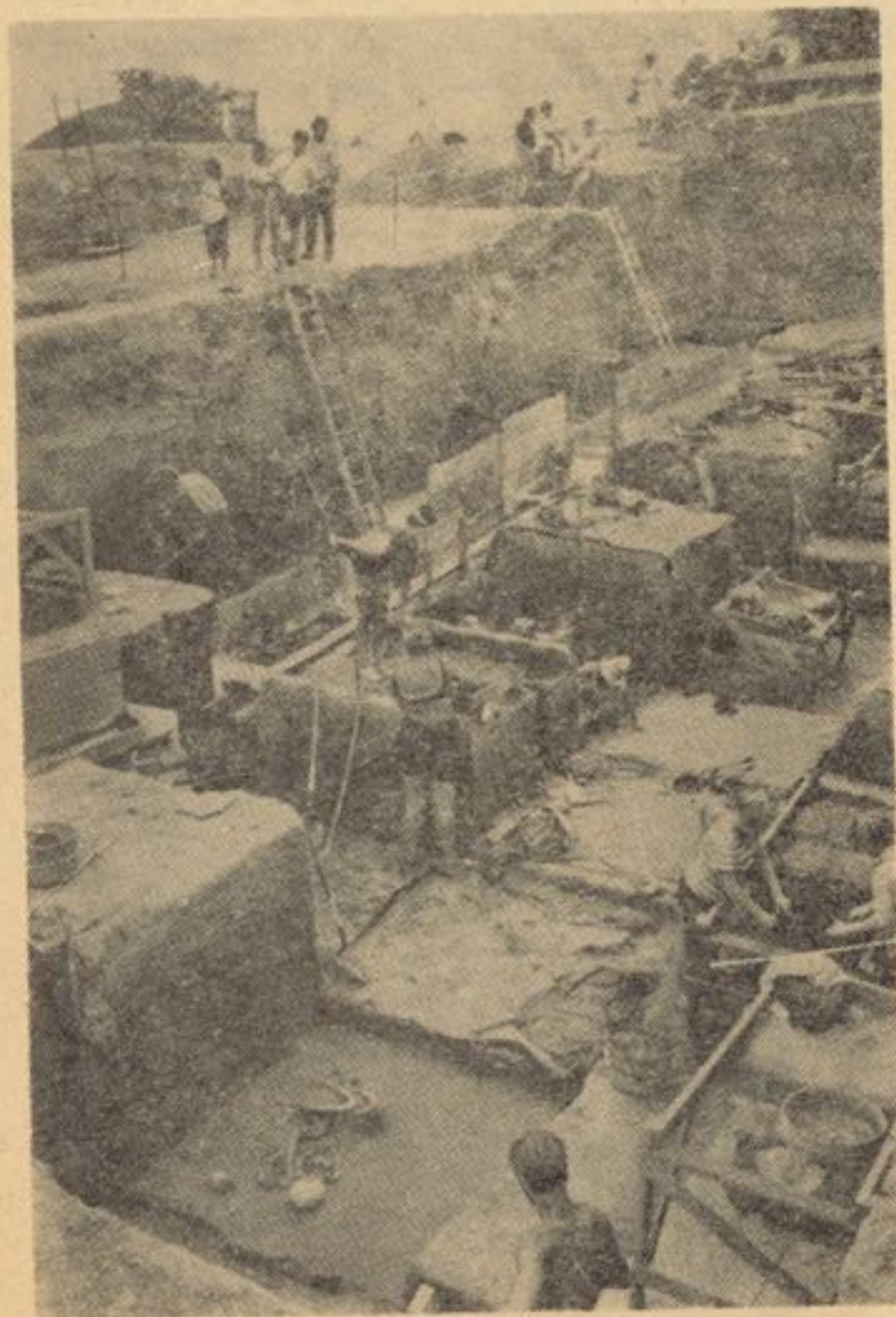
در زرفای یکصد و چهل تنی بحیره ایژن
که کمی از سواحل ترکیه فاصله داشته و آن
را بنام گوه (یا مسوا) می خوانند غواصان
بالیاس های ضد آب در جستجوی لاشه کشتی
رومی آرند .
بعد از اینکه لاشه کشتی شکسته را توسط
یک کمره تلویزیونی بدقت دیدند از آن
عکاسی نموده برای دریافت عکس روشنتر
از روشنایی انداز های قوی و کمره هاییکه



چند مرد پیری که ۲۰۰۰ سال عمر دارد .



این دختر موهایی شده از پای شل بود



در شهر کامپوزیل ، باستانشناسان پرده از روی تاریخ بومیان امریکایی دارند .

۳۴۰۰۰ سال پیش پنهان شده باشد نشان بدهند . هفتصد
پیش یکدلال نیویارک توسط آله نشاندند
فلز که آن را خودش هنگام تفریح در خانه ساخته
بود توانست نایک مجسمه مفرغی ((عادریان))
امپراتور روم را در بحیره کالیلی کشف کند .
الیزابت رالف و گروه همکاری از موزیم
یو هنتون پنسلوانیا با وسیله مجهز تری که
بنام ((نمایش دهنده مغناطیس)) یاد می
شود اکنون در شهر قدیمی سیارسیس یونان
به کاوش مشغول اند .

انستیتوت تحقیقاتی ستانفورد مشغول
تجربه راداری اند که شعاع مستقیماً به زمین
می تابند . انعکاس این شعاع اندازه و شکل
کنجینه های تاریخی را که زیر هزاران خروار
خاک غنوده اند نشان میدهد .

اکنون باستانشناسی در محدوده کاوش
بروی زمین در بند نهانده و بسوی کشفیات
زیر دریایی روی آورده اند .

جورج باس بیش از پانزده سال است
که روی لاشه های ویران کشتی های قدیمی که
تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد می رسد در بحیره
مدیترانه مشغول کاوش است .

اودریافت که بسیاری اموال کشتی های
غرق شده در وضع بسیار عالی دست نخورده
مانده اند . این باستان شناس ۴۱ ساله می
گوید که:

((خود کشتی عساحه ای گسترده برای
کاوش باستانی بکار می رود . هر چیز که
در آن زمان ساخته شده بود اکنون می توان
در اینگونه کشتی ها یافت . جای شگفتی است
که انبیا در زیر آب نسبت بر روی زمین محفوظ
تر مانده اند .))

شیوه های که باس در تحقیقات زیر
دریایی خود انجام میدهد از شیوه های کاوش
خشکه تقلید شده است .

برای برهنه کردن اشیا از گل ولای هوای
زیر فشار زیاد بکار می رود . برای انتقال اشیا
از یک بالون کار می گیرند . نقشه های سه
اصطلاح ((هوایی)) توسط زیر دریایی ها
یا غواصانیکه حامل کمره اند تکمیل می گردد .
از آلات نشاند هنده فلز نیز کار گرفته
میشود دستگاه تلفون زیر دریایی همیشه
حیات تحقیقاتی را با سطح آب پیوند می
دهد .

بزرگترین کشتی که در ساحة شناخت
آثار باستانی بمیان آمده شیوه بکار بردن
کاربن ۱۴ برای تعیین عمر اشیا قدیمی
است . این روش توسط ویلارد لیبی کیمپادان
یوهنتون شیکاگو کشف شد .

این شیوه برای تعیین عمر اشیا که زمانی
زنده بودند بکار می رود . موجودات زنده
حیوانی و نباتی هنگام حیات مقدار کم رادیو
اکتیف از کاربن معروف به کاربن ۱۴ می
گیرند . هنگامیکه می میرند این عملیه پایان
می یابد و ایزوتوپ های رادیو اکتیف سا

شماره ۳۹
لغفا ورق بزنید



نقشه ای که کار تحقیق را در عمق بحر نشان میدهد .

میلاد ۸۱ هزار پیش از میلاد می رسد در اینجا دانشمندان رشته های مختلف مانند نبات شناسی - حیوان شناسی - کیمیا احصائیه و غیره مشغول جمع آوری ارقام اند . همچنان محل دیگری در کنار دریای شند هوای ویر چنیا زیر گاوش دا کتر ویلیام گاردنر از پو هنتون کاتولیک واشنگتن می باشد . در اینجا نیز نمونه های از زندگی مردمان بومی آمریکا کشف شده است . (مردمان اصلی آمریکا که به سرخپوستان معروف اند ، خشن ، نامنظم و لوده بودند ، آنان زندگی ثابت و عالی بدون اینکه از تکنولوژی کار بگیرد داشتند) باشندگان او لیه این قاره همیشه در لیه

چقوری مرگ ناشی از گر سنگی ویا ویرانی فرار نداشته و همیشه مجبور نبودند و وقت زیادی خود را به شکار برای بدست آوردن غذا بگذرانند . اکنون نیزه هایی که توسط گاردنر کشف شده نشان میدهد که بومیان اصلی آمریکا وقت اضافی زیادتری نسبت به کارگران فعلی داشتند . بومیان شمال آمریکا به پایه تمدن بومیان غرب آمریکا نرسیدند . در شمال گواهیها لا گروهی از باستان شناسان بر عبوری داکتر کوموفک به تحقیق همه جانبه درباره شیر تا یکال که ساحه ۲۲۲ میل رادر بر گرفته و مجتمع عالی دهنشینان با قصر های عالی بیه در صفحه ۵۶ ژوندون

ظروف گلی در گرفته تاکنون توسط جر یان رادیو اکتیف معلوم می شود . توسط گرم کردن نمونه این ظروف و بکار بردن آلات مجهز دانشمندان عقیده دارند که تاریخ دقیق ساختن ظروف گلی تعیین شده میتواند . باستان شناسان پو هنتون پسنلوا نیا با بکار بردن این شیوه در دره بان چیانگ واقع تایلند که بیش از مدت ده سال است در اینجا مشغول کاوش اند به این نتیجه رسیده اند که برخی ظروف آنجا ۳۵۰۰ سال پیش از مسیح ساخته شده است . به این ترتیب آلات مفرغی که در بان چیانگ ساخته شده ۵۰۰ سال قبل تر از اشیای مفرغی است که در شرق میانه ساخته شده است . اکنون فکر میشود که ممکن عصر مفرغ در جنوب شرق آسیا طلوع کرده باشد نه در شرق میانه . ولی جستر گورمان رئیس هیات باستان شناسی عقیده دارد که امکان دارد عصر مفرغ در نقاط مختلف دنیا جدا از هم پیمان آمده باشد . شواهد بیشتر زمانی به دست آمد که شیوه تعیین عمر توسط کاربن ۱۴ را در اروپا بکار بردند . با این روش فهمیده شد که برخی آثار در انگلستان و جزیره های ایری ، کین ، تراز اهرام مصر و غیره می باشد . ولی برخی دانشمندان می گویند که ((روی نتایج تجربی نمی توان حکم قاطع صادر کرد)) در امریکای شمالی اکنون باستان شناسان مشغول مطالعه تغییرات اجتماعی جوامع مختلف اند . لوئیس بنفورد از پو هنتون

نیو مکزیکو برای یافتن رد پای این تغییرات سفری به الاسکا کرد تا ببیند که مردمان اسکیمو با استخوان های اضافی و مواد افصله چه میکنند . این کار اسکیمو ها از ۶۰ هزار سال به اینطرف تغییر نیافته است . بنفورد عقیده دارد که با مقایسه استخوان های کتونی با مواد بدست آمده تاریخی میتوان تغییرات اجتماعی را اندازه گیری کرد . به صورت مثال اگر جوامع در مرحله ای رسیده باشند که مفرغ استخوان را که مواد غذایی کم دارد خورده باشند چنین معلوم می شود که جامعه روز های سختی را از لحاظ کمبود مواد غذایی می گذرانند . هم چنان از طرز بکار بردن استخوان های توان تغییرات اجتماعی در جوامع اسکیمو را حدس زد . جستجو برای کشف آثار باستانی با مطالبی که بیان شد بسته نمی کند . متخصصان عقیده دارند که باید روی تخم های غله هایی که در بخش های باستانی کشف شده کار صورت بگیرد تا اثرات محیطی و شیوه زرع آنان کشف گردد . نمونه خوب باستان شناسی جدید را میتوان در مزرعه جواری ایلونیز دید که توسط داکتر ستورات سترو وراز پوهنتون نارت ویسترن صورت می گیرد . این جاغنی ترین آثار سرخپوستان پیش از میلاد را در بردارد . در یک محل آثار زندگی ۱۴ تمدن که روی هم قرار دارد کشف شده است . در اینجا آلات و افراز قرون مختلف گرد آمده است . تاریخ هر تمدن از ۱۰۰۰ بعد



هات باستان شناسی مشغول پرده برداشتن از روی تاریخ کین



ترس دختران از گپ و سخن مردم

سه‌مگیری دختران در فعالیت های اجتماعی نمایندگی از بسی باکی آنها نمی‌کند دختران به پشتیبانی و تشویق بیشتر مردم احتیاج دارند.

در پروگرام هنری پوهنخی ساینس که در ادیتوریوم پوهنتون برپا شده بود چهره پر درخششی در بخشهای موسیقی و نمایشنامه با قد بلند و با ریک و خوش ترکیبش سخت گیر است و مسحور نمایان گشت.

که با استقبال پرشور تماشاگران مواجه گردید و نقش خود را به بهترین صورتی به پیش برد. تا مش خدیجه است و محصل سال دوم پوهنخی ساینس بوده و رشته کیمیا و بیولوژی را دنبال میکند.

این چهره هنری شیرین کلام در بخشهای موسیقی و نمایشنامه با قد بلند و با ریک و خوش ترکیبش سخت گیر است و مسحور نمایان گشت.

خدیجه دختریکه همیشه میکوشد تا بر نمایشنامه ها و کنسرت‌های پوهنتون سهم بگیرد.

کننده است معرفی این چهره به خوانندگان محترم ژوندون و تشویق بیشتر او به ادامه سهم گیری در فعالیت های هنری آینده پوهنتون اساس گفت و شنودی را میسازد که با وی صورت گرفته است.

بروز مو عود پس از معرفی، خودش آهسته و آرام بر چوکی نشست به پاسخ دادن پرسش ها آماده گردید.

نخست خواستم تا از اشتراک خود در پروگرام های موسیقی و نمایشنامه پوهنخی خود و هم پیرامون سه‌مگیری دختران در فعالیت های سودمند اجتماعی گپ بزنند.

به آرامی و متانت گفت: من برای آن در بخشهای موسیقی و نمایشنامه فاکو لته خود اشتراک کردم تا نخست راه ناهموار و دشوار سهم گیری فعالانه دختران را به این گونه فعالیت های سودمند اجتماعی هموار سازم و از سوی دیگر تشویق خانواده و علاقه خودم به حیث یک محصل پوهنتون انگیزه بود که بموجب سه‌مگیری من و رونق نمایشات پوهنخی گردید. پیغله خدیجه پرسش دیگر مرا چنین پاسخ گفت: برای اینکه دختران

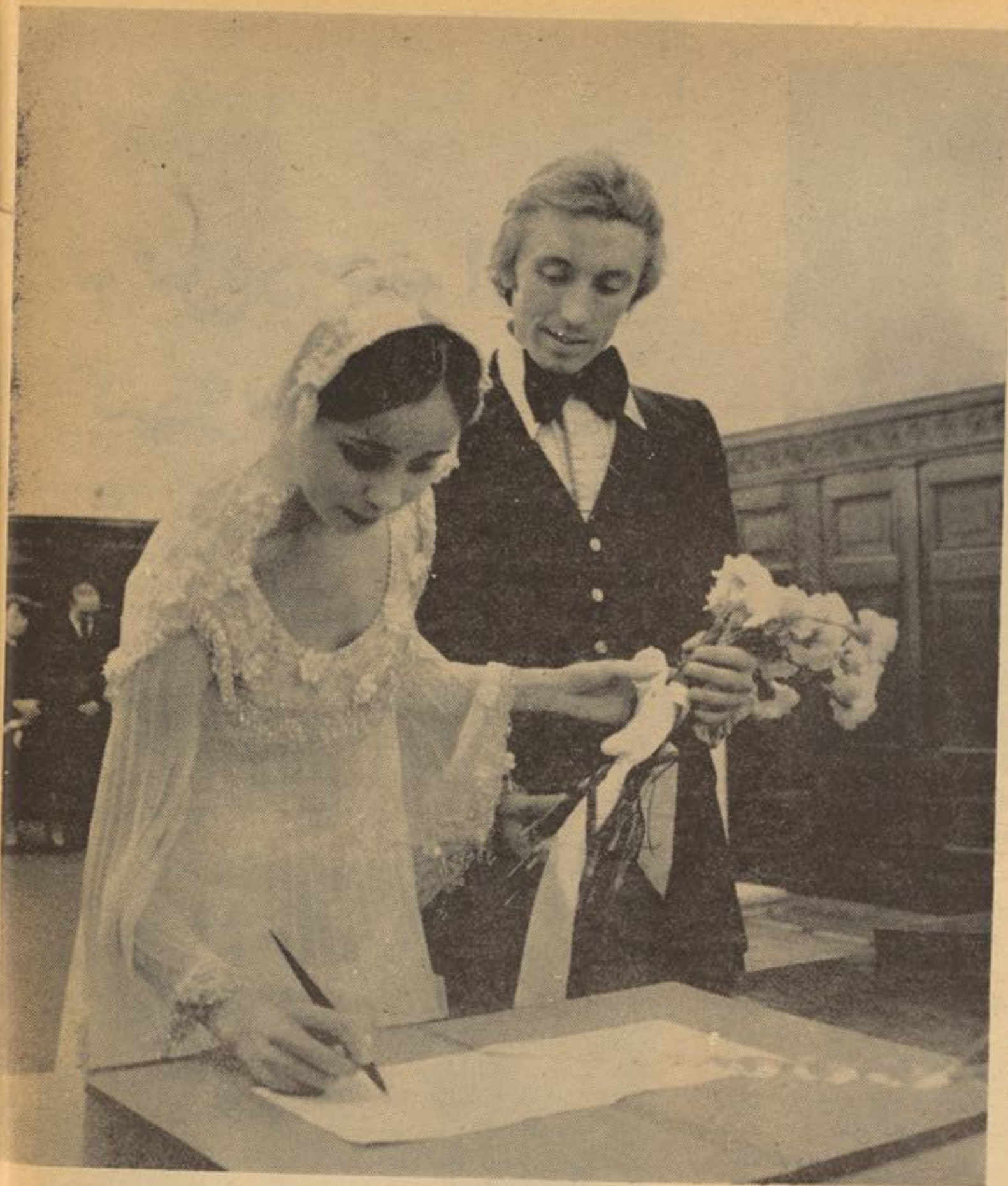
افغان در انکشاف همگانی کشور سهم سازنده شانرا بازی کرده و در پاره کردن زنجیرهای اسارت، که سالها دختران و زنان ما را در کنج خانه نشانده رهنمود هرای رهبر انقلاب جمهوری را مشعل راه شان قرار دهند و نیک بدانند که با مردان حقوق و مسوولیت مشترک دارند و میهن شان از آنها کار می‌خواهد و کاربراستی، واقعی و صمیمانه چه کار و تلاش یکجایی زنان و مردان کشور می‌تواند خسارات حالات رکود گذشته را بوجه شایسته ای جبران نماید.

دوشیزه خدیجه که از فارغان لیسه ملالی است در کنسرت‌ها و کنفرانسهای مکتبش همیشه اشتراک داشت و حالا بحیث یک دختر پوهنتونی، نمایشات فاکو لته اش را دل پذیر ساخته بود.

میگوید: برگزاری برنامه های هنری در ردیف درس در پوهنتون و مکتبها برای شاگردان بسیار - سودمند است چه این کار هم استعداد نهفته جوانان را شکوفان میسازد و هم خستگی درس را رفع ساخته زمینه تفریح سالمی را برای همه فراهم میسازد.



خدیجه میخواهد تا ترس های که مانع پیشرفت زن است از زمین بردارد.



روز ششم نوا مبر بالشوی تیاتر
کا نون بزرگ رقص بالت در شوروی
ازدواج دو هنر مند دلبا ختره
را اعلام داشت .

نادیزدا پاولو وا هنر پیشه
جوان و مشهور رقص بالت رول
عمده رادر بالت «گیسلی» به عهده
داشت. درین نمایشنا مه او لیس
بار با پاولووا شخصی حصه داشت
که امروز شریک زندگی او یعنی
چسلاو جور دیف است.

قضیه طور یست که در آن چند روز
قبل از آغاز تمرینات نمایشنا مه
گیسلی در بالشوی تیاتر پاولو وا
با چسلاو جور دیف رفاص معروف
تیاتر که بیست و هفت سال عمر
و در هنر تیا تر هم سیاقه طولانی
رادارا است ازدواج کرد.

مراسم عقد نکاح این دو هنر -
پیشه با استعداد شوروی در یکی از



روز ششم نوا مبر پاولووا
عوض تمرین و مشق هنری به پای
میز عقد نشست و باین صورت،
زندگی نوی را آغاز کرد.

از منابع شوروی

پاولووا رقصه مشهور

کرد

قصور که برای برگزاری همجو مراسم
در مسکو وجود دارد برپا شد .
پاولو وا قبل از اینکه در رقص
بالت بمقام پروفیسوری نایل آید
به شهرت رسیده و محبوبیت او در
جهان هنر نزد مردم شوروی ثابت
و آشکار بود .
این رقصه قبل از دریا فست
جایزه ممتاز هنری (گرانده پریکس)
که از اشتراک در دو مین مسابقات
بین المللی بالت حاصل کرده بود،
سه سال تمام به حیث هنر پیشه،
معروف جای در عالم هنر داشت
او، همیشه به حیث اولیس



پاولووا با شوهرش جور دیف در نمایشنا مه «گیسلی» در
حال رقص بالت .

ها بود به حیث قهرمان در يك نمايش نامه ريگر پالت به نام (دردسر زياد براي هيچ) کار ميکنند مو زيک اين نمايشنا مه را کمپو زيتور معروف شوروي تايخون کيرنيکوف بعهد ه دارد . قرار است اين نمايشنا مه که در آن هنر مندان مشهور و مصروف کار استند در ماه دسامبر براي او لين باز روی پرده بيايدر به نمايش گذاشته شود .

پاولووا در بخش های بسيار حساس نمايش نامه به رقص مي پردازد شوهرش ياچسلاو جورديف مردم وفق اين نمايشنا مه است .



۴ - پاولووا و جورديف بعد از طی مراسم رسمي به تبريکات صميمانه يکی از دوستان جوب ميدهد .



پاولووا در بلشوی تياتر از طرف تماشاچيان استقبال مي شود .

مترجم - ارشادي

شور شوروی از دواج

هنرپیشه ياد می شد و در دنيا ي هنر هنرش تا بندگی خاصی داشت بعدا وقتی پاولووا با کمپنی مشهور بلشویه به همکاری برخاست سفری بامریکا کرد و در فلم مشترک شوروی، امریکاینام «پرنده آبی» که توسط جورج غفور دایرکت شده بود حصه گرفت چون پاولووا ، درین فلم ماهرانه روشی را ایفاء کرد شهرتش آفاقی تر گشت و برسر زبانها افتاد . این روزها پاولووا تحت رهنمایی های مرینا سمیونووا که رقصه نامدار جهان بالت درگذشته



هنر در ایالات متحده آمریکا

پیوسته بگذشته

از: حامد نوید

ثبت و حفظ نماید، که این خود ترقی ذهنی بزرگی است در سیر تمدن بشر.

نتیجه عمومی ای که از مطالعه هنر مصر می گیریم عبارت از تحول مادی و معنوی پدیده است که نه تنها تغییر زندگی بشر را از نگاه شکل جوامع و انکشاف و سازیل تولید نشان میدهد بلکه نمائندگر گرایش انسان بسوی فلسفه های متکا ملتر و اندیشه های مترقی تر است.

(۱) - به قرار تعریف انسایکلو پدیا بر تا نیکا و انسا یکلو پدیا امریکا نابین سمبول و علامه چنین فرق کرده می توانیم علامه یا نشان چیز یست که بیا نگر خود باشد و سمبول آنچه مفکوره و یا چیز دیگری را بر علاوه خود تشریح بدارد.

دادن مجسمه های ریلیف (نیمه برجسته) تزیین تعمیرات و بنا لاخره برای هدف عمده تری یعنی نوشتن استفاده می کردند .

خط تصویری (یا هرو گلیف که بنام کاشف آن هنر گلیف باستان شناس فرانسوی بعد از قادر شدن به خواندن آن در سال ۱۸۳۰ موق شد یاد گردید) سنتیزی است از قدرت تصویر برداشت انسان از یکطرف و بیانیگری ای سمبولیک هنری از جانب دیگر.

یعنی انسان در هر مرحله مدنیست بر سطح فکری و هنری رسید تا با بکار بردن علایم (۱) در ابتدا و سمبول ها (۲) مفکوره اش را برای انسان های هم عصر محیطش بیان کند و حتی آنرا برای نسل های آینده اش

بهترین مثال مادرین مورد معبد بنیهاشم و پیکر بز رگ سسی فینکس است آنچه از نگاه سبک در هنر مجسمه سازی حایز اهمیت می باشد همانا اختلاط عنصر انسانی با حیوانات است و شاید این امر زاده طرز تفکر و عنعنات بین النهرین و شرق میانه بوده باشد . باز هم - بهترین مثال درین مورد مجسمه سی - فینکس کبیر است که سر آن انسان و بدن مجسمه شیر بزرگی در حال نشسته می باشد .

آنچه در مورد هنر نقاشی در مدنیت مصر کهن گفته می توانیم عدم استقبال این هنر است که با وجود تکالیف مفکوره های متنوع تا اندازه تابع هنر مجسمه سازی و مهندسی بوده است . یعنی هنر نقاشی برای مصریان قدیم وسیله بوده که از آن برای شکل

شکل هر م غزه را به خود گرفت ، آنچه برای ما از نگاه سیر انکشاف تمدن در مورد اهرام اهمیت دارد . انکشاف مفکوره های انسانی است که این انکشاف چه از نگاه ساختمانی و چه از نگاه هنری حایز اهمیت بوده است . آنچه می توان از مطالعه اهرام دریافت کرد همانا ارتباط یافتن هنر باریا ضیاء و انجنیری ساختمانی است که خود سطح انکشاف فکری مصریان قدیم را نشان میدهد .

طوریکه در گذشته گفتیم هنر مصر بصورت یک کل شکل اختلاط یافته هنر های مهندسی مجسمه سازی و نقاشی است چنانچه هنر مجسمه سازی در مصر باستان شکل تعمیراتی را به خود گرفت و

خصوصیات هنری مدنیت‌های شرق میانه و آسیای مرکزی هزاره سوم و دوم قبل از میلاد مسیح



مجسمه ریلیف یانیمه بر جسته ایکه مربوط به فستخ «نارماسین» فرما نروا ی بین النهرین بر آسیای صغیر است (۲۳۰۰ ق م)، موزه لوور فرانسه



مجسمه اشراف زاده سو مری (۲۷۰۰ ق م) این مجسمه که از سنگ آهک تراش و چشمهای آن بالاچورد تزئین یافته است ۹ اینج ارتفاع دارد و از جمله آثار قیمت دار موزیم بوهنتون پنسلوانیا اضلاع متحده بهشمار می رود .

حتی نشانه های موجود است که روابط تجارتي بین مردمان بین النهرین و اهالی وادی اندوس موجود بوده بقیه در صفحه ۶۲

پنج هزار سال پیش از امروز که دارند سابقه خوب و تجارب زیادی همزمان با آغاز مدنیت مصر شالوده مدنیت های دیگری جهان کهن، چون بین النهرین، وادی ای اندوس وادی ارغنداب و سواحل غربی آسیای صغیر (مدنیت بحیره اژه) پیریزی گردید، که ارزشهای فرهنگی آن تا زمانهای مدیدی در گرکتر بخشیدن مدنیت های مابعدی نقش ارزنده داشته است. این دایره های مدنیت بر خلاف تمدن مصر محدود بخود نبوده بلکه تماس های فرهنگی ای بین شان موجود بوده است. مخصوصاً مدنیت بحیره اژه که آنرا میتوان به منزله پلی خواند. عبور دهنده ارزش های هنسری و فرهنگی شرق به جهان هلفستیک سال دومی درینمورد مدنیتی است که در وادی ارغنداب در هزاره سوم و دوم ق. م. به ظهور رسید. شواهد تاریخی ایکه از مندیک شمال قند هار در اثر حفريات سال بدست آمده گواه تماس کلتوری بین تمدن وادی اندوس و تهذیب سو مری است که به نام مدنیت اندوس مری بین باستان شناسان معروف میباشد. حفريات باستان شناسی سال های اخیر که اکثراً در افغانستان صورت گرفته ثابت ساخت که ارتباط و نزدیکی های بین انسانهای این منطقه جهان حتی در دوره نیو لیتیک (سنگ جدید) موجود بوده است. البته ظهور مدنیت چین در هزاره دوم ق. م. (حوالی ۱۵۰۰ ق م) با مدنیت بین النهرین تماس مستقیمی نداشته است اما تاثیر آن بسالای مدنیت های آسیای مرکزی در قرون مابعدی مشاهده شده میتواند. به هر حال هدف عمده این ارزیابی بر رسی ای تماس فرهنگی بین پدیده های هنری مدنیت های کهن شرق است.

مدنیت بین النهرین:

چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح اقوام سومری واکاد در نقطه تماس دو رود دجله و فرات اساس مدنیتی را گذاشتند که سیستم اقتصادی آن بالای زراعت استوار بوده و میتوان آنرا شکل پیش رفته تر طرز زندگی دوره سنگ جدید خواند. این دایره مدنیت کوچک با ورود اقوام دیگر چون سامی ها، کلدانی ها، هیتی ها، عبرانی ها، آسوری ها، هخامنشی ها، پارتها، فارس ها، سلوخی ها، ساسانی ها و بلاخره اعراب مسلمان، بزرگتر گردید و در دوره های مختلف سیر تکامل تدریجی خود اشکال مختلفی را بخود گرفت. از همین روست که برخلاف مدنیت مصر شیوه های هنری تخلفی در بین النهرین به

مشاهده می رسد. عقاید مذهبی، نقش فرمانروا و طرز زندگی متفاوت علت دو می این اختلاف بوده است. باوجود آنکه اقوام مختلفی با عقاید متفاوت در بین النهرین قدیم می زیستند و نمی توان تاثیر عقاید مذهبی هر کدام آنرا در بین بر رسی ای مختصر بالای هنر بین النهرین تشریح کرد اما با آنهم به جرئت میتوان گفت که احالی بین النهرین از نگاه عقیده دریک بن بست فکری متفاوت از مصریان قرار داشته اند. اعتقاد بزندگی ای بعد از مرگ باشدتیکه در بین مصریان قدیم شیوع داشت نزد باشندگان بین النهرین موجود نبوده است. سومری ها واکاد ها باشندگان اولی بین النهرین اعتقاد به ازباب انواعی داشتند که



شیر زخمی ۶۵۰ ق م سوزیم بر تابه

تیم منتخبه فوتبال بوطن برگشت



روسای تیم های اشتراك كننده مسابقات را تماشا می کنند .

همیشه شكایت از نبودن ترینس از طرف اعضای تیم بالا میشد و لی بسیاری از مسئولان به آن و قعی نمی گذاشتند و بجواب می گفتند که محل تمرین است یکنفر ترینس داخلی است ، غذای خوب و لباسی وسامان و وسایل ... و غیره همه بدسترس آنها گذاشته شده پس چرا آنها از حالت اولی خویش خود را نمی کشند ؟ در حالیکه دیده شد رول عمده را ترینس خوب دارد ، تیم ما که در گذشته ترینس نداشت اکنون با داشتن خو بهترین و پسر آوازه ترین ترینس در طرف چسند هفته توانسته خود را بجا یسی برساند که به آینده اش د یگران را متیقن سازد .

از بناغلی عثمانی پرسیدم : چه چیز بهتر در تیم فوتبال دیدید و در کدام خط بهترین ورزشکاران را داشتید ؟ که بجواب گفت :

از همه مهمتر سیستم جدیدی که بنام ۸ یاد میشود در میان تیم ما مخصوصا در لحظات حمله بخوبی نمایان میشد همچنان ورزشکاران ما قادر بودند در هر لحظه که خواسته باشند بدون آنکه سکتگی در کارشان دیده شود می توانستند رنگ و رخ میدان را تغییر دهند و بازی را تسبیل نمایند .

از همین رو با وجود آنکه تجارب ورزشکاران مادر همچو مسابقات خیلی کم بود تیم مقابل نمی توانست بر تیم ما نفوذ کند ، ما در هر سه خط یعنی حمله تیم مدافع و دفاع اشخاص خوب داشتیم و لی از دفاع باید یاد آور شد که خیلی عالی بود ، نقص عمده را در کورتاهی و ورزشکاران ما می توان یاد آور شد .

تیم فوتبال افغانی که شا نژده روز را در کشور عراق سپری نمودند بعد از انجام يك سلسله مسابقات و گرفتن نتایج قناعت بخش بوطن برگشتند .

ممکن است در ذهن بسیاری از شما این کلمه که قناعت بخش میگوئیم عجیب آید زیرا برای مسابقات فایتل انتخاب نکردیم ولی وقتی بازی ورزشکاران خویش را با مقایسه با بازی های که در کشور کویت و یا کشورهای دیگر و یا در کابل بمقابل تیم های خارجی انجام میدادند مقایسه کنیم نه تنها کار آنها را قناعت بخش میخوانیم بلکه آنها عالی هم میگوئیم زیرا تیم هائیکه در مقابل تیم ما قرار داشتند از جمله تیم ها بیست که در آسیا نام دارند از آن جمله تیم کشور عراق و عربستان سعودیست که نه تنها سابقه خوب و تجارب زیادی را دارا هستند بلکه بهترین ترینس را هم با خود دارند ، در گذشته

های داشته باشند و هم با توجه که در مورد آنها میشود نتیجه بدست آرد و نامی نصیب تیم فوتبال ما گردد .

افغانستان که در ده سال گذشته همه مسابقات جام آسیایی را بی نصیب بود یعنی در ده دور گذشته از حق خویش استفاده ننموده بودند امسال با استفاده از حق العضویت اسم خویش را در میان گروپ دوم که در کشور عراق با بیست جمع میشدند یافت ورزشکاران خود را گسیل داشت تا بروند و مسابقه دهند تا با شد راهی را که در آینده باید بیمایند از هم اکنون بروی خویش هموار نمایند .

بناغلی زین العابدین عثمانی رئیس هیات افغانی در جام آسیایی را در حالیکه به اصطلاح کرد سفراز سرور ویش نریخته بود در اتاق کارش ملاقات کردم و از چگونگی مسابقات پرس و پالی نمودم که بجواب گفت :

تیم منتخبه فوتبال که چندی قبل برای اشتراك در مسابقات جام آسیایی به عراق رفته بود و ز پنجشنبه گذشته دو باره بکابل رسیدند .

قبل از آنکه خوانندگان از جمند علاقمند ورزشی را در جریان صحبت بناغلی عثمانی رئیس هیات افغانی در مسابقات بگذارم با یاد علاوه کنم که جام آسیایی که از تاسیس آن بیش از ده سال می گذرد افغانستان برای اولین بار دران اشتراك و در یکی از دور مسابقات آن ورزشکاران خویش را فرستاد تا از یکطرف در میان ورزشکاران آسیایی ورزشکاران ما هم حصه داشته و از جانبی تیم فوتبال ما که روزگاری از سویه محلی خویش قدم فسران گذاشته و مسابقاتی جز با چند کشور دوست با دیگران را انجام نداده بودند بایک عمده کشور های آسیایی انجام دهند تا هم اندوخته



لحظه بر از هیجان که رحمت الله با بر ادرش یکجا از دروازه تیم خویش دفاع می کند .

تعداد اعضای تیم افزودی بعمل آید آنها رخ ندهد تا تیم فوتبال ما یعنی از ۱۸ به ۳۰ ارتقا یابند و از آنجا که همیشه آماده باشند با شند جانبی کوشش زیادی بعمل خواهد و از جا نمی استفاده خوب از بهترین آمد تا هیچ سکتگی در تمرینات تریتری که در خدمت دارند نمایند.



این سه عکس نمایانگر مسابقات در بغداد است که ورزشکاران ما تیم های عربی مقابل شدند.

دو دور به سیستم لیک انجام شد که در دور اول به اساس قرعه به روز ۲۱ نوامبر قطر مقابل عراق و افغانستان مقابل عربستان سعودی به مسابقه پرداختند که در نتیجه عراق دو مقابل صفر بر قطر و عربستان سعودی دو مقابل صفر بر ما غالب گردید درین مسابقه گول اول در دقیقه چهارم و گول دوم در دقیقه هشتادم مسابقه داخل دروازه تیم ما شد.

در روز ۲۳ نوامبر عربستان سعودی با قطر و افغانستان با عراق مسابقه را انجام دادند که در نتیجه عربستان سعودی صفر مقابل یک و عراق دو مقابل یک بر افغانستان غالب گردید.

در روز ۲۵ نوامبر افغانستان با قطر و عربستان سعودی با عراق مقابل گردیدند که قطر ۲ مقابل یک بر افغانستان غالب و عراق و عربستان یک مقابل یک با هم مساوی گردیدند دور دوم مسابقات که از ۲۸ نوامبر الی دوم اکتوبر دوام داشت در مسابقه اول عربستان سعودی ۳ مقابل یک بر افغانستان و عراق ۳ مقابل صفر بر قطر غالب و همچنان عربستان ۲ مقابل یک بر قطر غالب و عراق ۲ مقابل یک بر افغانستان غالب گردیدند و افغانستان و قطر یک یک با هم مساوی گردیده عراق بر عربستان سعودی ۲ مقابل یک غالب گردید.

درین مسابقات باید از بازی نباغلی رحمت الله فول بیک خیلی بتو صیف یاد آور شد و از اسمعیل فرید ، زمان عثمان ، کریم کریمی ، فاروق صدیق ، یاسین ، احمدشاه و صابر و سعدالله هم یاد آوری کرد.

در دوران مسابقات رحمت الله ، زمان ، فاروق ، اسد و اسمعیل اندکی جراحت برداشتند و دیگران سالم از میدان بدر شدند.

در اخیر از نباغلی عثمانی پرسیدم که آیا باز هم تا آمدن کدام تور و یا مسابقات داخلی فوتبال لیست های ما بخواب خواهند رفت یا چطور؟ به جواب گفت: نه ، اینبار چنین نخواهد بود زیرا در نظر است از یکطرف بر

اینبار باز روی سخنم را بطرف بازی های جام آسیایی گشتا نده و از نباغلی عثمانی پرسیدم که مسابقات به چه اساس دایر شد؟ که بجواب گفت:

مسابقات جام آسیایی که به اشتراک اکثر کشورهای آسیا در ۴ شهر باید دایر میشد اما نسبت معاذیری نتوانستند آنطور ریکه پروگرام ترتیب شده بود عمل شود زیرا گروپ اول که متشکل از کشورهای ایران ، بحرین ، کویت ، لبنان ، پاکستان ، سوریه و یمن بود در طهران مسابقاتی را انجام دادند که در نتیجه ایران مقام اول و بحرین مقام دوم را حاصل و هر دو حقی اشتراک را در مسابقات فاینل در طهران بدست آوردند.

در گروپ دوم که متشکل از تیم های کشورهای افغانستان ، عراق ، بنگله دیش ، هند ، نیپال ، قطر عربستان سعودی و اردن بودند چهار کشور یعنی هند و نیپال و بنگله دیش و اردن دران اشتراک نوزیده و مسابقه تیکه بین چهار تیم اشتراک کننده انجام شد در دور به سیستم لیک بود که در نتیجه عراق مقام اول و عربستان سعودی مقام دوم را نصیب گردیدند گروپ سوم در کشورهای بوریانو ، برما ، هانگ کانگ ، اندونیزیا ، مالیزیا ، سنگاپور ، سریلانکا و تایلند تشکیل میدادند در شهر بیروت باید دایر میشد که آنهم نسبت بحران های داخلی لبنان دایر نشد.

گروپ چهارم که متشکل از کشورهای چین ، اسرائیل ، جاپان ، کمر ، کوریا جنوبی ، لاوس ، فلپین و ویتنام جنوبی بود که مرکز مسابقات آنها را هانگ کانگ تعیین نموده بودند ولی آنهم دایر نگردید که بالاخره بعد از معلوم شدن قهرمانان هر گروپ مسابقات طهران به اشتراک هشت تیم یعنی اول و دوم هر چهار گروپ در ماه جولای سال آینده دایر خواهد شد.

در مورد مسابقات عراق از نباغلی عثمانی اندک بیشتر طلب معلومات شدم که چنین توضیح نمود:

طو ریکه گفتم مسابقات در



ترجمه «رز» از: الیری کوین

مسافری از افریقا

آقای «الیری کوین» که لباسی از پارچه گل سنک انگلیسی به تن داشت، در امتداد دهلیز منزل هشتم عمارت «ارست» راه میرفت. این عمارت در واقع بالا حصار پوهنتون بود که با مصرف گزافی ساخته شده بود. درین روز گو شمهای آقای «الیری کوین» با آوازهای دختران و پسران دانشجو پر شده بود. او خود از فارغان پوهنتون هاروارد به همار میرفت.

زمین انبوه دانشجویان گذشت و با خودش گفت:

اینهم تعلیمات عالی در نیویارک!

چشمهای نقره گوش در پشت عینکهای بنسی درخشید. این چشمها قدرت تشخیص فوق العاده ای داشت که مستلزم شغل او، یعنی بررسی پدیده های جنایی بود. این چشمها چهره های گوناگون شاگردان را که در مسیرش قرار داشتند، با دقت مینگریست.

از میان یک جمعیت دختران گذشت و به مقصد خودش که اتاق شماره ۸۲۴ بود، نزدیک شد.

نزدیک دروازه درنگ کرد، برای اینکه در آنجا زن زیبا و جوانی دیده شده بود و لوحه ای را که به دروازه آویخته شده بود، میخواند. کاملاً روشن بود که انتظار آقای «الیری کوین» را میکشد. برین لوحه کوچک این کلمه ها به چشم میخورد:

«جنایت شناسی تطبیقی»

آقای کوین زن جوان با نشاط تمام او را نگریست. آقای کوین نمیدانست

که این زن در اینجا چه میکند. اما زن جوان به او مجالی نداد دستش، یا بهتر است گفته شود بازویش را گرفت و با آواز گوشنواز و پرمحبتی گفت:

«شما آقای «الیری کوین» هستید. خودم هستم. اینطور نیست؟»

آقای «کوین» گفت:

«من...»

اما دختر جوان سخنش را برید:

«میدانستم که خود شما هستید. شما خوبترین چشمها را دارید. چشمهایتان رنگ عجیبی دارد، حتی میشود گفت که تر سنساک است.»

«نفهمیدم چه گفتید؟»

«هیچ، من چیزی نگفتم.»

دختر این را گفت و با زوی آقای «کوین» را رها کرد. بعد، افزود:

«و شما کارآگاه معروف هستید، ها؟ مرا «آیکی» سالخورده پیش شما فرستاده.»

«گفتید «آیکی» سالخورده؟»

«خداي من شما را نمیشناسید؟ منظورم پرو فیسر «ایکتروپ» است که درجه های بی.ای، ام.ای، پی.ای.دی. و خدا میداند چه چیزهای دیگری دارد.»

آقای «کوین» گفت:

«ها، حالا شناختم.»

دختر جوان گفت:

«گذشته ازین، «آیکی» سالخورده پدر من است. متوجه هستید؟»

با این جمله ناگهان حجبی به دختر جوان دست داد. یا آقای «کوین» اینطور به نظرش آمد. برای اینکه مژگانهای سیاهش پایین

افتاد تا چشمهایش را ببیند. آقای کوین گفت:

«بلی، متوجه هستم دو شییزه «ایکتروپ» حالا همه چیز را فهمیدم. پرو فیسر «ایکتروپ» مرا اغوا کرد تا تد ریس این کورس را به عهده گیرم. و تو که دخترش هستی فکر میکنی میتوانی درین دسته شامل شوی. چه فکر خامی!»

عصایش را مثل پایهی به زمین تکیه داد و افزود:

«نی، من فکر نمیکنم که بتوانی! ناگهان، به صورت غیبی منتظره ای، پای دختر به عصا خورد و آقای «کوین» به سختی توانست از افتادن جلوگیری کند. دختر گفت:

«آقای کوین این چوب را رها کنید میتوانم برویم درون؟ چه نام قشنگی دارید!»

«ولی...»

«آیکی همه چیز را رو به راه کرده است. خیر ببیند.»

آقای کوین با اعتراض گفت:

«ولی من قبول ندارم. مطلقاً...»

دختر بی توجه به اعتراض او میان سخنش دوید:

«من لیسانس خودم را گرفته ام. حالا میخواهم ما ستری بگیرم. من خیلی باهوش هستم. شما هم دیگر اینقدر پرو فیسر مآبی نکنید. شما که هنوز جوان هستید. چشمهای نقره ای تان...»

ناگهان آقای کوین احساسی خوشحالی کرد و گفت:

«خیلی خوب، بیاید.»

اتاق کوچکی بود با میز درازی که دورش را چوکی چیده بودند. با داخل شدن آنها دو مرد جوان با احترام به پا خاستند. دو مرد جوان با دیدن دو شییزه «ایکتروپ» تعجب کردند، ولی نا راحت نشدند. یکی از دو مرد جوان به سوی آنان آمد. با آقای کوین دست داد و گفت:

«من «باروس» هستم... «جان باروس». ازین که من و «کرین» را از میان گروه داوطلبان انتخاب کرده اید، خیلی سپاسگزاریم. به نظر آقای کوین آمد که او جوان خوبیست با چشمهای درخشان و روی باریک هوشمند. آقای کوین گفت:

«باید از نتیجه امتحان گذشته خوبتان سپاسگزار باشید... بعد به سوی جوان دیگر دید و افزود:

«و شما هم البته که «والتر کرین» هستید. درست است؟»

جوان دو می هم دست آقای کوین را احتراماً نه فشرد. بلند و بزرگ استخوان بود. سیمای خوشایندی داشت. درین حال گفت:

«درست است، من والتر کرین هستم. تحصیلا تم در رشته کیمیاست و به کورس فعلی هم سخنان علاقمندم.»

آقای کوین گفت:

«بسیار خوب، دو شییزه «ایکتروپ» هم عضو چارم گروه کوچک ما ست. و البته که عضویت او کاملاً غیر منتظره است... خوب، بیاید بنشینیم و صحبت کنیم.»

«کرین» و «باروس» خودشان را روی چوکی ها انداختند و دختر هم آرام بریک چوکی نشست. آقای کوین کلاه و عصایش را به کنجی گذاشت. بعد، دستهایش را روی میز نهاده به سقف خیره شده و گفت:

«چندی پیش پرو فیسر «ایکتروپ» به من مراجعه کرد و خواهش نمود این کورس را دایر کنم. وی از پیروزیهای ناچیز من در کشف جرایم که بر اساس تحلیل خالص صورت گرفته بود، چیزهایی می دانست. او فکر میکرد که انکشاف دادن خصلت تحقیق بر مبنای استدلال در شاگردان جوان پوهنتون کار دلچسپیست. من که روزگاری خودم شاگرد بودم، درین کار اطمینان نداشتم.»

دو شییزه «ایکتروپ» گفت:

«ما مغز مان خیلی خوب کار میکند.»

آقای کوین با سردی گفت:

«خوب، این مسأله با یدنا بت شود. فکر میکنم این خلاف قاعده است. ولی من بدون تنباکو فکر کرده نمیتوانم... آقایان میتوانید سگرت بکشید. دو شییزه «ایکتروپ» شما سگرت میل دارید؟»

دختر جوان سگرتی بر داشت. و با گوگرد خودش آن را روشن کرد و به آقای کوین خیره ماند.

کرین پرسید:

«کارهای ما در بیرون خواهد بود. اینطور نیست؟»

آقای کوین روی پا ایستاد و جواب داد:

«یقیناً همینطور است... دو شییزه «ایکتروپ» لطفاً توجه کنید. کار ما در بیرون است. باید این کار را انجام بدهیم. و همین حالا انجام بدهیم. خیلی خوب، جنایات را باید از بلاهای اخبار روزانه بررسی کنیم. ما بدون هرگونه پیش داوری آغاز میکنیم. به خاطر داشته باشید که زیر نظر من کار

میکنید، خواهیم دید که چه واقع
میشود.
چهره شو شمنند «با روس»
در خشید:
- در باره تیوری چه؟ یعنی شما
درباره اصول کار به ما در سن نظری
نخواهید داد؟
آقای کوین گفت:
- لعنت بر تیورینها! بار و س
به خاطر داشته باش بهترین راه
آموختن آب بازی، داخل شدن در
آب است... میدانید که شخصت
و سه نفر داو طلب این کورس
بودند. شما میدانید که من فقط دو
یاسه نفر میخواستم. برای اینکه
بیشتر ازین عدد مرا با نا کامی روبه
رو میساخت. من، کوین را انتخاب
کردم زیرا احساس میکنم که دارای
یک مغز تحلیل گر است. با روس را
انتخاب کردم، زیرا گذشته بسیار
عالی تحصیلی دارد. این شد یک
دسته بسیار عالی.

در مرد جوان سرخ شدند و آقای
کوین ادامه داد:
- ولی تا آنجا به شما، دو شیژه،
ایکتروپ، مربوط است، شما خودتان
خویشتم را انتخاب کردید که
عواقب این کار را با ید قبول کنید.
ولی به خاطر داشته باشید به
مجردی که اولین نشانه غبی بو دن
در شما دیده شود، اخراج خواهید
شد.
دختر جوان گفت:
- یک فرد خا نواده اکتروپ هرگز
غبی نیست!
آقای کوین گفت:
- امید وارم همینطور با شد.
صادقانه امید وارم که همینطور
باشد... ولی در مورد قضیه بی که
روی آن کار خواهیم کرد، با ید
بگویم: چند لحظه پیش از آنکه به
طرف بو هنتون بیایم، به دفتر
بو لیس گزارشی رسید. این
گزارش حاکی از آن است که در این کار را نکنید. و دیگر اینکه به

حوزه تیا تری شهر فنی ر خداده
است. قربانی مرد است به نام
«اسپار گو» بعدا در یا فتم که این
حادثه خیلی عجیب است. من از
بدرم، یعنی کار آگاه «کوین» که
شما او را میشناسید، خواهش
کردم. محل حادثه را همچنان
دست نخورده نگه دارند. ماباید
همین حالا به آنجا برویم.
باروس هیجا نزده فریاد زد:
- چه عجیب! رو به رو شدن
با یک جنایت! آقای کوین، ما را
اجازه خواهند داد که به آنجا داخل
شویم؟
- البته. من برای شما دو نفر
کارت بو لیس، شبیه کارت خودم،
گرفته ام. برای شما دو شیژه
ایکتروپ، بعدا خواهم گرفت...
بگذارید برای همه تان بگویم که
مبا دا چیزی را از محل حادثه باخود
ببرید. حد اقل بدون مشوره من
گزارش حاکی از آن است که در این کار را نکنید. و دیگر اینکه به

هیچ وجه به خودتان اجازه ندهید
که با خبر نگاران صحبت نمایید.
دو شیژه اکتروپ اند. یشمندان
گفت:
- یک قتل!
آقای کوین گفت:
- این برای شما یک قضیه
امتحا نیست. من میخواهم بفهمم
که مغز های شما هنگام بر خورد
با یک حادثه واقعی چگون عمل
میکند... دو شیژه اکتروپ، شما
کلاه یا چیزی شبیه آن دارید؟
- برای چه؟
- خوب شما بدینصورت به
آنجا داخل شده میتوانید.
دختر جوان گفت:
- در الماری خودم دارم. فوراً
می آورمش.
آقای کوین کلاهش را به س
گذاشت و گفت:
(باقیدارد)



تازه ترین جمهوری بر اعظم آفریقا انگولا



یکی از جاده های زیبای شهر انگولا

زیست میکنند از سایر پارکهای جهان تمیز داد نه تنها حیواناتی از قبیل شیر، پلنگ، کرگدن، زرافه و غیره بلکه میتوان با حیواناتی برخورد که در سایر نقاط جهان نظیر آن کمتر دیده میشود که در میان آنها از آهوان اوریکس، گوره خراطمانا، روبای دیلاندا و همچنین انواع گفتار نامبرد که حیوانات مخصوص جنلات انگولا میباشد همچنین از رهگذر نباتات و بوتانیک پارکها و جنگلات انگولانی میباشد. پارک (جونای) ساحه بزرگی را در وادیسا، سنگلاخها و حتی مناطق صحرایی نزدیک بشهر سامبیش در بر گرفته که از شهر مذکور ای امتداد پورتوالک ندای جاده اسفلت شده ای امتداد دارد. پارک بعد از علاقه صحرایی کناردویای کورواک موقعیت حاصل نموده است. ساحه ریزرف این پارک از چند هزار کیلومتر تجاوز

بقیه در صفحه ۵۹

خود را از زیر بار این همه مخراطات رهایی بخشیده اند انتخاب شوهر را بدخواه خویش مینما یسند همچنین چندزنه (پایگالی) ای که هنوز هم در قبایل گنگو یل مروج است کنار گذاشته اند. بفاصله ۲۵ کیلومتر از ویلا سر پائنتو بسوی کوانگار محل کارهای شاقه مسومیو قرارداد این فرقه ایست برای زندانیان از آزادیخواه انگولا که بر علاوه جبهه آزادیخواه جهانی و ترکیب سیاسی نیز در همانجا حبس میبودند آنها بکار های مشکل معادن، سرك سازی و کانالهای آبیاری منحصبت گلکار، باغبان و غیره اهل کسبه بکار گماشته میشوند در مقابل علاوه بر اینکه غذای درست و کافی برای آنها نمیرسید ذجر و شکنجه از هر طرف بسر و روی ایشان میبارید. زندگی برای آنها بی ارزش بوده از هیچگونه خرابکاری دریغ نمیکردند. تعداد زندانیان در این محبس به ۷۰۰ نفر میرسید آنها دایما به اعتصابات دست زده بخرابکاری محبس، قتل یاسبان، گرسنگی و غیره مبادرت میورزیدند.

در جهان فونو پارکهای ملی کتب و راپورتاز های دلچسپی از طرف علمای بزرگ و برجسته جهان نوشته شده کمپنی های معروف فلمبرداری فوتو و فلم های مستندی برداشته و خدمات شایانی را در جهان علم و هنر انجام داده اند. پارکهای ملی بزرگ و عجیبی را در جهان برخوردار که هر کدام بثوبه خود حایز اهمیت خاصی میباشد در بر اعظم بزرگ و تاریک آفریقا که دارای بزرگترین دریاها و جنگلات جهان میباشد بهترین این نوع پارکها را مشاهده کرد و همه راجع به پارکهای ملی سرینگتی، نوگرو، نوگرو، امبوسیلا و غیره پارکهای ملی آفریقا آشنایی دارند و لسی در پهلوی این جاهای معروف اکثر از طرف توریست ها جاهای کشف و مشاهده شده است که آنقدر ها معروف نبوده ولی بعد ها ارزش آن زبانزد همه گردیده است منجمله (جونای) پارک ملی جنوب غربی انگولا است که میتوان آنرا از جمله عجایبات جهان معرفی کرد که از رهگذر مناظر طبیعی و حیواناتی که در آنجا

و در موقع مساعد بمجرد ریختن بروی زمین سر از نو نمو و آهسته آهسته غلو میشوند این درختان یگانه منع محروقاتی و تعمیراتی نیگرو های این نواحی محسوب میشود. با آنکه چیر های آنها پهلوی هم قرار دارند ولی دروازه چوبی بزرگی دخول این قصبه را نشان میدهد و در بالای دروازه شاخهای گاو و جمجمه حیوانات نصب است که نمایندگی از عنعنات دیرینه مردم آنجا میکند در هر چیری معمولاً یک فامیل حیات بسر میرود.

آدم تازه وارد به مجرد عبور از دروازه عمومی از طرف یک عده اطفال برهنه احاطه میشوند شور و هلهله شادی و تعجب آنها تماما ساکتین قصبه را باخبر ساخته مخصوصاً کهن سالانیکه در مقابل چیری با پایپ خود مشغول دود کردن گیاه (تمباکو) میباشد اولتر از همه متوجه تازه وارد میشود سپس ریچدار (کلانتر قبیله) جلوه آمده ورود تازه وارد را نیک خواند و استقبال گرم میکند در عقب آن پیرامون قبیله صف بسته هر کدام اشتیاق خاصی به سیاح پیدا کرده تا هر چه زودتر علت آمدن وی را در قبیله جویا شود. اهالی دارای اندام قوی، دندانهای سالم و قد رسای اند یگانه. امراضی که در میان قبایل بومی انگولا شیوع است بصورت عموم ملاریا و تا اندازه سل میباشد. اطفال بصورت عموم برهنه بوده و از صنعت کامل بهره مند نیستند هر دختر در انگولا و در تعلیمات ابتدایی خویش اولتر از همه زبان پرتگالی را فراگیرد بعد در امور اجتماعی لازمست تابخت ویز اروپایی را بدرستی بداند. سنین ۱۴-۱۵ سالگی ازدواج کند. که سن آخرین ازدواج برای آنها ۱۷ سالگی میباشد اگر از این سن عبور نمود برای ابد تنها خواهد ماند در حال حاضر دوشیزگان گردونواحی انگولا با آنکه سنین شان کمتر و یا اینکه بالغ نشده باشند با مردان بخته سنین ازدواج میکنند زیر اعدت و عنعنات این سرزمین چنین حکم میکند تا شوهر کم از کم دو چند زن عمر داشته باشد زیرا شوهر اینکس دارای سنین خیلی زیاد ازدواج میکنند تا از برداخت های مقدار پول رهایی یابند ولی در این تازگی ها دختران انگولا بیدار شده و آهسته آهسته

اولین مسافری در ناحیه (کوچی) بفاصله ۹ کیلومتر از پایتخت این ولایت قدم گذاشت فوق العاده دلچسپ بود. سرك در گرانه حوالی ادامه داشته و بکلی خالی از انسان بود که در هر یک کیلومتر مربع آن نفر حیات بسر می برد منظره آن بصورت عمومی خشک بوده و با کمی از جنگلات، شعاع آفتاب از میان درختان تابیده رنگهایی دلگشی را در فضا تولید میکند. (کوچی) قریه کوچکی از بهترین نمونه قریه جات انگولا است که میتوان در آن اهالی اصل و حیات ابتدایی این سرزمین را دریافت که دارای چند خانه بوده مقصد مسافرت سیاح مذکور ۶۰ کیلو متر به سوی جنوب طی مسافه چندی آهسته آهسته چیری حقیقی اهالی آنجا از دور نمایان شد که از گیاه ها و شاخه های نباتات سوانایی بشکل مخروطی ساخته شده بود که بکلی طرز زندگی و حیات انسانهای اولی را بخود داشت یک عده دریا های خرد و پارکی اطراف این قریه را احاطه کرده که باعث سرسبزی نواحی آن میگردد. در وادیهای آن نیگرو های این منطقه صرف در موقع مذکور بزراعت پرداخته که یک اندازه حاصلات قلیل از آن بدست می آورند زیرا آب بوقت مساعد بمزارع نمیرسد. باران بصورت غیر عادی و بی موقع میبارد برای بهتر ساختن وضع زراعتی پلانهای مدنظر است تا برای در مواقع اش ذریعه کانالها بمزارع رسانید ولی متاسفانه حیات اولیه و بی بضاعتی نیگرو ها علت عقب ماندگی این پلانی گردیده است.

لیسایتنگا، کوچی و غیره از علاقه جسات خیلی دلچسپ بوده نیگرو ها معمولاً از یک محل بمحل دیگری بسرعت نقل مکان نموده طرز زندگی خود را تغییر میدهند از همین جهت است که جای رهایش خویش را از گل و شاخه های نباتات میسازند تا در ترانسپورت آسان شود. چیرهای آنها پهلوی هم شکل دایروی در میان درختان بلندی چیده شده که بالای زمین بلند و تپه مانندی قریه مذکور تشکیل یافته این درختان که بهم نزدیک و تقریباً غلو میباشد از نوع درختان سوانا بوده بنام ملمبا یاد میشود که دارای تخم مخصوص بوده

گام تازه در جهت پیروزی زنان کارگر

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته: راحله راسخ

سال بین المللی زن آخرین روز هایش را سپری می نماید در طول این سال تصاویر و تصاویری به نفع زنان رویدست گرفته شد که در مقطع تحلیل و تجزیه زمانی به سویه ملی و بین المللی ارزشمند به حساب آمده که در بعد زمان طولانی طی شده چنین پیروزی هایی را که در یکسال تصویب شده اند هرگز بدست نیاورده بودند.

از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کره ارض درین سال آواز آزادی خواهی و آزادی زنان چنان دوبا لاشده بود که به یقین این يك آغاز منظم و منسجم مبارزه، مجادله و حق خواهی زنان را در آینده می رساند زیرا تا آنجائیکه اوضاع و احوال کنونی و زندگی متفاوت زنان در قاره های جهان می نمایاند برای زنان مبارز و آزادی طلب فضای وسیع و میدان های گسترده ای بیکار و جدل علیه حق تلفی ها، تعدی، ظلم و ستمی در میان است که از زمانه های گذشته و قرون متعادی سخن می گوید و ریشه دیرینه دارد.

مطالعه و مرور یکسایله اخبار، جراید، مجلات و سایر وسایل تبلیغاتی دیگر نمایانگر حقیقت مبرهن و روشنی است که امروز، زنان اکثریت کشورهای جهان و بخصوص کشورهای عقب نگه داشته شده

آسیایی، افریقایی و امریکایی لاتین در بدترین شرایط زیست نموده و حتی در اوضاع و احوال قرون وسطی در مغازه ها، بیغوله ها در دشت های گرم و سوزان و یخبندان بسر می برند. زنان بر علاوه محیط نامساعد زندگی، تحت استیلا و ستم، سیستم های کهنه اجتماعی و اسارت مردان، روزگاری را سپری می نمایند.

درین سلسله آنچه مهم و ارزشمند محسوب می شود همگونی و هماهنگی، شناسایی حق زنان و خود آگاهی زنان است که در عرصه سال بین المللی زن بوجه نیکویی ایجاد شده و مهربان های زنجیر وحدت و نزدیکی زنان را بسویه جهانی باهم وصل می نماید. زیرا در طی همین سال از راه تدویر و ایراد کنفرانسها، کنکره های جهانی باهم تبادل افکار نموده و از وضع یکدیگر اطلاع حاصل نمودند که در آتی نهضت زنان حتما مورد استفاده شایانی قرار خواهد گرفت.

در کشور عزیز ما افغانستان نیز درین سال کارهایی به نفع زن صورت گرفت که در آینده روی آن صحبت خواهیم نمود، ولی آنچه در پی می آید نویدست از تصمیم دولت جمهوری افغانستان درین باره که: ازین به بعد زنان کارگر مؤسسات و فابریکه های دولتی و خصوصی از طرف شب به کار پردازند و این خود پیروزی است به نفع زنان زحمتکش و کارگر خطه باستانی ما که با زحمات همیشگی شان در عقب ماشین ها و کارگاه های مختلفه، از هیچ نوع فداکاری در راه اعمار و آبادانی وطن دریغ نموده اند.

تا جاییکه همگان بر آن اعتراف

دارند و هم تاریخ زندگی مردم ما بازگو کننده آنست، زنان وطن ما دوشا دوش مردان در همه امور زندگی به کار پرداخته و با قبولی همه تکالیف، رنج ها و مشکلات و وظایف محوله رابه شایستگی انجام داده و ضمنا به امور خانه و خانواده نیز رسیدگی نموده و هرگز گردو غبار و خستگی کار در بیرون از منزل مانع ترتیب و تنظیم کارهای خانوادگی و ترتیب اطفال ایشان نشده بلکه با سلیقه قابل وصفی در چاردیوار منزل غرض آسودگی اعضای فامیل کوشیده اند.

طور مثال زنان قالیباف کوشه و کنار وطن مادر حالیکه به تناسب یک شبانه روز اکثرا گره می زنند و با خون دل و سر انگشتان قالیباف های رنگین و مرغوب را عرضه و به افتخار وطن و وطنداران می افزایند، به امور خانوادگی یعنی تهیه و بخت و بزغذا، تربیه اولاد، دوخت البسه و ده ها کار متفرقه دیگر مشغول اند که مردان درین سر زمین در حصره انجام آن با زنان همکاری ندارند.

زندگانی دهقانان زنان، کوچی ها، خیاطان و کارگران زن و معلمات و غیره در اکثر ممالک جهان همان گونه که گفته آمد سپری می گردد، یعنی همانگونه که در کشت و کار زمین و یا دیگر امور با مردان یکجا تلاش می ورزند کارهای خانوادگی را نیز بصورت ماهرانه متحمل می شوند.

البته نامفته نباید گذاشت که در کشورهای پیشرفته و مترقی جهان تا آنجا های که تفاوت ها و افراط و

تفریط زندگی به تاریخ گذشته تعلق می گیرد می رود که مردان نیز در امور خانوادگی همانطور که زنان در کارهای اجتماعی با ایشان همسراه و همباز اند، در خانواده معا و ن و مددگار زنان باشند.

آنچه درین بحث قابل یاد آوری و ضروری جلوه می نماید اینست که نباید چنین نتیجه گیری صورت گیرد که زندگی زنان همه اطراف و اکناف جهان بدون تفاوت و اختلاف سویه سپری می گردد، زیرا وضع اجتماعی جوامع بشری چنان ناممکن و متفاوت است که نمی شود، آسیا را با اروپا و امریکا را با افریقا مقایسه نمود و همینطور زندگی زنان را در سایر ممالک جهان تصور نمود.

بگذارک مطالب فوق و حساب درست از مصروفیت های زنان و بخصوص زنان کارگر در وطن ماست که مجلس عالی و وزرا منع و استخدام و اشتغال کار شبانه زنان را در کارخانجات و مؤسسات صنعتی دولتی و خصوصی تصویب نموده است که در راه فراهم ساختن تسهیلات در زندگی زنان می توانند یک اقدام نیک به نفع زنان کارگر باشد.

البته قرار اطلاع مدیریت عمومی کار و کارگر در همه ساحه ها تصویب فوق را امری خواهند داشت. در اخیر باید گفت که زنان جمهوری افغانستان و خصوصاً زنان کارگر مؤسسات و کارخانجات ازین اقدام و تصمیم استقبال نموده و در جریان برگزاری سال بین المللی زن این ابتکار را پیروزی مهمی بحساب می آورند.

زنده باد افغانستان

پاینده باد جمهوری

پیروز باد نهضت زنان

په پښتو ادب کېښی د تار پخه پېښو

انعکاس

څلورمه برخه

دشا هجېان پادشاه فرمان ورته ورسید اورسماء دبلار مقام ورکړی شوی په ۱۰۵۱ هـ ق ۱۶۶۱ ع کېښی د پنجاب دیا غیا نو په مقابل کېښی د حکو مت په طرفداري وچنگید او په ۱۰۵۵ هـ ق ۱۶۶۶ ع کېښی یی په شامی لښکرو کېښی گهون وکړ. په ۱۰۶۳ هـ ق ۱۶۵۳ ع او ۱۰۶۴ هـ ق ۱۶۵۴ ع کېښی یی دښکښو سره جنکو نه وکړل.

په ۱۰۶۸ هـ ق ۱۰۵۸ ع او رنگ زب دخیل بلار شا هجېان دناروغی لهامله دهغه په ځای کېښی ست او باچا شو. دبلار په جانشینی داور نک زب اودهغه دورونو شجاع اودارا شکوه اختلاف ونو ځکه ددوی تر منځ جنکو نه وشول.

په دی جنکو نو کېښی خوشحال خان په پښتو نخوا کېښی داورنک زب مرسته وکړه په ۱۰۷۰ هـ ق ۱۶۵۹ ع کېښی خو شحال خان په تیره کېښی دحکو مت دمخا لقا نو سره کوبی وکړه اوبیاد حکو مت په گټه دیو سفزو سره په جنگ جکړو ولکید.

په دی توگه دنوی حکومت داورنک زب دافتدار دوقار دقایمو لو دپاره یی ښه زیار وایست.

په ۱۰۷۴ هـ ق ۱۶۶۴ ع دکا بل صوبه دارسید امیر خان خوافی د خپلو خاصو هد فو په اساس په یو میرزایی چل دپادشاه نه په مجمل ډول د تشدد اود ځینو کسانو دکر فتاری امر او اختیارات واخستل دهغه لاندی خو شحال خان بندی او مرکز ته واستول شو. دوه نیم کاله قید او بیا نظر بندو.

په ۱۰۷۹ هـ ق ۱۶۶۹ ع کې آزاد او وطن ته راغی.

په ۱۰۸۳ هـ ق ۱۶۷۲ ع کېښی محمد امین دکابل صو به دارو. دخو شحال خان دښمن په موده کې دهدهغه دخلا صون کو ښیښ کړی. په دی وخت یوه عجیبه پېښه وشوه په کونې کېښی سر کازی سبیا میانو دیوی سبای جینی یی عزتی کړی وه دننکر هار خلک سبای مومند شینواری اواپریدی اونور پارید لی اوباخیدلی وواود ایمل خان مومند په مشری یی لښکر جوړ کړی و ددوی دما تو لو دپاره محمد امین صو به دار دپښور نه لوی لښکر روان کسړی و چه خو شحال خان هم پکښی و. په لاندی ځانه کېښی دواړه لښکر سره مخامخ شوو شا هی اښکر مات او دوه ځایه شو.

یوه ډله چه محمد امین ورسره وپښور ته لاړ او ډله ډله چه خو شحال خان پکښی ودناتری په لار وایس شوه پښتنو پردوی بله حمله وکړه او مات یی کړه. دمحمد امین په ځای مها بت خان دکابل صو به دار شو.

هغه دحکو مت سره دخو شحال خان ملگرتیا غو ښتله مگر خو شحال خان ردوله ځکه چه دښمنه ورو سته دده په زړه کېښی دحکو مت مخالفت پیدا شوی و.

دخو شحال خان زوی بهرام خان حکو مت ته نژدی کړ حکو مت هغه په غیر کېښی ونیو هغه دبلار سره جنکو نه شروع کړل. خو شحال خان ډیر ځله بهرام خان ته ماتی ور کړلی په دی توگه خو شحال خان دژوند تر پایه پوری حکو مت سره وچنگید اوسر یی ورته ټیټ نه کړ په ۱۱۰۰ هـ ق ۱۶۸۹ ع وفات شو.

په دی صورت دده ټول عمراکثرا دغیر ملی پردی حکو مت په طرفداري دپښتنو په مقابل کېښی او وروستی برخه دپښتنو دمرسته یی به جلیو لسو

دهماغه حکو مت په مقابل کېښی په جنگ او جکړو کېښی تیره شوه. دی دپښتو ستر شاعر اولیکوال یعنی دنوری او قلم ځاوند و. ددغو ټولو پښو جنکو لسو او جکړو حالات یی په خپلو شعرو نو کېښی انځور کړی دی او په یوازې ځان یی دپښتو حماسی شعر ته ډیره تر قی ور کړیده.

که نورو حماسه ویو نکو شاعرانو دخیل وخت دواکمتا نو مشرانو اویا داولسی قهر مانانو دستایینی په ترڅ کېښی خپل حماسی آثار لیکلی دی او یا فو لکلوری حماسی داستانه نو نه یی منظم او منظوم کړی اوستر ادبی شمېکارونه یی ایجاد کړیدی.

مگر خو شحال خان بخیله خان مرد میدان دجنکو نو او جکړو قهرمان و دخو شحال خان په کورنی کېښی زیات شمیر قوی اوباخه شاعران پیدا شویدی دخو شحال خان شعر حماسی مضمون اوس لاهم دشاعرانو دتقلید او پیروی وړدی.

یوازی دپښتنو شاعرا نو نه بلکه دنورو ژبو شاعرانو هم تری الهام اخستی دی او خپل حماسی مضمون یی بری قوی کړیدی.

دمثال په توگه دډاکتر اقبال په شعر کېښی دده دادبی سمبولونو او حماسی روحی زیات انعکاس موندلی شو (۱) دخوشحال اودهغه کورنی ادبی آثار دپښتو ادب دپاره دویار نه ډکه ذخیره ده چه له ښه مرغه ډیره برخه یی موجوده ده.

دشیخ ملی او بایزید رو ښان ملی مبارزو اود خو شحال خان حماسی شعرونه او فعالیتو نو په ټوله پښتو نخوا کېښی یو جنبش او بیداری پیدا کړی وه دبلی خوا دحاکمه قدر تونو رقا بتو نو ظلمونو اوسیاسی کشمکشو نو په سیاسی لحاظ زمونږ هیواد تو تی ټوټی کړی او پښتون او لس ژبلی و.

په دغه حالت کېښی میر ویس نیکه ظهور کوی به کند هار کېښی فعالیت او مبارزه کوی اود مشر توب واگی په لاس نیسی ۱۱۲۱ هـ

دده دکورنی دواکمتی په وخت پښتو ژبی اودب تر قی نه خورا ډیره نو چه کپړی او ښه لیکوال او شاعران میدان ته راځی.

ددی دوری ستراو مشهور لیکوال محمد هوتک دپتی خزانی مو لمدی چه نوموړی دغه کتاب د شاه حسین هوتک په وینا لیکلی دی اود لر غونو ۴۹ تنو شاعرانو تذکره ده چه ددی تذکری له مخه مونږ ته ډیر په زړه پوری معلومات رارسید لی اودهغو بهلر کی غوره حماسی شعرو ته هم موجوددی ددی کتاب دتاء لیب کار په ۱۱۴۲ هـ کېښی پای ته رسیدلی دی.

میرمن زینب د شاه حسین خوراود میرویس نیکه لور یوه اودینه ښځه تیره شویده اود خپل ورور شاه محمود په مرگ مشهوره ویره تری پاتی ده چه له پښتني حماسی نه ډکه ده.

زیدی خان مومند دمیر ویس نیکه اوشاه محمود دجکړو په پاره کېښی په پښتو نظم یو کتاب لیکلی دی چه (محمود نامه) نومیږی.

په ۱۱۶۰ هـ ق احمد شاه بابا په کند هار کېښی د افغانستان د سلطنت تاج په سروی.

دهیواد دخاوری تمامیت اودافغانی قبایلو واقوامو اودمختلفو سیمو اوسیدونکو ترمنځ دملی وحدت ټینګولو ته نو چه کوی.

دهند دمرکزی حکو متونو په پښتیا نی یی جنګونه او جکسری کولی.

نوریا

۱- بدی دپاره کېښی و گوری عبدالله بختانی خدمتکار دخو شحال اواقبال دشعر مشر کی خوا وی ننگیالی پښتو ۱۳۴۵ هـ ش چاپ ژوندون

آشفتی مجدد

«وینچنسو لولونیدری» همسرش (آنتویلا) که برای خرید به بازار رفته بودند. بالای او ضوعی اختلا ف پیدا کردند و کار این اختلا ف چنان زیار شد که از خریداری پشیمان و آهنگ با ز گشتت به منزل کردند در حالیکه در جاده راه میرفتند باهم گفتگو داشتند بطوری که اختلاف شان بجای رسید که وینچنسوسوست بالا برد تا بروی آنتویلا سیلی بزنند. که در همین حال جوانی خود را میان اندر افکند و ضمن آنکه مانع سیلی خوردن آنتویلا گردید، با وینچنسو دست به گریبان شد و در حین زدو خورد یکی از انگشتان دست وینچنسو را در میان دود ندان گرفت و فشرد. درد چنان وینچنسو را در خود گرفت که بی اختیار فریاد کرد آنتویلا که این حال شوهرش را دید طاقت از کف داد و با مشت و لکت به جوان ناشناس حمله کرد. او آنقدر مشت بر سر و روی جوان کوفت و به او لگد زد تا انگشت وینچنسو را رها کرد. این حادثه باعث گردید که در همان لحظه پس از آن زن و شوهر باهم آشفتی کردند و وینچنسو از دست آن جوان به پولیس شکایت کرد.



هنوز جنگ کلی و فرایزر

به پایان نرسیده



تاثیرات خنده

یک دسته گل از پول

آقای گراهام جالب ترین راه را برای ابراز عشق و علاقه به معشوقه اش خانم سانندی پیدا کرده است. گراهام با پول استر لینک دسته گلکی درست می کند و گل های ساخته شده از پول را به معشوقه اش تقدیم می دارد.

یکی از پرو فیسوران بو هنتسو- نهایی مسکو خنده را مهمترین فکتور صحت میدانند و باین عقیده است که خنده فعالیت هضمی را تنظیم نموده و فواید بسیار برای صحت و سلامتی دارد راستی هم که خنده نمک زندگی است. و نمک تاثیر فراوان بر معده و تنظیم فعالیت هضمی دارد.

دزدی عجیب

البته آقای گراهام بی آنکه به پول حاصله وارد بیاورد پول لهارا به طرز ماهرانه قات و دسته گلکی زیبا درست می نماید و برای یک دسته گل ازین گل جدید ده نوت مصرف می کند و برای یک دسته بیست و چهار تایی ۲۴ نوت به مصرف میرساند. که در حدود چهار هزار و سه صد افغانی می شود. کیت گراهام روزی یک دسته گل که پول ساخته بر ای معشوقه اش میفرستند که البته خانم سانندی هم گلها را بجای اینکه در گلدان بگذارد به بانک میسپارد.

یک زن جوان زیبا در حالیکه تفنگچه ای در دست داشت به یک بمب بطرول حمله کرد و ما مور تانک را وادار به تسلیم کرد. زن زیبا ابتدا مامور تانک بطرول را در آغوش گرفت و او را غرق در بوسه کرد، سپس هر چه پول موجود در صندوق بود با تهدید اسلحه گرفت و با بقرار گذاشت. این واقعه در لوس آنجلس اتفاق افتاد.

محمد علی کلی قهرمان سنگین وزن بوکس جهان که چندی قبل حریف قوی هیکلش فرایزر را در روند چهارم در مانیلا از پا در آورد هنوز هم قانع نیست. او چنان رقابتی به حریف خود فرایزر دارد که حتی در مجالس بسیار خصوصاً وعام بر او میغرد ولی چون فرایزر خون سرد است با وجود اینکه نزد علی میدان را باخته است او با خون سردی که دارد محمد علی را عصبانی میسازد بطوری که گاهی اوقات علی بر او حمله ور میشود. در آخرین ملاقاتی که آندو باهم ترک کردند فرایزر گفت که رینگ را ترک نخواهم گفت و جواب خواهم داد علی فی المجلس شدیداً عکس العمل نشان داد بطوری که نزدیک بسود میان آن دو نزاع درگیرد.



عکس جالب

گذارش ظبر نویسنان

تهیه و ترجمه: میر حسام الدین برومند

بازدید هلموت شمیت و خانمش از دیوار چین

برگشت ۱۵۴۶ ویتنامی به اماکن شان

مانوتوسه تونگ زعمی حزبی و هلمون شمیت صدراعظم آلمان بزبان انگلیسی صورت گرفت ایشان ضمن گفتگوها بشان از یکتن از نلاسفه های جهان ((کانت)) نیز یاد بعمل آوردند .

هلمون شمیت و خانمش ((هانیلوره)) با حرارت از طرف چین پذیرائی شده و پیوسته با شعار های ((خوش آمدید هلمون شمیت!)) که بزبان آلمانی ارائه میشد صمیمیت شانرا ابراز

هلمون شمیت بهراهی خانمش (هانی لوره) اخیرا سفری به چین نموده وازدیوار چین که از معروفترین دیوارهای جهانست از نزدیک دیدن کردند . هلمون شمیت و خانمش ضمن مسافرت (۹۶) ساعته در چین از شهرهای پکنگ نانکنگ و شینگایدنک و بسیاری مناظر تاریخی آنکشور بازدید بعمل آوردند .

درین دعوت که شریک فضای کاملاً دوستانه انجام پذیرفت ، مباحثات



وضع رفتار کودکی هنگام برکشت بسوی اسکان اصلی اش .

ترازیدی فرار (۱۵۴۶) ویتنامی زمانی موضوع داغ برای سیاسیون بود و ویتنام میان که از اثر ظلم و استبداد وینظمی هادرویتنام جنوبی به ستوه آمده بودند فرار را برقرار ترجیح داده و به آنسوی بحیره بزرگی که درویتنام جنوبی واقع است شتافتند . قشر عظیم فراریان را مردان و زنان سال خورده و اطفال یتیم میساخت که از شدت جنگ و کشت و خون و اوضاع درهم و برهم جریانات اخیر ویتنام تابمقابله را نیاورده و از شدت ظلم ((هاکانا)) جزیره کوچکی که تحت تصرف امریکایی هاست به سوی (کووام) نقطه دیگری از ویتنام ترک گفتند .

درین اواخر وقتی گروه فراریان در آسردرخواست ویتکانگ عاخواستند دوباره به اماکن خویش برگردند کشتی بزرگ ویتنام موسوم به «توونگ تین» به کمک آنهاستافت . وقتی کشتی از بندر خارج شد و بار دیگر راه ویتنام رادربیش گرفت هیچ مساعدتی برای ویتنامی های بی بضاعت و ستم دیده که مجبور به ترک اماکن شان گردیده بودند نشد و اکنون که ایشان دوباره به اسکان اصلی خویش بر میگرددند چیزی برای خوردن ندارند، علاوه امریکایی های ویتنامی یعنی امریکا نیکه تاکنون درجزیره مرکزی (ماریان) اقامت دارند شایع ساخته اند که با فراریان کاری ندارند و دیگر همچو رویه خشنانه که باعث فرار مجدد شان گردید تکرار نخواهد شد .



هلمون شمیت و مانوتوسه ملاقات

میکردند . صدراعظم آلمان بر علاوه بازدید مفصل از دیوار چین از فارمهای مرغابی های پیکنگ که دارای بهترین نوع مرغابی هابود دیدن کردند .



کشتی بزرگ ویتنامی ها موسوم به (توونگ تین) حین حمل ۱۵۴۶ ویتنامی

از سراسر جهان



چشم پوشی از (۲۰۰۰) مارک

«اگنی تیندری» یکی از مجلات معروف فرانسوی از باتریک دختر ۱۲ ساله ای که اکثراً در ساحات مختلف با مجله همکاری داشت دعوت نمود تا در قسمت تهیه صفحات مود با مجله همکاری نماید. این پیشنهاد بجهت آن از باتریک صورت گرفت که باتریک این دختر ۱۲ ساله از خوشگلترین دخترهای فرانسه بحساب آمده و اندام گیرا و موزون و استعداد شکر فاش به صفحات مود مجله برزندگی خاص خواهد بخشید، البته مجله «اگنی تیندری» در برابر پیشنهادش از باتریک مقابلتاً وعده داده بود که سالانه مبلغ (۲۰۰۰۰) مارک به عنوان دستمزد به موصوف بپردازد، اما «هوتی» پدر باتریک شدیداً مخالفت نموده و گفت: باتریک هنوز پسن و سالی قرار دارد که نباید بسوی مود گشاییه شود چه در قدم اول مامستوول تحصیل باتریک میباشد و در مراحل بعدی سعی ما بر آن خواهد بود تا وسایل سر گرمی بهتر و مؤثر تری برای او تهیه ببینیم - باتریک که سخت علاقمند بود از وجودش منجبت مانکن استفاده نمایند ازین طرز پیش آمد و مفکوره پدرش شدیداً متأثر گردید ولی حیف که گربه های پیکرش نتوانست تغییر در تصمیم پدرش وارد نماید.



باتریک دختر زیبا صورت با احساس
عالم و فهم شگرف
صفحه ۳۱

روز اکتبندی در پاریس

روز اکتبندی زن ۸۵ ساله و کلا نترین فرد فامیل کیندی هاضمن آخرین سفرش در پاریس، حینیکه میخواست از بازار پاریس تخته ها و هدایایی برای نواسه هایش تهیه کند چشمش به عده از خبرنگاران و عکاسان فرانسوی افتاد که سخت در فعالیت تهیه خبر بودند.

روز اکتبندی که معلوم میشد ازین وضع خیلی ها برآشفته شده از عکاسی که میخواست عکسبرداری تقاضا نمود تا (۱۲۰۰۰) مارک وی را پذیرفته و در مقابل از برداشتن عکس او منصرف شود اما دوتن از ژورنالستان فرانسوی به روز اکتبندی تقسیم نمودند که آنها وظیفه یافته اند تا از جریان گشت و گذاری راپوری تهیه نمایند. روز اکتبندی هر چه از روی اجبار حاضر شد تا عکسش را بر دارد ولی در دل خیلی ها ناراض بود چه روزا که شاید صد ها حادثه غیر مترقبه در زندگی اش بود احساس میکرد که درین همه جد و جهد فرانسوی در تهیه خبر سو قصدی نهفته است اما برعکس گفته چنین نبود و فرانسوی ها میخواهند روز اکتبندی از فرانسه خاطره های خوشی با خود داشته باشد.



سخت ورزش (هانیلوره) کنار دیوار چین



روزا کندی در برابر یکتن از ژورنالستان فرانسه وی در پاریس

آمادگی برای سالگروه

میخیکو دختر ماوسیتونگ زعمیم حزبی چین درین شب و روز بد خترش نوراکه شش سالی پیش ندارد مصروف مشق و تمرین پارچه های موسیقی و کمپوز های جدید است تا (نورا) دختر کوچک و با استعدادش بتواند درجه اول و یکمین سالگروه مدرسه میخیکو که عنقریب رسیدنی است با هنرنمایی و تقدیم پارچه های جدید چینیایی بیشتر وسایل سر گرمی مدعوین را فراهم سازد. کار آمادگی و مشق و تمرین برای کنسرت از هفته ها قبل آغاز یافته و نورای کوچک اکثراً در صحن باغ اطفال و با اطفال همسن و سالش سرود های جدید را زمزمه میکند و در وقت تمرین با مادرش پشت پیانو می نشیند، و بدین ترتیب نورای خواهان خوشنودی و رضایت مادرش است.



میخیکو و نورا نواسه

ماوسیتونگ هنگام تمرین موسیقی



Ghousuddin
KABUL 1975

مطالعه این سلسله فقط به زنها توصیه میشود

ترجمه میر جمال الدین فخری



طفل و مادر

شود؟))

قبل از تولد در ارگانیزم نطفه بعضی اوقات افزایش بلغم شکلی داخل میشود. در این چنین حالات بعد از تولد از دهن نوزاد آب دهن زرد شکلی در روز های اول و دوم تولدش خارج میگردد. درین زمان لازم است تا متوجه طفل شویم و تدابیری اتخاذ کنیم: در وقت فی کردن لازم است که طفل را روی به دل بخوابانیم برای اینکه مواد فی شده راه تنفس او را مسدود نسازد چونکه اگر طفل نخته به پشت قرار داشته باشد بسیار محتمل است که مواد فی شده داخل مجرای بینی او شده و راه تنفس طفل را مسدود سازد و یا این عمل از طریق قورت دادن یک قسمت مواد استفرغ انجام شود.

وقتی فی کردن خاتمه یافت لازم است تا دهن طفل پاک شود. طفل نوزاد را هیچ گاهی تنها نگذارید و همیشه با او کسی باشد که به مواظبتش رسیدگی کند چونکه او بکلی بسی دفاع و بیچاره است.

اگر طفل چیزی را صحیح قورت داده نمی تواند و یا کدام حادثه دیگری برایش رو نما میگردد مادری که در کنارش قرار دارد خودش به کمک می رسد و یا اینکه دوکتور را به کمک می طلبد عدم مراعات این قاعده شاید به قیمت حیات طفل تمام شود. زبان درازی:

بعضی از مادر ها میبر سندن: (طفل ما نمی تواند زبانش را درون دهان نگه دارد شاید چیزی هست که مزاحمتش میکند. نرومی دیده نمیشود که زبانش قطع

بعضی از اطفال نوزاد واقعا دارای زبان کوتاهی میباشند ولی معمولا هیچ چیزی با آنها نمی کنند. به مرور زمان این خصوصیت از بین رفته و طفل قادر میشود بصورت عادی زبانش را حرکت بدهد.

طفل روی خود را پرت و پوست می کند: اطفال نوزاد اکثر و خاصا وقتی که گریه سر میدهند روی خود را پرت و پوست می کنند. لزومی ندارد که دست های او را بسته کنیم چونکه بعد از چند روزی این عادت را فراموش میکند. لازم است تا دستکش درازی برای طفل بدوزیم در دستش کنیم (مانند ش ۲) و دستکش صرف برای زمان موقت یعنی هنگامیکه گریه میکند در دست طفل باید باشد طفل میتواند با این دستکش های خریطه مانند آزادانه حرکت کند.

اگر طفل ناخن های درازی دارنده لازم است تا آنها قطع شوند.

طفل خرخر می کند: اگر طفل نوزاد و یا شیرخوار خرخر می کند و یا خود در هنگام تنفس کردن آواز اسپلاق ماندنی شنیده میشود لازم است که بصورت فوری به دوکتور مراجعه شود.

ولی با وجود این هم خرخر کردن علامه مریضی شمرده نمیشود. طفل بخاطری فشرش یا خرخر می کند که مجرای تنفسی بیش از باریک است. با مرور زمان این مجرا مریض میشود و طفل از فشرش کردن بازمی ایستد.

عطسه: طفل نوزاد به کثرت عطسه میزند بدین وسیله بینی خود را صاف می کند در محیطی که آلوده

آن آلوده باشد اطفال شیرخوار بیشتر عطسه می زنند. اگر طفل سرما بخورد و یا در منطقه سرد دفعتا فرار گیرد عطسه میزند. طفلی که سرما خورده به سهولت نمی تواند از راه بینی تنفس کند. این خصوصیت را مادر هنگام سینه دادن طفل احساس میکند. اگر تنفس از راه بینی ناممکن شود طفل مجبور است از طریق دهن تنفس بکشد ازینرو گاه گاهی برای تنفس کشیدن سر بیستان را راه می کند.

درین حالت حتما به دوکتور مراجعه شود. وقتی طفل به ریزش مبتلا می شود این موضوع باید جدی گرفته شود.

هکک: طفل شیرخوار به کثرت هکک میزند. خاصا بعد از خوردن غذا اضافه تر طفل راهکک می گیرد چونکه در زمان چوشیدن مقدار زیاد هوا داخل ریه های او میشود. همچنان هکک زمانی ظهور می نماید که طفل خنک بخورد. درین چنین حالات هکک زدن مریضی نبوده و اتخاذ هیچگونه تدبیری علیه آن لازم نیست. اگر هکک طفل را بسیار آزار بدهد طفل به گریه کردن آغاز می کند و همینکه طفل گریه کرد هکک او فرو می نشیند.

اگر هکک زدن با غذا خوردن طفل ارتباط ندارد و ساعت ها ادامه پیدا می کند در آنصورت نزد دوکتور مراجعه شود چونکه این حالت یک مریضی جدی طفل را نشان میدهد. نباید هنگام هکک زدن بینی طفل فشار داده شود. فقط دادن ۱-۲ قاشق چای هکک طفل را بر طرف می سازد.

حرارت وجود: حرارت نورمال وجود یک طفل نورمال مستقیما از روده او اندازه میشود که ۳۶ درجه الی ۳۷ درجه باشد (این درجه حرارت با

درجه حرارت انسانهای بالغ فرقی ندارد). مرکز حرارتی نوزاد مانند اطفالی که چند وقتی از عمرشان گذشته خویشتر فعالیت نمی نماید. ارگانیزم طفل به سهولت سرد میشود و

به سهولت گرم هم میشود. اگر طفل نوزاد یا شیرخوار خنک بخورد به گریه آغاز می کند. و اگر هیچ تدبیری علیه آن اتخاذ نشود رنگ طفل سفید میشود و بعد از آن به کبودی میگراید دور لبان او دستپاها و باید به پاهای طفل مبدول داشت اگر پاهای طفل مانند یخ سرد می شود. توجه بیشتر

طفل گرم است هیچ وقتی از شدت سرما دندانک نمیزند. دست اطفال به کثرت سرد می شود حتی اگر خود طفل گرم می هم بکند دستپایش سرد می باشد. اگر طفل خنک می خورد باید لباس گرم پوشانیده شود باشال و یا چیز دیگری او را پوشانید و اگر ممکن باشد در بستر طفل مشکوکه سیر گرم (نهداغ) را گذاشت اگر طفل گرم می کند او خیلی ناراحتی از خود نشان میدهد. ازین پهلوی به آن پهلوی می غلتد جلدش رنگ سرخ بخود میگیرد نخته پشتش از عرق تر میشود و طفل به گریه آغاز می نماید حتی بعضی لکه هادر جلد طفل ممکن است ظهور

نماید. اگر طفل از حد زیاد لباس پوشانده شده باشد عین حادثه فوق الذکر رونمایی گردد چه در اتاق گرمی در زمستان با کالو و لباس پشمی تن طفل پوشانیده شود و چه در گرمی تابستان لباس زیادی بتن طفل کرده شود مضر است.

در هوای گرم طفل باید در اتاق سرد هوای صاف در آنجا وجود داشته باشد قرار گیرد. در تابستان لزومی ندارد که کلاه بسر او گذاشته شود. در زمستان درجه اتاق اطفال نوزاد نباید از ۲۰ الی ۲۲ درجه بلند تر شود.



قسمت سوم

نوزاد یکه قبل از وقت زاده شده

باید درین ظرف های پراز آب همیشه قرار

داشته باند *

سینه دادن :

شیرمادر برای طفل خام ارزش حیاتی دارد *

ولی بعضی از اینچنین اطفال قادر نیستند

پستان مادر را بکنند * بهتر است به آنها

سینه داده نشود و اینکار تا چند روز و حتی

یکی دو هفته اول زندگی او باید ادامه بیاید

و شیر مادر دوشیده شده و بغورد طفل

داده شود * ازینرو مادران خودشان را از همان

آوانیکه هنوز در زایشگاه قرار دارند به

دوشیدن پستان خودبپردازند و این عمل

رانا آن زمان ادامه بدهد که طفل قادر بهمکیدن

پستان اوشود *

دقت شود که طفل خام از اندازه زیاد

غذا داده نشود * در روز اول زندگی طفل

خام هیچ چیزی باید برایش داده نشود * بروز

دوم تولد اوقف چند قاشق چایخوری از شیر

مادر باجای برایش داده شود اگر حرکتی

مانند جوشیدن توسط لب های طفل بهلا حلقه

میرسد بویه گریه آغاز می نماید مفهوم آن اینست

که طفل گرسنه است * اگر طفل از استپا

ولویک قاشق بیشتر مینوشد آنرا دو باره

فر کرده که بسیار امکان دارد موافق شده در

مجرای تنفس او قرار گیرد و خطری را متوجه

طفل سازد و طفل را به التهابشش ها دچار

کند * از همین لحاظ است که طفل خام را به

دقت بیشتر باید غذا داد * توجه خاص باید

میلول گردد که توسط غذا در مجرای تنفس

طفل هوا داخل نشود * بهتر است طرز شیر

دادن طفل های خام را از نرس هاییکه باتجربه

اند عدایت گرفت و نظربه عدایات آنها رفتار

نمود *

وبا وسیله درجه حرارت آنرا تنظیم ببخشید

چیرکت و یا بستر طفل به هیچوجهی نباید

در جریان هوا قرار گیرد چونکه در غیر صورت

هوارسیدگی برای طفل مذکور حتمی میباشد

علاوه بر آن باید در بستر طفل مشکوله ای

با آب شیرگرم بگزارید تا طفل تان سرما

نخورد و ریزش نکند *

برای اینکار لازم است که از مشکوله

استفاده شود به ترتیبی که دهن مشکوله به

هیچ صورت زانزد و دور مشکوله بالاتیل

(لالین) بپچانیده شده و در بستر طفل

بپلوی طفل گذاشته شود * حرارت بستر

طفل همیشه مراقبت شود زیرا حرارت وجود

طفل خام هیچ گاهی نباید از ۳۷ درجه بلند

تر برود * اگر طفل از گرمی ناراحت می شود

باید همان قسمتی که مشکوله گذاشته شده

دیده شود که داغ نگردیده است ؟

گرم کردن بستر طفل خام باید نظر به

هدایات دکتور موظف یا پرستار صورت

گیرد *

چگونه آزمایش کنیم که طفل نوزاد خام

در شرایط حرارت نورمال قرار دارد؟

ساده ترین طرز آن اینست که ترمومتر

را در فنداق طفل برای ۱۵ دقیقه گذاشته

وروی آن کهیل راکش نماییم * اگر ترمومتر

۳۰ درجه را نشان داد طفل در شرایط حرارت

نورمال قرار دارد *

به همان پیمانه ایکه برای طفل خام اتاق

گرم ضروری محسوب میشود به همان اندازه

هوای خشک برای طفل نا مناسب و مضر

است * به منظور ازدیاد بخشیدن رطوبت

هوای اتاق در ظرف لازم است که از آب پر

باشد و درعابین آن روی پاک ضخیمی را که

در آب ترشده بگذاریم * انجام های روی پاک



طفل خام بسیار ضعیف بوده و مواظبتی خاص را ایجاب می کند

تقریباً در هرده طفل یکی از قبل از وقت معین بدنیا میاید و زن اینچنین اطفال ممکن است در حدود دوتیم کیلو گرام و یا در حدود یک کیلو گرام باشد. اطفال ایکه قبل از وقت معین بدنیا می آیند ((خام)) یاد میشوند و اطفالی که به وقت معین آن تولد شوند ولی وزن آنها از ۲ کیلو گرام کمتر باشد نیز ((خام)) گفته می شوند طفل خام بسیار ضعیف بوده مواظبتی خاص را ایجاب می نماید اگر در انای تولد وزن او کمتر



شش اشک

سوال

به خرد راه عشق می بوی ؟
 با چراغ التاب می جویی ؟
 توهنوز ابجد خرد خوانی ؟
 وز معمای عشق می گوئی ؟
 مردگامی و عشق می ورزی ؟
 درزگامی و مشک می بویی ؟
 خانانی

بیگانه

ارزومند دیار ددرد پندوا مه شه
 بیگانه دخیلو منخ لره راهه شه
 هنگامه دمینی گرمه ده تر حسنه
 دمجنون ددرگدا شه لیلی مهشه
 که بلا به عشق کیتی دیری دی ناصحه
 دابلا واره بهعاشه بهتا مهشه

بروانه غندی خله پته خپسر سیزه
 دسینه بهخیر شوخ چشمه رسوا مهشه
 که می مرگندی هغه یارته به خوا شوی
 لهری کاره پنبیمانی ورپه خواهه شه
 هخ دیم ورباندی نه لگی ناصحه
 داحمید بلا وهلی ملا مه شه
 حمید ماشو خیل

حرام

مزلعل خور ! خون دلها مریز !
 نوخاکی ، چواتس مشو تند وتیز !
 مزلعل گون خوشتر است ای سلیم
 زخو نابه اندرون یتیم
 اگر دامن آلوده گردد بهمی
 حرامست ، خصمی ندارد زبی
 از آن آب رنگین به نزدیک من
 به از آنکه نفرین کند پیرزن
 بده ساقی نوش لب جام جم
 که بزدايد آن می زدل زنگ غم
 ازین پنج سین روی رنیت متاب :
 سبو شاهدو سهدو سمعو شراب .
 فردوسی

لوی اختر

ستا لیدل ماته بهرمهبال اختر دی
 بی لهتا خنی اختر بهخه اختر سی ...
 چینه راشی اوخیل خان درته خیرات گرم
 وور اختر بهپه ماخداپرو لوی اخترسی ...
 دوکتور زیار

قهوه‌یی

در چشم های او :
 هزاران درخت قهوه بود
 که بیخوابی مرا
 تعبیر می نمود .
 ل. منشی زاده

سپیل

زهی عشق زهی عشق که ما راست خدا یا
 چه نغزست و چه خوبست، چه زیباست، خدا یا!
 به هر مغزو دماغی که در افتاد خیالش
 چه نغزست و چه نغزست، چه زیباست، خدا یا!
 چو سلیم و چو جوییم، همه سوی تو بوییم
 که منزلت که هر سپیل به دریاست، خدا یا!
 چه گریم، چه گریم، ازین عشق چو خورشید

چه پنهان و چه پنهان و چه پنداست خدا یا
 زهی ماه، زهی ماه، زهی باده همراه
 که جانرا و چه جانرا، بیاراست، خدا یا
 زهی شور، زهی شور، که انگیزته عالم
 زهی کار، زهی کار، که آنجاست خدا یا
 «انتخاب از دیوانه مولانا جلال الدین بلخی»

خورد

زهر بهه، اسیر بهه، لهغه خخته سنا
 دلگیر بهه، فقیر بهه، دوصلدی کدا
 ویر بهه، سولیر بهه، له لاسه در قیب
 حاضر بهه، ناظر بهه، و تانه بهه زرا
 حبیب می شه، طبیب می شه، زخمی می بر زدی
 خوردن بهه، نمجن بهه، زه غواره دوا
 شغری می شه، رفیق می شه، بر ما و کوه نظر
 عاشق بهه، صادق بهه، خیل خان بولم فدا
 (محمدریفیق)

سراغ

سناد کنبلی مخ به خال مزوره به دماغ دی
 بهدا داغ می له عالمه زره فراغ دی
 سخ چنانست یم دگلو نو به چمن کبسی
 بیا ساقی راته نیولی دک ایاغ دی
 دزغینو به تو تم کبسی به نی غواریم
 داوړک زره که رابنکاره کامخ خراغ دی

چه دکنبلیو دجمال ننداره کاند
 وهفته سبیره داک سیر دباغ دی
 دگلو نو به بوی خی به گلزار ورتی
 دگلو نو بوی بلبلونه سراغ دی
 د خوشحال سترگی هوری چه بنایسته وی
 خلقه زره نی نه به باغ دی نه به راغ دی
 (خوشحال خنک)

چاره

ساقیا خیز و بیمای شراب تاکی
 تا مگر باده تو چاره کند غم تاکی
 زاتش باده بر افروز چراغ دل ما
 تا به آبی بفروشیم وجود خاکی
 چاهه جان که به لوت غم دهر آلوده ست
 به جز از باده تاکی نپذیرد پاکی
 کی دل ایمن شود از چشم تو وزلف سیاه
 شب بدان تیرگی و دزد بدان جلاکی
 بند ناصح مشو باده دیرینه یار
 که بود بندوی از غایت بی ادراکی
 رحمت شیرازی

گیله

دفلک له لاسه زایم به کوکار یم
 هم حیران دزمانی به کارو بار یم
 چه بودم می ولی نه پروردی بر غمه
 هر ساعت ددی دلاسه تا کردار یم
 ماخو نه دی خولا هیچ چیزی آزار گیری
 زه آزار بدکه دگوم آزار یم
 زمانه دیار آشنا لاسونه کوری
 چه به لاس کبسی می خه نشسته گناه کاریم
 دی فلک چه خه کول هغه نی و کول
 که نور هم را بانندی کوری ورته تیاریم
 سید عبدالغفار

فریاد گامی



پیوسته بگذشته

شدم و دست زدم، مرده بود. تپانچه روی زمین وسط پاهای او افتاده بود. سلاح را برداشتم و خیلی زود متوجه شدم که این تپانچه متعلق بمن است .. آنموقع بشدت تکان خوردم . تپانچه من ؛ فورا يك مساله بغاطرم گذشت اینکه (آن) بدون جلب توجه من تپانچه را برداشته و پنهان کرده شاید بفکر اینکه وقتی وضع برایش غیرقابل تحمل گردید، انتحار کند. شاید هم در آن روز این تپانچه را بهمین نیت باخود برداشته بود. و من آنروز شاید در آن لحظه دیوانه شده بودم که چنین فکری درباره او بغاطرم راه یافت زیرا فکر کردم (آن) مرتکب این قتل شده است . تپانچه را در جیب خود افکنده به عجله بیرون رفتم و نزدیک درب خیابان بافای کشیش روبرو شدم. باقیدارد که با پروتیرو قرار ملاقات دارد ولی دچار من يك حمله هستریک خنده شدم... شاید مقدمه چون بود. از او جدا شده برای خود ادامه دادم رفتم و رفتم ... بالاخره به این نتیجه رسیدم که تحمل بیشتر این جریان را ندارم. اگر هم آن مرتکب قتل شده باشد، مسوول من بودم . ازین لحاظ خود را در اختیار پلیس گذاشتم .

خوشی نسبتا طولانی بین ما بوجود آمد . سپس مدیر پلیس بالحن جدی گفت : من از شما چند سوال دارم ؛ به چند دست زدید؟ و آیا بنوعی سعی کردید محل او را تغییر بدهید ؟

- خیر به اوتاماسی نکردم . از دور هم می شد فهمید که مرده است .

- آیا متوجه یاد داشتی که روی میز قرار داشت شدید؟

- آنکه نزدیک جسد دیده میشد ؟

- خیر .

- آیا ساعت دست زدید ؟

- خیر ، دست نزدم . تصور میکنم ساعت خوابیده بود معذکک به آن دست نزدم .

- خوب برگردیم بمساله تپانچه نان شما سلاح را برای آخرین دفعه در کجا دیدید ؟

لئورانس ریڈینگک لحظه ای فکر کرد و بعد جواب داد : جواب قاطعی برای این سوال دادن خیلی دشوار است .

- تپانچه در کجا بود ؟

در کلبه محل اقامت و در اتاق نشیمن در یکی از قفسه های کتاب .

- یعنی آنرا در دید همه گذاشته بودید؟

- آری ، برای اینکه زیاد بفکر تپانچه نبودم همینطور آنجا نهاده بودم .

- و هرکس وارد کلبه شما میشد میتوانست آنرا ببیند ؟

- آری .

از آن آگاه بودند . و داستان شما نقل مجلس شان بود .

- درست است شما حق بجانب هستید . من به پدر مقدس قول داده بودم که هر چه زودتر ازینجا خواهم رفتم . آنروز شام وقتی در ساعت شش و ۱۵ دقیقه در آنلیه با خانم پروتیرو ملاقات کردم، تصمیم خود را به او گفتم . اونیز معتقد بود که راه دیگری جز این وجود ندارد . باهمدیگر وداع کردیم ، سپس از آنلیه بیرون آمدم و بلافاصله به دوکتور بایندوک برخوردیم (آن) بعدی طبعی جلوه کرد که حدس زده نمی شد غصه ای بین ما وجود دارد . در حالیکه از عهده من ساخته نبود . در معیت دوکتور ستون به میخانه (خوک آبی) رفته مشروب خوردیم . سپس قصد مراجعت به خانه کردم ولی هنوز تا مدخل آنلیه نرسیده ازین فکر منصرف شدم و خواستم لحظه ای پدر مقدس را ملاقات کنم به حرف زدن احتیاج داشتم. خدمه شان بمن گفت که آقای کلمنت در خانه نیستند اما کمی بعد مراجعه میکنند و آقای پروتیرو هم در اتاق کارشان منتظر نشسته است . منم به سوی اتاق کار آقای کلمنت رفتم .

- خوب بعد ؟

- پروتیرو پشت میز کار نشسته بود بهمان شکلی که شما او را یافتید . وقتی به اونزدیک

ممکن است ...

مالجت حرف او را بریده گفت : البته ما هم داستانی را که اونقل کرد باور نکردیم چنانچه به صدق اظهارات شما هنوز بطور قطع مطمئن نیستیم. زیرا دوکتور باید وک معتقد است که ارتکاب جنایت بطور قطع در ساعتی که شما تعریف کرده اید صورت نگرفته است .

- آیا دوکتور بایندوک اینطور گفته ؟

- آری و حال اگر شما خواسته یا نخواسته باشید، تقریبا تبرئه شده اید . حال از شما خواهش میکنم بعنوان همکاری با ما بنشینید و تا آنجاکه از حقایق اطلاع دارید، با ما صحبت کنید .

لئورانس که هنوز متردد بود: آیدار مورد خانم پروتیرو قصد الحفال مرا ندارید ؟

- بشرف خودم سوگند می خورم .

رسام نفس عمیقی کشیده گفت: من یسک احمق بتمام معنی هستم زیرا بخودم لعنت میکنم که چگونه توانسته ام فکر کنم (آن) مرتکب جنایت شده است .

- لطفا جریان را برای ما تعریف کنید .

- چیز زیادی برای گفتن وجود ندارد . من شام آنروز خانم پروتیرو را ملاقات کردم...

- ماهمه این هارا میدانم . شما تصور میکنید قضیه دلباختگی شما و خانم پروتیرو هنوز جزء اسرار باقیمانده در حالیکه عده ای

داشته بلکه خواسته است جنایت را مستیما به گردن (آن) بیاندازد . اگر میس مارپسل نمیگفت که آن را دیده ، با او صحبت کرده و آن تپانچه نداشته است، آنوقت ... نتیجه معلوم بود. آری لن، بنظرم اینطور می آید که کسی از آن بشدت متفر است و مایل است او را به عنوان قاتل و جنایتکار به دادگسار بفرستد . و من ازین کار هیچ خوشم نمی آید .

تا آمدن لئورانس ریڈینگک مرا هم به اتاق کارم احضار کردند . رسام جوان حالتی خسته و مشبوه داشت .

مالجت به لحنی مودبانه اظهار داشت : می خواستم در اینجا چند سوالی از شما بکنم. لئورانس به ملایمت لبان خود را گاز گرفته جواب داد: این همان اسلوب تحقیق فرانسوی است یعنی دقایق عمل جنایت را تکرار کردن .

مالجت گفت : فرزند، با ما اینگونه صحبت نکناید . مگر نمیدانید جنایتی را که شما ادعای ارتکاب آنرا نموده کسی دیگر بعهده خود گرفته است ؟

این سوال مالجت روی رسام تاثیر زیادی گذاشت و سراسیمه گفت :

- چه .. چه کس دیگری ؟ چه کسی ، کی؟

مالجت که بدقت به او می نگریست، جواب داد خانم پروتیرو .

- دروغ است . او مرتکب قتل نشده غیسر

سویخاطر نمی آورید که تپانچه تانرا برای آخرین مرتبه در کجا دیدید ؟
 لئورانس ابروهای خود را بالا کشید و در حالیکه تظاهر میکرد بخاطر بیایورد جواب داد: از اینکه روز گذشته در جای خود بود، کاملا اطمینان دارم . بیاد دارم که موقع برداشتن یک کتاب ، آنرا بادت خود کنار زدم و این درست دیروز بود کاملا بی یاد دارم .

این اوخر چه کسی به کلبه شما وارد شده بود ؟
 - عدد زیادی محققا بیدار من می آمدند . روز گذشته مثل اینکه برای شان جای هم دادم . لیتس پروترو، دینس و رفقا بش بودند . گاه گاه برخی ازین زنان سا لخورده نیز از من خبر میگر فتند .

آیا مواقعی که بیرون میرفتید ، در کلبه تانرا قتل میزدید ؟
 - خیر، چرا باید قتل میکردم ؟ در کلبه من چیزی که ارزش دزدیدن را داشته باشد ، موجود نیست . گذشته ازین درین دهکده کسی در ب خانه خود را قتل نمیکند .
 - کار های خانه شما راجه کسی انجام میدهد ؟

- مستر آرچر سالخورده هر روز صبح منزل مرا ترتیب میدهد و آب و چارو میکند .
 - آیا ممکن است مستر آرچر بخاطر بیایورد که تپانچه را برای آخرین بار در کجا دیده است ؟

- نمیدانم شاید بخاطر بیایورد . اما راستش نمیتوانم تصدیق کنم که وی برای کردگیری اعتنای زیادی نشان میداده .
 - خلاصه وضع ازین قرار است تپانچه را هر کسی میخواست میتوا نست بردارد .
 - آری ، اینطور بنظر می آید .

در ین موقع در باز شد دوکتور با پروک در حالیکه (آن پروتیرو) با او همراه بود ، داخل شدند . زن بادیدن لئورانس سخت تکان خورد . رسامیکی دو قدم بسوی او برداشت و گفت : آن ، مراببخش . اگر در مورد تسو طور بدی فکر کردم .

آن گفت : من . . . سپس معطل ماند و نگاهی التماس آمیز به مالچت افکند . ادامه داد: آیا آنچه دوکتور بایدوک بمن اظهار داشته درست است ؟

- آیا در باره اینکه مانسبت به مستر ریوینگ منظوم ؟ آری درست است و حال برگردیم به داستان شما خانم پروتیرو .
 زن جوان تبسمی محجوبانه بر لب آورد و گفت : چه کسی میداند در مورد من چه افکار زاندریشه های بدی بخاطر نان گذشته است .
 - نه فقط ما شما را متهم بر فتاری کودگانه میدانیم ولی دیگر همه این اندیشه ها و تصورات پایان گرفته است .

و حالا خواهش برای محقیقت را بطور کامل و بدون کم و کاست برای ما شرح بدهید خانم پروتیرو .
 زن سر خود را بطور جدیانه جنبانده جواب داد: شرح میدهم . در هر صورت شما از جریان واقف کامل دارید .
 - آری .

- قرار بود آروز شام بامستر ریوینگ را در کلبه اس ملاقات کنم . در ساعت شش و ربع به همراهی شوهرم از خانه سوی دهکده حرکت کریم . لازم بود مقداری خرید کنم درست موقعی که از هم جدا می شدیم شوهرم

به من گفت که قصد دارد به ملاقات آقای کلمنت برود . البته ملاقات من بالتورانس در کلبه اش قدری نامناسب و عجیب جلوه میکند .
 موقع گفتن این جمله رخساره عایش فرمز شده بود زیرا گفتن این مطلب برای او دشوار بود معذا ادامه داد بعد متوجه شدم که شوهرم در منزل آقای کلمنت زیاد توقف نخواهد کرد . برای پی بردن و مطمئن شدن ازین موضوع از در عقبی وارد حیاط شدم . تصور میکردم کسی مرا نخواهد دید ولی میس ماربل در حیاط خانه اس بود متوجه ورود من گردیده مرا متوقف ساخت کسی با هم صحبت کردیم با او گفتم که دنبال

شوهرم آمده ام تا با هم برگردیم . نمیدانم آیا باور کرد یا خیر ؟ زیرا حسالت عجیبی بخود گرفته بود . بعد از اینکه از او جدا شدم مستقیما به اینجا آمدم . از کج حویلی دور زده به پنجره دفتر کار آقای کشیش نزدیک شدم و نگاهی بدا خلآن افکندم . اتاق خالی بود . آنوقت برگشتم و به عجله خود رابه آتلیه نقاش رساندم و یک لحظه بعد لئورانس به من مدقق شد .

- گفتید اتاق خالی بود ؟
 - آری . شوهرم را آنجا ندیدم .
 - عجیب . . . یعنی شوهرتان سرا در آنجا ندیدید ؟
 ادامه دارد



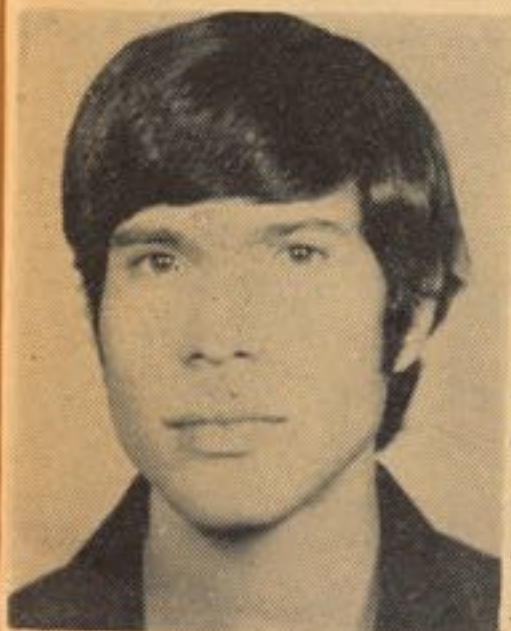
شعر نو نیاز زمان است

و پدیدۀ عصر

گفتگوئی پیرا مون شعر امروز باشا عر جوان شاه امیر (فروغ)
 - در شعر نو ساحتی بیشتری برای جوانان فکر شاعر و جود
 دارد.
 - احساس شاعر احساس مردم است.
 - شاعر در بر خورد مستقیم خود با مردم می تواند از محدودیت
 های خود آگاه شود.

(کلمه نی چند برای آشنائی با شاعر)
 شاه امیر (فروغ) شاعر جوان در (۲۴) دلو سال ۱۳۳۰ در کابل
 دیده به دنیا گشود. وی تحصیلات ابتدائیش را در مکتب سید جمال-
 الدین افغان به پایان رسانیده در ریسۀ غازی به ادامه تحصیل پرداخت
 و در ماه میزان سال ۱۳۴۹ شاهرل فاکولته انجینیری پوهنتون کابل
 گردید و اکنون آخرین ماه های تحصیلاتش را در رشته انجینیری
 ساختمان می گذارند.

طوریکه همه میدانیم امروز با گرفتاری های زندگی ما شینی کمتر
 کسی پیدا میشود که به دو رشته متضاد علاقه مند گردد، در حالیکه
 فروغ علاوه به شعر و ادب به رشته انجینیری نیز عشق می ورزد و بدون
 تردید باذوقی که در وی نهفته است در هر دو رشته مورد نظر گامهای
 وسیعی خواهد برداشت.



امیر فروغ

میپرسم نظرت راجع به روش نویسن
 در سرودن شعر چیست؟
 - به عقیده من شعری بنا میشود
 وجود دارد و باید هم وجود داشته
 باشد چه شعر تو نیاز زمان است
 و پدیدۀ عصر.
 بلی شاعر امروز نباید
 از ابزار شعری قرون گذشته
 استفاده کند. آری صدای او باید
 صدای مردم او باشد صدائی که
 انسان معاصر او آنرا تشخیص دهد

و فریاد او فریاد انسان امروز.

شاعر امروز میداند که قالب های گذشته برای بیان احساسات تنگی
 میکند و باید قواعد عروضی گذشته شکستناخته شود. البته هدف من ازین
 گفته ترک روش کلاسیک نیست بلکه باید یاد آور شوم که در شعر
 نو هم وزن و جود دارد (البته نه همان وزن های ثابت بلکه
 اوزانی که از محور عروضی گذشته جدا شدند) و شعر بدون وزن اصلا
 شعر نیست ولی در قسمت قافیه باید بگویم که شاعر امروز در
 شعرش قافیه را تقلیل داده و یا در برخی از اشعارش از قافیه اصلا
 استفاده نمی کند و دلیل آن اینست که شاعر امروز میخواهد ساحتی
 بیشتری برای جوانان فکرش داشته باشد.

- به عقیده ات شاعر چگونه خود را بشرايط زمان وفق دهد؟
 - طوریکه میداند شعر صدای احساس شاعر است و احساس
 شاعر احساس مردم است چه او در جامعه و در میان مردم زندگی
 میکند حال اگر شاعر این احساس را مؤفقا نه در شعرش منعکس
 میکند او خود را بشرايط زمان وفق داد، ولی اگر شاعر خود را در میان
 مردم نمی بیند و دنیا لهرو شعر ای قرون گذشته است انسان هم
 عصرش هرگز نمیتواند او را ببیند و صدایش را تشخیص دهد، چه
 احساس او متعلق به گذشته هاست نه به انسان هم عصر او.

بقیه در صفحه ۶۰

ژوندون



روان شناسی

داشتن هدف روشن

اگر شخص هدفهای مشخص و معین
 داشته باشد بندرت در حال نوسان
 و بی تصمیمی است مثلا وقتی شما
 بدانید که مقصد شما کجاست بدون
 اینکه توجه بدیگران داشته باشید
 راه خود را انتخاب و به همان طرف
 رهسپار خواهید شد.
 وقتی از هدف صحبت میکنیم باید
 میان هدف های آنی و هدفهای غایی
 فرق قایل شد زیرا راههای رسیدن
 به هر یک ممکن است با هم فسرک
 داشته باشد. خوشبخت آنکسی که
 میدانند چه میکنند و چه باید بکنند.
 بطور کلی شایسته است که جوانان
 در مکاتب تمایل شغلی در خود معلوم
 دارند و استعداد خود را در زمینه آن
 شغل ایده آلی تشخیص دهند و بدانند
 چه نوع تربیتی برای بدست آوردن
 آن شغل پس از مکتب لازم است.
 این انتخاب یک هدف غایی است که
 برای رسیدن به آن طرح و نقشه
 عاقلانه لازم است. از طرف دیگر
 شخص باید هدف و منظور خود را در
 طول روز و یا در طول یک هفته و یا
 یک ماه که یک هدف آنی است معلوم
 دارد تعیین هدف موجب فعالیت است
 و کوشش میشود و شخص را از سر
 گردانی نجات میدهد و راه های
 مستقیم را پیش پای انسان میگذارد
 که در این صورت تعارض بوجود
 نمی بیوندد.



اگر میخواهید اندام

متناسب داشته باشید



موضوع تناسب اندام یکی از مسایل بسیار مهم قرن بیستم و مخصوصاً برای خانم ها که بیشتر طالب زیبایی و تناسب اندام خویش اند زیاد تر دلچسپ و مورد توجه آنهاست .

تناسب اندام نیز مد سازان و مد پرستان را بشدت بخود مشغول داشته است. و ایشان هر سال با اختراع ماشین ها و وسایل کا ملاجدید میکوشند تا عیوب و نواقص که در هیكل و اندام خانم ها وجود دارد رفع کنند و در ضمن بازار فروش وسایل را که بدین منظور تهیه نموده اند گرم سازند. و جدید ترین وسایل را بدسترس خانم های که ازین ناحیه شکایت دارند میگذارند .

یکی از این وسایل که بیشتر در اروپا و امریکا طرفداران زیاد دارد وسیله است به مانند بایسکل با این تفاوت که در بایسکل عرابه ها نصب است و در این وسیله عرابه وجود ندارد .

تمرین با این وسیله جدید از طرف صبح خیلی ها به زیبایی اندام کمک می نماید . باید متذکر شد که بایسکل سواری نیز از جمله ورزش های محسوب میگردد که در امر لاغر شدن و کم کردن وزن رول مهمی دارد .

مسایل زندگی جوانان

لابد پیش خود میگوئید که در خارج چون همه چیز پیدا میشود پس چه تحفه ای میتوان برای دوستان، نزدیکان و آشنا یان فرستاد؟ و از طرفی هم تشریفات گمرکی و پستی و تحمل هزینه کرایه و غیره بسیار مشکل است . و تحفه ای که فرستاده میشود حد اقل از پنجم صد تا هزار افغانی کرایه آنست در صورتیکه استطاعت چنین کاری را ندارید و در عین زمان میخواهد که حتماً چیزی برای دوستان و نزدیکان خویشی که در خارج بسر می برند بفرستید پس بهترین راه آن فرستادن پوست کارد از مناظر وطن است . البته باید متذکر شد که فرستادن کارد به موقعش صورت گیرد و تا قبل از اینکه عید فرا رسد پوست کارد شما برای طرف مقابل حد اقل یک یا دو روز قبل از عید برسد. با فرستادن پوست کارد و یا مکتوب از یکطرف از کرایه و مصارف گمرکی خود را خلاص می کنید و از جانبی هم مکلفیتی را که احساس میکنید به بهترین صورت آن انجام داده اید . و طرف را ازین یاد آوری به موقع خوشحال میسازید .

سخنان نژاد پراره زن

- زن تربیت شده و وظیفه شناس مقیاس ترقی يك ملت است.

(يك)

- دختران پاکدامن ستارگان روی زمین هستند .

(شکسپیر)

- زن چون بخت و طالع است اگر امروز آنرا از دست دادی نباید تصور کنی که بعد دست خواهی آورد .

(شکسپیر)

اندیشه های جوانان

محمد یاسین از پسته خانه کارته ۴

از آنجائیکه شیوه تفکر ما انعکاس از شرایط مادی و محیطی ما است و محیط و اجتماع و بالاخره موقف اجتماعی ما و طرز تفکر ما را رهبری میکند از آنجائیکه شیوه تفکر جوانان انعکاسی است از شرایط که او را پروراند و در آن نشو و نمونوده و تکامل کرده است .

پس : عقیده من عوامل ذیل در زمینه خیلی ها موثر است .

- جوانان ما چرا فاقد جرئت اخلاقی هستند؟

- چرا نمی توانند در برابر يك جمعیت بزرگ قرار گیرند و حرف بزنند ؟

- چرا آنچه در ذهنش است در انظار خلق اظهار و تبارز کرده نمیتواند ؟

این همه مسایل است که همه جوانان منور و روشن فکر متوجه است که باید آنرا پاسخ گویند طوری که متذکر شدیم که طرز تفکر ما در شرایط محیطی و عمل اجتماعی ما سر چشمه میگردد .

بنا باید متوجه بود که جوانان ما در چه گونه شرایط در تحت تربیه و تعلیم قرار دارند مسلماً هر فرد باهوش به این موضوع متوجه است که ضعف جرئت اخلاقی يك فرد از ضعف جرئت و بالاخره از ضعف افکار نادرست والدین آنها سرچشمه میگردد .

پس مستقیماً وجود والدین بر تمام جوانب افکار تاثیر از خود بجا میگذارد که از افکار نظریات و اندیشه درونی آنها نمایندگی میکند .

ما جوانان که امروز می خواهیم خود را از راه علم و دانش و داشتن يك مفکوره عالی و واقعی بینی استوار سازیم :

باید همیشه شاهد واقعیت باشیم اگر تاریخ هر کشور را واقعاً ورق بزنیم میتگریم و مشاهده میکنیم که چه در آینده نزدیک و یا آنکه بعد از گذشت يك زمان واقعیت همانند آفتاب روشن می شود اما کم نظری ها غیر علمی بشکست مواجه شده و بالاخره واژگون و نابود میگردد و جای آنرا واقعیت تسخیر مینماید .

البته همینکه میگوئیم شاهد واقعیت هستیم نباید از واقعیت انکار کنیم چرا که با زهم بیانگر واقعیت عامرد و تاریخ است که ناواقعیت ها را محکوم میسازد و واقعیت عامرد و تاریخ است تاریخ است که ناواقعیت ها را محکوم میسازد و واقعیت ها را در داد و نهد اساسی واقعیت را در هر کشور مستحکم اعمار میکند بلی مردان بزرگ و با دانش عالی خویش توانستند تاریخ را به وجود بیاورند و تاریخ بسازند برای نسل بشر و نسل امروز نسل فرهنگ دانش ما جوانان از فدائیکاری و جان نثاری ایشان چه در راه حفظ حقوق وطن بوده و چه در راه اعمار جوامع بشری ما از فدائیکاری آن فرزندان صدیق کشور یاد آور می شویم پس بر ما لازم است تا در راه پیشبرد وطن و ارمانهای مردم خود از ابتدا خود را در لباس واقعیت آشنا ساخته و در ساحه علم و واقعیت بینی به پیش حرکت نماییم و مصدر خدمات شایسته به وطن و به هموطنان گرامی خود از روی واقعیت و واقعی بینی کار نماییم .

نویسنده مضمون محمد داود (نوری)

جوانان باید بفهمند که وطن مادر حال کنونی هنوز يك مملکت بسیار فقیر است و بر کندن ریشه فقر در يك مدت کوتاه میسر نیست فقط و فقط جوانان و همه مردم ما میتوانند با مساعی مشترک با نیروی خود کار کنند و وظیفه جوانان است که برای مردم در حل مشکلات شان روشنی انداخته و آنها را از طریق مباحثه به اسلوب درست راهنمایی کنند جوانان فعالترین و شاداب ترین نیروی جامعه هستند آنها باید از همه بیشتر به این خاک زحمات بکشند يك جوان باید بفهمد که چگونه از انرژی خود کار بگیرد زیرا که در هنگام شباب سرشار و شاداب نیروی حیاتند، مثل آفتاب صبح میدرخشند و چشم امید تمام مردم مابه آنها دوخته است زیرا که سر نوشت این مملکت باید گفت به نیروی جوانان اتکاء دارد یکنفر هر قدر توانا باشد باز هم به نیروی يك نسل جدید احتیاج مبرم دارد آیا يك نفر میتواند که توده عظیمی را از بدبختی نجات بدهد؟ نه بلکه همه مردم ما باید زحمت بکشند و يك جوان باید اسلوب های ناپسند را بدور افکند و رویه پسنیده را حفظ کند و اگر اشتباهی رخ میدهد باید فوراً در رفع آن بکوشد و همه وقت در همه جا بروی اصول صحیح با فشاری کند و وظیفه جوانان است که از خود بیشتر به دیگران توجه داشته باشد و در هر مسئله که بر میخورند باید سوال کنند و به هیچ وجه نباید گورگوارنه قبول کنند. وظیفه يك جوان است که باید وفادار ، صادق و فعال باشد و استقرار نظام نوین جمهوری را از جان خود گرانبهارتر بداند .

عبدالستار (محبوب)

زندگی امروز



تهیه و نگارش: فریحه پرجوش

بریزید تا نرم گردد. وقتی نرم شد با گوشت کوفته مخلوط کنید. پیاز را پوست گرفته ریزه کنید و با تخم ها، مرچ و نمک بالای مخلوط کوفته و مغز نان بیافزایید و خوب بهم بریزید. روغن را در ظرفی ریخته بگذارید داغ گردد از مخلوط فوق به هر اندازه ای که خواسته اید گرفته به شکل بیضوی در آورید و در روغن پخت و رویش را سرخ کنید. قبل از انداختن در روغن کتلت ما را در نان قاق میله شده بمالید و متوجه باشید که بیش از یک یادو عدد کتلت را در یک دفعه سرخ نکنید. زیرا هرگاه بیش از دوسه عدد را یکجا سرخ کنید به علت آب انداختن گوشت، کتلت ها خراب خواهند شد.

کتلت مرغ

مواد لازم:

یک دانه مرغ متوسط، یک عدد نان سفید سیلو، یک پیاله شیر، دو عدد تخم مرغ روغن، مرچ و نمک.

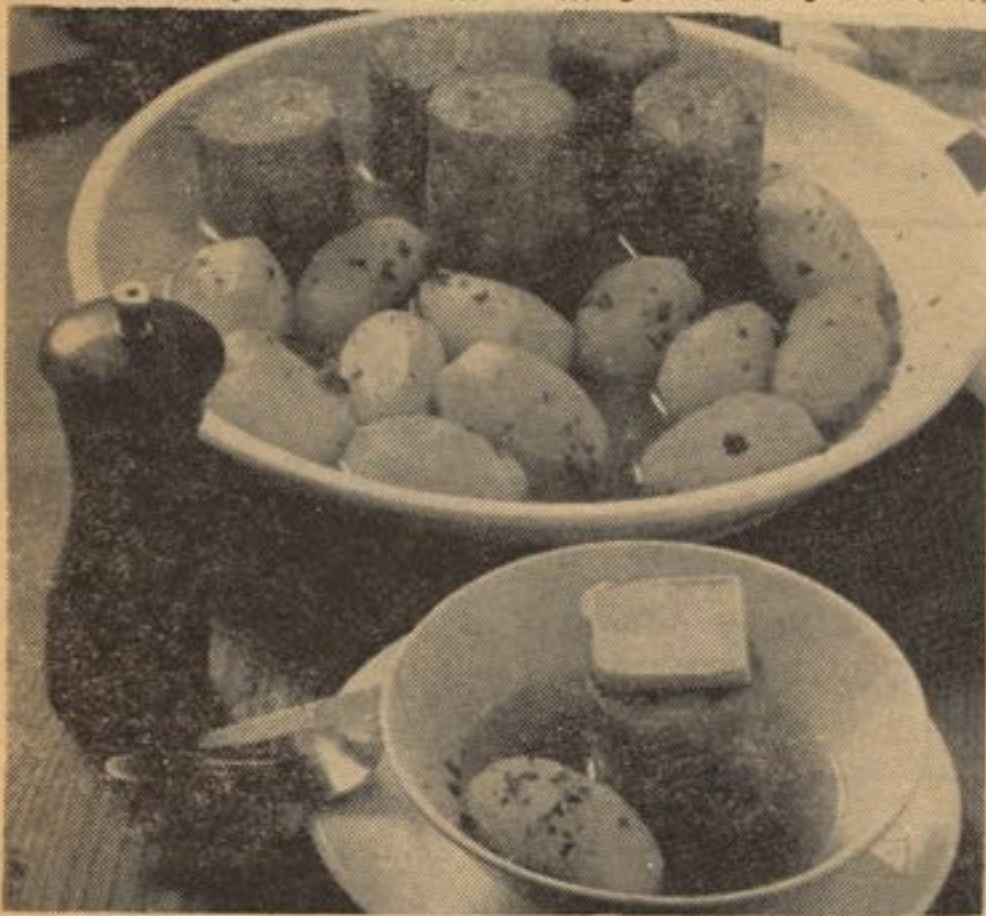
طرز تهیه:

گوشت مرغ را پس از پختن از استخوانها جدا کنید و از ماشین گوشت بکشید سپس متباقی مواد را مانند مخلوط بالا یکجا نموده و به همان شکل سرخ کنید.

کتلت ها را پس از کشیدن در بشقاب میتوانی با کچا لوی بریان و سبزیجات تازه

بخش آشپزی

اینبار طرز تهیه چند نوع کتلت را بشما نکشته ایم تا اگر خواسته باشید آنها را در صورت وقت داشتن روزهای رخصتی بپزید.



کتلت گوشت

مواد لازم:

نیم کیلو گرام گوشت بدون چربی، یک عدد نان سفید سیلو، یک پیاله شیر، یک دانه پیاز بزرگ، دو دانه تخم مرغ، مقداری روغن، نمک و مرچ به قدر ضرورت.

طرز تهیه:

گوشت را دوبار از ماشین گوشت بکشید. مغز نان سفید را در آورده شیسر را رویش

دکوراسیون زیبا با هزینه ناچیز

خانه و منزل بهترین محل آسایش و راحت است و چه بهتر اگر فضای آن بر علاوه صفا و صمیمیت، زیبا و دلنشین نیز بوده و دکور فشنگی داشته باشد.

ولی متأسفانه اکثر خانها بدین عقیده اند که برای دیزاین و دکور اتاق ها باید پول کافی داشت تا بتوان منزل را آراسته ساخت.

در حالیکه دکوراسیون خوب و فشننگ مربوط به گرانی اشیا و قیمت لوازم نیست، بلکه بسته به خوش ذوقی آقا و خانم خانه است.

دکوراسیون زیبا و مناسب بهتر از لوازم قیمتی است و به زیبایی اتاق اهمیت بیشتری دارد. لوازم وسامان پربها و تجملی هیچگاه نتوانسته جای یک دکور زیبا و مقبول را بر سازد مگر اینکه با ذوق و سلیقه انتخاب و دیده شده باشد.

دکور منزل و اتاق با مصارف زیاد نماینده ذوق و سلیقه خوب شما نیست. هرگاه پول زیا بدسترس نباشد، میشود بهترین مبل ها و اشیا را داشت و با خریداری کرد و با آن اتاق را آراست ولی اگر شما با بودجه کم و هزینه ناچیز موفق به دکور و تزئین منزل گردید و یا با ابتکار از اشیا غیر قابل استفاده، لوازم کارآمد سازید و در دکور

اتاق از آنها کار گیرید، آنوقت میشود گفت که شما واقعا شخص مبتکر و با ذوق و سلیقه اید.

پس در تزئین و دکوراسیون اتاق و منزل هرگز به پول و بودجه کافی نه اندیشید. اگر خواسته باشید دکور جدید و تازه ای به اتاق تان دهید و پول کم دارید رنجور نشوید. شما میتوانید برای تغییر دکور اتاق به انبار منزل روید و از آنجا اشیا بیکاره و چوکی های دور افتاده را در آورده بشوید، ترمیم کنید و با در نظر داشت رنگ های اتاق آنرا رنگ کنید، باتکه ها و پارچه های اضافی پوش کنید و امثال اینها ...

در ضمن فرا موش نباید کرد که طرز قرار دادن مبل و فرنیچر و میزها و ... نیز در دکور اتاق نقش فوق العاده دارد هرگاه بهترین پولها را با کم توجهی و بی سلیقهی دیده و هماهنگی رنگها و تناسب را در نظر نگیرید گمشته از آنکه کیفیت و ارزشش را از دست خواهد داد. اتاق را نیز بدنام شود ساخته از جلوه آن میکاهد.

بنابر آن در دکوراسیون و زیبا ساختن نقش ذوق و سلیقه و ابتکار بیشتر است تا به وسایل پربها.



نگهداری غذا و خورا که باب در زمستان

باران وازد چاله نشود .
 خریده یا تریوز و آنکور رامیتوانید بین
 خریطه ای گذاشته بیاوریزید برای حفظ
 گرم ، اگر بیخ هر یک گرم هارا درخاکخوب
 محکم کرده وگاهی بطوریکه فقط ساقه آنها
 نشود آب بدمید تازه میمانند ولی بایدروی
 آنها را برگ و شاخچه ها بپوشانید تا بخی
 نرزد .

نمک در جای مرطوب آبرو بخوردش
 میکشد پس باید آنرا درجای خشک
 گذاشت .
 تخم های مرغ را باید درجای سرد حفظ
 کرد اما به قدری که یخ بیند . تخم ها را
 یک یک با موم یا پیاز دیگری چرب کنید
 در میان بوزه اره پاکاه بچینید . بدین ترتیب
 خوب تر و دیرتر باقی میماند .

تاثیر مواد غذایی در بدن

گرد آورنده : پروین قسیم

یک کالوری مقدار حرارتی است که حرارت
 یک لیتر آب ۱۵ درجه را به ۱۶ درجه برساند
 مواد کالوری در چربی، ماهی، شیر، پنیر ،
 روغن نباتی، روغن زیتون، روغن بادام، سفیده
 تخم مرغ و گوشت گوسفند موجود است .
 عناصر معدنی مورد لزوم بدن :

عناصر معدنی موجود در بدن انسان به
 سه دسته تقسیم شده .
 ۱: عناصری که مقدارشان در بدن نسبتاً
 زیاد بوده مانند سدیم، پتاسیم، کلسیم،
 منفر و گوگرد .
 ۲: آنهایی که بمقدار معین وجود دارد
 مانند آهن و مس .
 بقیه در صفحه ۶۰

داشتن بدن سالم و نیرو مند که باعث
 نشاط و عمر طولانی است همه هم به بستگی
 مستقیم بویتامین ها و عناصر معدنی و مواد
 غذایی کافی دارد . یک انسان کامل و
 سالم روزانه بطور اوسط محتاج ((۲۴۰۰))
 کالوری میباشد و این مقدار نیرو و حرارت
 باید بوسیله غذاهای مختلف تامین گردد .
 سر گیجه ، خستگی ، چرت زدن ، ضعف
 در مقابل امراض اثراتی است که یک
 رژیم ناقص غذایی برای انسان پیش میسازد .
 کالوری : عبارت از واحد
 حرارت است که این حرارت از مصرف
 مواد غذایی ، نشایسته یی ، چربیها و مواد
 سفیده ای در بدن تولید میگردد در حقیقت

شما نباید به فکر خرید آذوقه بیافزید مگر
 اینکه پیش از پیش انبار ولوازم کار را
 آماده ساخته باشید . انبار یا (خرچ خانه)
 را در جای خشک و سردی در نظر گیرید
 که محبوس نباشد . ولی اگر تاریک باشد
 برق نمیکند .
 برای استفاده بیشتر با نصب قفسه ها
 ورف ها مرتب چیدن ظروف گنجا یش آنها
 بیشتر و برداشتن آذوقه را آسان سازید .
 پشت ظروف و پیپ های حاوی خورا که را
 کافه چسبانده نوع آنها رویش بنویسید
 تا در وقت ضرورت و استفاده از آن دچار
 اشکال نگردید .
 مرکز غذاهای بودا مثل چای و مساله هارا
 نزدیک هم نگذارید . برنج و آرد هر گاه از
 یکسال به سال دیگر بماند شیشه میزند برای
 جلوگیری از آن تکه های کوچک نمک میان
 آنها بگذارید .
 نگهداری حیوانات اشکالی ندارد ولی آنها تیکه
 به سال دیگر میماند دیرتر پخته میشود .

ببازر و کچالو جای خشک و تاریک لازم دارنده
 برای حفظ آذوقه در یک مدت طولانی باید
 در گوشه و کنار انبار گردانی . دی . سی)
 بپاشید و در ضمن خورا که هارا از گرد و خاک
 و رطوبت و حیوانات موذی حفظ کنید .
 زردک ، شلغم ، کچالو ، لبلبو و امتثال
 اینها رامیتوان میان گاه در صندوق یاد چاله
 های زمین نگاه داشت . اگر در صندوق نگاه
 میدارید نه هر صندوق را اول مقداری گناه
 ریخته زردک وینا کچالو را پس از
 گرفتن برگ هاوسیزی آن به ترتیب روی آن
 بچینید و دو باره گاه بریزید تا به یکدیگر
 نچسبند . بعد طبقه دیگر همانطور یک گفته
 شد چیده صندوق هارا پر کنید و در جای
 سردی بگذارید و در زمستان یک یک را
 باز کرده مصرف کنید .
 اگر در چاله زمین نگاهدارای میکنید به
 همین طریق بچینید متنها باید متوجه بود که
 بالای چاله یک مجرای هواکش باقی بگذارید
 و بعد یک قطعه سنگ ویا چوب روی آن
 گذاشته باشا خه و برگ بپوشانید که آب



اینهمه مدل زیبا از بهترین جاکت های پشمی برای زمستان که در مدل سمت راست راههای افقی جاکت زیرین باراهای عمودی جاکت بالایی جلوه خاصی یافته و مدل سمت چپ بانفش هاترین شده است .

اشتباه

مردی که ریش بلندی داشت تصمیم گرفت شب عید ریشش را بتراشد. پس از اینکه به يك سلمانی رفت و ریش خود را اصلاح کرد: به خانه رفت اتفاقاً دید کسیه کلید دروازه را بر خلاف همیشه با خود ندارد ناچار زنگ دروازه را فشار داد به محض اینکه زنگ دروازه را باز کرد، خود را به آغوش او انداخت و صورتش را غرق در بوسه کرد.

مرد که هرگز چنین محبت و نوازش از زن خود ندیده بود سخت خوش حال شد و گفت:

عجب! پس اصلاح صورت کاملاً به نفع من تمام شد.

زن و حشمت زده گفت:

ای وای، خاک عالم به سرم... من اصلاً ترا نشناختم!

دلیل خوب

داکتری از مریضش پرسید که چرا دوایت را نخوردی مریض جواب داد در پشت بوطل دوا نوشته شده بود که همیشه سر آن بسته باشد، بنا برین سر بوطل را باز نکردم.

وکیل دعوا

مادری پسر خود را صدا زد گفت: احمد جان وقتی که بزرگ شوی چه شغلی را خوش خواهی داشت احمد گفت مادر جان می خواهم وکیل دعوا شوم و هر وقت شما با پدرم جنگ می کردید بین شما صلح کنم.



ماجرای تصادم

ژوندون

خسته فریادی



موزیسین

روزی درس يك پروفیسور، معارف بیماری های حنجره و جهاز تنفسی بود... برای آنکه در سن باعمل توام باشد، یکی از شاگردان مردی را که سالها بود از سینه درد و تنگنفسی می نالید و هیچ داروئی در او مؤثر واقع نشده بود، همراه آورد تا برو فیسور عالی قدر، تجربه های گرانبهای خود را روی او به مرحله عمل بگذارد و به شاگردانش بیاموزد...

پروفیسور از مرد مریض پرسید!

- خوب... شغل شما چیست؟

- بنده موزیسین هستم.

پروفیسور آله درگلو او انداخت و

به شاگردان گفت:

ملاحظه کنید... همان طوری

که در درس های سابق نیز گفته ام

استعمال رایمیک آلت موسیقی

در نزد موزیسین ها تو لیدنارا حتی

هایی از قبیل تنگ نفس و سینه درد

مزمین و بیماری که مربوط به

دستگاه تنفسی باشد می کند...

سپس رویش را به طرف موزیسین

گرو گفت:

- خوب آقا... شما چه سازی

میزنید؟

مرد به سادگی جواب داد:

- قریان... بنده طبالم!

صرفه جویی

پسری از پدرش پرسید:

پدرجان بین ممسکی و صرفه

جو بودن فرق چیست؟

پدر جواب داد:

پسر جان اگر من با لا پوشی

زمستانی خود را که پارسال خریده،

ام امسال نیز بپوشم من يك

شخص صرفه جو هستم ولی اگر

از مارت بخواهم که بالابوش پارساله

اش را امسال نیز بپوشد در آنحال

خیلی خصیص هستم.



بدون شرح



بدون شرح

وقتی مریض داکتر، زن خود او باشد:

زن داکتر، پیش شو هرش از سر دردی و کمر دردی شکایت میکرد. شوهر به او دلداری میداد و می گفت:

عزیزم، چیزی نیست، کمی سر ما خورده ای، وزود خوب می شوی!

زن بر آشفت و فریاد زد!
- اگر يك مریض نا آشنا پیش تو می آمد و از همین درد ها ناله می کرد تا به حال صد بار بر هنه اش می کردی؟!



بدون شرح

حاشیه

یکی از مجلات اروپایی، نامه یی به این شرح از یکی از مشترکین خود دریافت داشت:

- سال پیش، موقعی که مجله شما را مشترک شدم، در یکی از شماره ها به يك اعلان رسیدم که: هرکس از مطالب این مجله را ضی نیست، می تواند در پان سال وجه اشتراك خود را پس بگیرد! حالا چون من راضی نبوده ام، لطفا پولم را پس بفرستید!
اما در آخر این نامه يك «حاشیه» بود به این شرح:
«ضمناً، چون نمی خواهم شما را از این بابت ناراحت کنم، لذا تقاضا دارم مبلغی را - که باید پس بفرستید بابت اشتراك سال آینده حساب کنید!!»

اسکندر و دزد

اسکندر به کشتن دزدی فر مان

داد!

دزد گفت:

- من د راین کار - که کردم -

قلبم راضی نبود.

اسکندر گفت:

- در کشته شدن تو نیز قلبست

راضی نباشد!



پدر: پسرم تمام خواندن های کلاسیک را می داند اما چون سن آن کوچک است، وقتیکه کلمات را به درستی اجرا کرده نمی تواند مسن فوراً کمکش میکنم

خرس قوی هیکل

جهانگردی - که خیلی تنو مند و قوی بود - تازه از جنگل باز گشته بود و با حرارت زیادی برای یکی از دوستانش مشاهدات خود را تعریف می کرد. ضمن صحبت چنین گفت:
- بالاخره وقتی وارد اطاق شدم، بایک خرس قوی هیکل و مهبیبسی مصادف شدم! آیا حدس می زنی چه کردم؟
رفیقش با خونسردی جواب داد:
- خوب دیگر آینه را شکستی؟!



به آرزوی کم وزنی

شکاری

روزی برای تاجری يك بازشکاری آوردند، گفت:

- این مرغ چه هنری دارد؟
گفتند:

- کبک و کیوتر شکار می کند.
گفت:

- چه می خورد؟
گفتند:

- روزی يك مرغ!

گفت: آزادش کنید، بگذارید خودش بگیرد و خودش بخورد!

باز هم دیوانگان

روزی مدیر دار المجانین برای باز دید دیوانگان به شفاخانه رفت. تمام دیوانگان با لباس سفید دريك خط ایستاده و همه در کمال ادب همان طوری که قبلا تعلیم گردیده بودند به مدیر سلام دادند. و لی در آخر صف يك نفر اصلا سلام نداد و کوچک ترین احترامی به مدیر نگذاشت!
مدیر - که از این دیوانه لجوج و بی ادب سخت عصبانی شده بود - فریاد زد:

- احمق! چرا احترام نمی گذاری؟

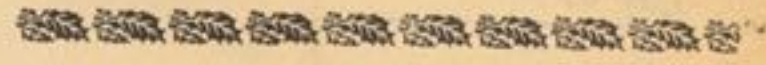
آن مرد بلا فاصله جواب داد:

- قر بان، من دیوانه نیستم، من پرستارم!



بدون شرح

دمینې په لور



هره ورځ دسهار په پنځو بجوله خوب نه راویننیدم، تر څو دغواوو شیدې ولویشم او څارویو ته خواړه ورکړم، له دې نه وروسته په سل گونو نور کارونه پاتې کیدل دشپې له خوا به دومره ستړې په بستر کېنسی غزیدم چه خوب به نه رانه. زړه می څومره غو بښتل چه امید ولرم روښانه ورځی هم زما په مخکی شته...

له هر څه نه زیات ارزښت ولری. دمایلک راتلل لکه دنوی روح په خیر و چه د کروندی او په همدی ډول زمونږ په کالبد کېنسی پوشوی و هغه هر کار کاوه یوه ورځ دبلسی ورځی په نسبت ښکلې او خوشحاله بریښیده سړی دهغه سره په کارکی خان خو ښ احسا ساوه، په خپل ټول ژوند کېنسی می لکه ددی څو هفتو په خیر خان نیکمرغه نه ولیدلی کله کله به د مازیگر له خواد کور به برنډه کېنسی ناست و او د خولی ساز به یی غراوه او ویل به یی چه دا کار می پلار راته ښودلی دی هغه ځینی نور شیان هم دخپل خان په باره کېنسی ماته وویل: هغه دسان فرنا ندو، په دره کېنسی لوی شوی و خو کله یی چه دوه کاله دمخه لهاردو څخه وویست په پر له پسې ډول د کار په لټه دی ښار ته او هغه ښار ته تللی و.

دجنوری دمياشتی په وروستیو وختونو کېنسی یوه ورځ مازیگر دلمر ژپړی و پانگی دغرونو تر څسټ ټیټید لسی چه «مایکل او شی» کروندی ته راغی هغه لوږ قد درلود آرام او مهربان آواز یی درلود هغه په کار پسې گر خیده، دادانتظار نه لری یو تصادف و داسی تصادف چه موږد یو سړی مرستی ته اړتیا درلوده سره له دې چه هغه دادنا ترور سره خبری کو لی خوپه دی پوهیدم اودا احساس می کولی شو چه هغه دستر گوله کونج نه ماته گوری یوځل می خانته جرئت ورکړ او خپل سر می پورته کړ تر څو دهغه سترگو ته وگورم خو کله چه هغه موسکی شو خپل سر می کېنسته واچاوه اوداسی می وښودل چه زه متوجه شوی نه یم په ما کېنسی عجیب احساس پیدا شوی و ده دهغو کسانو سره توپیر درلود چه ما مخکېنسی لیدلی وو اوزه نه پوهیدم چه څه عکس العمل باید وښییم.

دازما په نظر په زړه پوری ژوند و، همیشه می هغه دی ته تشویق کاوه چه دخپل خان په باره کېنسی زیاتنی خبری وکړی، خو یوه ورځ چه کورته راستنیدو مایلک ما ته منځ کړ، مو سکې شو او ویی ویل: - پوهیږی ژنویو، ته عجیبه نجلی یی ته تل خبری کوی خو هیڅکله دخپل خان په باره کېنسی یوه خبره هم نه کوی ستا په دغه کو چنی ککری کېنسی څه ډول فکر ونه تیریري؟ ته له ژوند نه څه غواړی؟

خو ناڅاپه کله چه دادنا ترورد کروندی اوماته دهغی درسید لسوپه باره کېنسی دخپلو پخوا نیو خبرو په باب خبری پیل کړی غوښی می زین شو، مایلک اوشی به مو سکا سره دهغی خبری اوریدلی، خوددی موضوع ظاهر دومره ورته په زړه پوری نه بریښیده نه پوهیږم چه په زړه کی می څله دا خبره احساس سو له هغه داسی سړی نه دی چه پیسی ور ته

ناڅاپه می دا خبره احساس کړه چه زړه می وزبښل شو او اوشکو می سترگی ډکی کړی ما لکه دنورو پیغلو په خیر خوب او خیال نه درلود آینده یو داسی شی وچه هڅه می کو له ډیر دهغی په باره کی فکرونه وکړم مایلک بیا پو بښتنه وکړه. - ته نه غواړی چه سفر وکړی او بیل بیل ځایونه وویښی ډیر به زړه

پوری دی، ډیر شیان زده کوی په تیرو دوو کلونو کېنسی ما ډیر ښه ژوند کړی دی.

په دی وخت کېنسی مایلک خپل لاسونه زما په غاړه کېنسی واچول او په غوږ کېنسی یی راته وویل: - زه فکر نه کوم چه له دی شیبی نه وروسته هر څه همداسی پاتسی شی زه په تا عاشق یم، ژنویو ایاته هم په دی پوهیږی؟ دایوله التها ب نه ډک خوب او په عین حال کېنسی له امکان نه لیری و هو دایو خوب ودا چه په خان دا خبره ومنم چه دا خبری مایلک کړیدی خو کله چه هغه زه په غیر کېنسی ونیولم وپوهیدم چه دا ټول شیان واقعا پېښیږی خان می ور وپاندی کړ، پما هم مایلک گران و. په وروستیو هفتو کېنسی ټو لو شیانو خپله بڼه بدله کړی وه حتی دادنا ترور بی څاپه انتقا دونو او بدویلو هم کو لای شول چه مایوه اندازه نا آرامه کړی دهغه یوازینی شی په باب می چه فکر کاوه هغه مایلک و.

هغه هلته دو مره کار کړی و چه وکولای شی واقعیت درک کړی هغه په دی پوهیده چه داد نا تر زړه ډیرو کلونو دپاره دخپل نفوذ لاندی ساتلی یم اولا اوس هم غواړی چه ما هلته وساتی په همدی دلیل پوهیده چه تراوسه لاداکار عا قلا نه نه دی چه زما په نسبت خپله رابطه څرگنده او ښکاره کړی.

خودادنا ترور دتیز او هو ښیښار طبیعت له نظره هیڅ شی پټ نه پاتی کیده هغی دڅه مودی نه را په دیخوا زمونږ څارنه کوله ښای چه زمونږ خبری یی هم اورید لی وی تر څو یوه ورځ دچار شنبی دغر می نه وروسته هر څه لکه دلمر په خیر روښانه شول. ما او مایلک لکه دتل په خیر دکور په برنډه کېنسی ناست و او موږ پوهم دکور ددروازی د خلا صیدو آواز وانه اورید موږ دواړه یو دبل په غیر کېنسی پراته و او د عشق او میننی خبری مو کولی له هرڅه نه بی خبره و، دادنا ترور موږ ته متوجه شوه او لکه به شپه کېنسی دچاودنی په خیر یی چیغه کړه:

- ژنویو! ژر کور ته راشه. مایلک په داسی حال کېنسی چه زه یی په غیر کېنسی نیولی وم په آرامی سره وویل: - یوه دقیقه وخت راکړه، ښځه پورته شوه فکر کوم چه ته باید په

پوشی وپوهیږی. - زه پوره پوهیږم همدا چه دلته راغلم او خپله وریره می په دی حال ولیده ناڅاپه مایلک په تنده لهجه وویل: - دا حقیقت نه لری دژنویو یوازینی گناه داده چه ډیره شر میندو که ده اود خپلو احساساتو په وپاندی ستا سلی له عکس العمل څخه ویریري. ومی ویل:

- مایلک خواهش کوم. دادنا ترور وویل: - زه په ټولو شیانو پوهیږم، تاسی تردی وروسته دلته کوم کار نه لری ښاغلی او شی. تاسی له دی څاپه باید ژر ووځی، همدا نن شپه خپل وسایل ټول کړی او له دی څاپه لاپ شی.

بیا زما خواته راستنه شوه او ویی ویل: - سوادی نه اوریدل چه څه می وویل ژر کور ته راشه. خو پخوا له دی چه له خپل ځای نه جیکه شم مایلک ورو وویل: - دشنبی په شپه به اتو بجو د سیند په غاړه ستا انتظار کاږم، وروسته بیا خبری کوو.

سهار مایلک تللی و او کور دهغه په خالی کیدو سره غمزده بریښیده هرکله به می چه دهغه په باب فکر کاوه او ښکی می له سترگو بپیدای اود خان مخه می نه شوه نیولی ددی په څنګ کېنسی په دی پاندی په یو هید لو سره چه د شنبی په شپه هغه وینم یو څه آرا میدم باید په یو ترتیب له کور څخه وتلی وم، ما غوښتل چه مایلک ووینم، مجبور وم دهغه سره می مینه درلوده.

له ښه مرغه په دی شپه دادنا ترور ژر ویده شوه، یوه شیبی وروسته له کور څخه ووتم او دوحشی گلونو په بو ټوکېنسی می د سیند خواته منډه کړه دخانه سره می ویل: مایلک مایلک زه له تاسره مینه لرم زړه می دزیات هیجان نه سخت درزیده کله چه د سیند په غاړه دتیزی دپا سه کښیناستم مایلک لا تر اوسه نه و راغلی زه دټاکلی وخت نه نیم ساعت دمخه تللی وم هلته دهغه په انتظار کېنسیا ستم، هغه ځای لکه دجنت په خیر و، داوبو دتیریدو آواز اود گلونو مست کوونکو بوونو دخیال نه ډک محیط جوړ کړی و مایلک هم ډیر ژر راته او دغه ښکلا یی نوره هم زیات توله کله چه می دونو تر څنګ دپښو آواز واورید به وار خطا یی سره له خپل ځای نه پا خیدم خو یوه شیبه

په دی وخت کېنسی مایلک خپل لاسونه زما په غاړه کېنسی واچول او په غوږ کېنسی یی راته وویل: - زه فکر نه کوم چه له دی شیبی نه وروسته هر څه همداسی پاتسی شی زه په تا عاشق یم، ژنویو ایاته هم په دی پوهیږی؟ دایوله التها ب نه ډک خوب او په عین حال کېنسی له امکان نه لیری و هو دایو خوب ودا چه په خان دا خبره ومنم چه دا خبری مایلک کړیدی خو کله چه هغه زه په غیر کېنسی ونیولم وپوهیدم چه دا ټول شیان واقعا پېښیږی خان می ور وپاندی کړ، پما هم مایلک گران و. په وروستیو هفتو کېنسی ټو لو شیانو خپله بڼه بدله کړی وه حتی دادنا ترور بی څاپه انتقا دونو او بدویلو هم کو لای شول چه مایوه اندازه نا آرامه کړی دهغه یوازینی شی په باب می چه فکر کاوه هغه مایلک و.

وروسته دهغه څه په ليدلو سره چه
 زما په مخکښي ولاړ وږخپل ځای وچه
 پاتې شوم.
 برونو پو بښنه وکړه :
 څه پيښ شوی ژنويو؟ تعجب
 دی وکړ، فکر کوم دا انتظار دی نه
 درلود چه بيا ماووينی ، آيا داسی نه
 ده؟
 - ته څه غواړی ؟
 - هغه په داسی حال کښی چه زما
 په زخم مالکی دوړولی وویل:
 ته باید پوهه شی ، غواړم چه ستا
 ددی کار تلا فی وکړم شرط ېږدم
 فکر دی کړی چه مادتل دپاره خپل
 گورورک کړیدی خو له هغی ورځسی
 نه را په ديخوا په دی ځای کښی دوخت
 په انتظار وم.
 په غریزی تو گه می احساس
 کاوه چه باید وتښتم ، خو نه می
 شواي کولی له ډیری ویری زما پښو
 دحر کت توان نه درلود.
 په دی وخت کښی مایکل دونو له
 منځه راووت ، هیڅکله دهیچا له لید
 لوڅخه دومره خو شعا له شوی نه
 وم لکه دمایکل په لید لو چه خوشحاله
 شوم په داسی حال کښی اوښکی می
 له ستر گو نه روانی وی ځان می
 هغه ته ور ورساوه.
 برونو وغوریده اووی ویل:
 - لکه چه دزړی ښځی اووریری یی

بیا هم یوبل څوک پیدا کړی دی.
 - مایکل په سره وضعه پو بښنه
 وکړه:
 - ته څوک یی؟ دلته څه کار کوی
 که چیری دی ژنويو ته څه تاوان
 رسولی وی زه...
 - زما نصیحت ومنه بیا غلیه،
 دانجلی دجگړی ارزښت نه لری
 پوهیږم چه ته لادهغوی دلوبو سره
 بلد شوی نه یی.
 مایکل په حیرانتیا سره ما ته
 وکتل اووی ویل:
 - داسی دڅه شی په باره کښی
 خبری کوی؟
 پخوا له دی چه زه یو څه وویلی
 شم برونو داسی دوام ورکړ:
 - شرط ېږدم چه ته هم زما په خیر
 په وړیا ډول دزړی ښځی دپاره کار
 کوی. بیا هم شرط ېږدم چه ستاد
 استخدام نه دمخه یی یوه لنډه کیسه
 هم درته کړی ده چه یوه ورځ به دغه
 نجلی دزړی ښځی دکړندی او ټولو
 مالونو ځاوند شی اوداچه زړه ښځه
 به ژر مړه شی اود کړندی دکارونو
 دخوندی کولو دپاره دبل چا مرستی
 ته اړده هو بیا غلیه زه هم یو وخت
 په دی لومه کښی نښتی وم.
 مایکل په قهر ورته وکتل او
 برونو په داسی حال کښی چه
 شونډی یی یو څولی دڅنگله په
 تیاره کښی ورك شو.

دهغه له تملو وروسته مایکل په
 داسی حال کښی چه غو سه یسی
 لانه وه ناسته ماته راستون شو او
 وی ویل :
 - دا خبری حقیقت لری ژنويو؟
 دومره پریشان شوم چه نه پوهیدم
 څه ووايم.
 په داسی حال کښی چه ستو نی
 می ډک ډک کیده اعتراف می وکړ.
 - هو مایکل مگر ته متوجه نه یی
 چه...
 - ډیر ښه متوجه یم تاسی ما ته
 په بشپړه تو گه لاس واچاوه او پخوا
 له دی چه ماته دڅه ویلو وخت را کړی
 مخ یی رانه وگر ځاوه او په کومه لاره
 چه راغلی وږیرته لاړیوه ورځ وروسته
 بیرته سخت کارونه پیل شول ټول
 کارونه زما په غاړه و، دادنا ترور دی
 وروسته نه غو بښتل چه څوک
 استخدام کړی.
 یوه شپه کله چه په بستره کښی
 وغزیدم سر می گر ځیده تښی ونیوم
 ترسپار پوری ویده نه شوم خو کله
 چه سپار پاڅیدم هڅه می وکړه چه دا
 موضوع دادنا ترور ته ووايم هغی زما
 خبری ونه منلی او وی ویل :
 - بی ځایه تمارض مه کوه کارونه
 نیمکړی پاتې کیږی ، ته پخپله ښه
 پوهیږی.
 هڅه می وکړه چه له بستری

پاڅیږم خو کله چه می غو بښتل خپلی جامی
 بدلی کړم سر می وگر ځید او په
 ځمکه ولویدم خو شیبی وروسته می
 چه کله سترگی خلاصی کړی لومړی
 شی می چه ولید هغه د مایکل صورت
 و فکر می وکړ چه ناروغی په اثر
 په اوها مو او تخیلاتو اخته شوی یم
 خو کله چه می سترگی پټی او
 بیرته خلاصی کړی هغه لاهلته ولاړ
 و موسکی شو اووی ویل:
 څنگه یی ژنويو؟
 - اوه مایکل داته یی نودا څه
 خوب نه دی.
 - هغه زما په مخ په مهربانی لاس
 تیر کړ اووی ویل:
 - هو گرانی، زه دلته یم او نور به
 تاهیڅکله پری نه ېږدم او کله چه له
 رو غتون څخه رسخت شوی یو ډبل
 سره به واده کووالبته که ستاخوښه
 وی.
 دادنا ترور اجازه نه را کوی
 چه کرونده خو شی کړم، هغه په
 زمونږ مخه ونیسی ..
 - ته نو لس کلنه یی ژنويو اود
 قانون له مخی هرڅه دی چه زړه -
 وغواړی کولی یی شی، ستا ترور په
 هیڅ وجهه نه شی کولی چه ستامخه
 ونیسی.
 سرته می ټکان ورکړ اووی ویل

پاتې په ۵۶ مخکی



دلیپ کمار کیست

۱۹۵۸	زودی زیر ساختمان می آمد و وی را برای این رول چهره مناسبی یافته بود پیشنهاد نمود .	۳۱- پیوری
۱۹۵۹	دلیپ کماریا (یوسف خان) در پشاور چشم به جهان گشوده ، و آوان کودکی اش را در منطقه پی به نام «دیوالی» که در ایالت مهاراشترا ، واقع است گذرانیده و مکتب ابتدایه را نیز در همین منطقه به پایان رسانید .	۳۲- پیغام
۱۹۶۰	دلیپ پس از ختم تحصیلات ابتدایی شامل کالج ویلسن در بمبئی گردیده و پس از دو سال ژورنالست فیلم نیز شناخته شد .	۳۳- کوچه نور
۱۹۶۰	پدرش غلام سرور خان نامداشته پیشه سوداگری میوه خشک داشته و به عنوان مسلمان سر سخت معروف بود .	۳۴- مغل اعظم
۱۹۶۱	اولین باریکه دلیپ پس از ختم تحصیلات شامل کار گردید ، در کانتین عسکری انگلیس واقع پونه صفت معاون کانتین دار راداشت که ماهانه ازین مدرک سی و پنج کددار هندی در آمد داشت ، که به دهها خود موقع یافته و شغل مستقلی را به صفت فروشنده مشروبات	۳۵- گنگا چمن
۱۹۶۶	۱۹۶۸	۳۶- لیدر
۱۹۶۶	۱۹۶۷	۳۷- دلدیا درودیا
۱۹۶۷	۱۹۷۰	۳۸- رام اورشیام
۱۹۷۱	۱۹۷۲	۳۹- آدمی
۱۹۷۲	۱۹۷۳	۴۰- سترگرش
۱۹۷۳	۱۹۷۴	۴۱- گوپی
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۲- سکیته مهاتو
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۳- داستان
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۴- شرمیلا ناگور
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۵- سکیته
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۶- ساریه بانو
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۷- ساریه بانو
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۸- ساریه بانو
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۴۹- ساریه بانو
۱۹۷۴	۱۹۷۴	۵۰- ساریه بانو

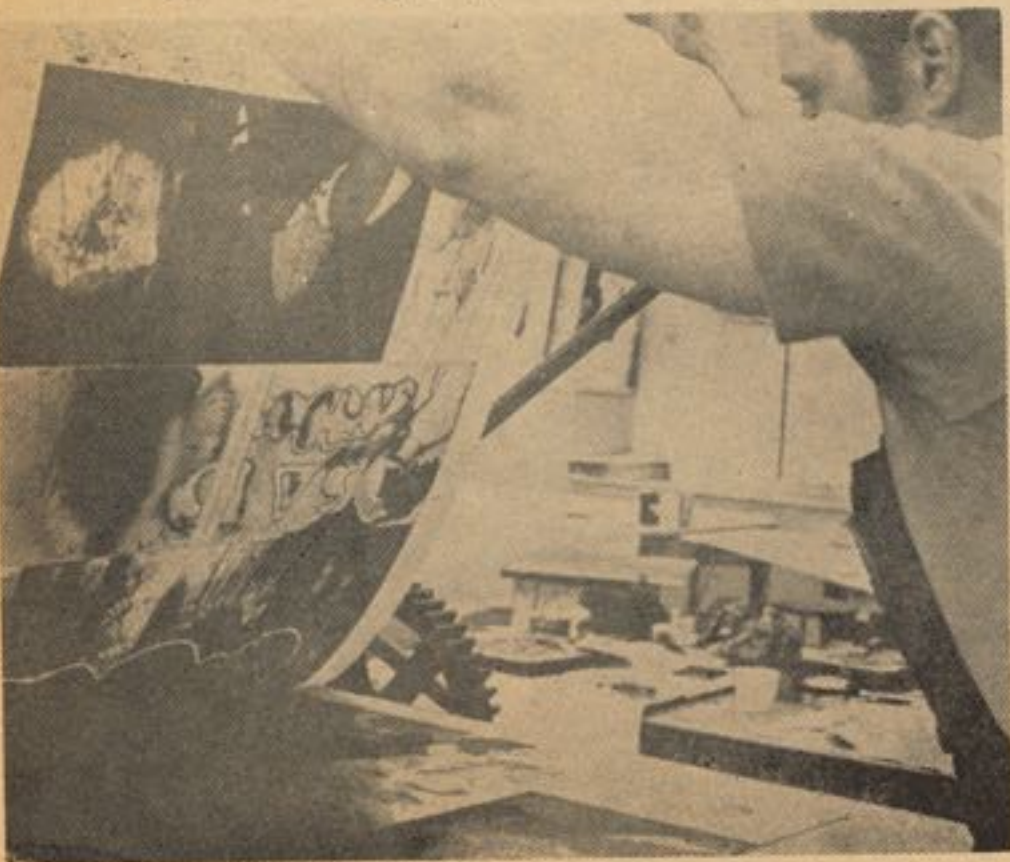
کرده بود (بالاخره اکتوری ، را شناختم که می تواند پس از مرگم جایم را بر کند) .

بگفته شماره دیگر فلم فیور دلیپ کمار در آوانیکه هنوز در «پنج گنی» مصروف تحصیلات بود روزی به سراغ کف شناسی رفته و از وی خواسته تا آینده اش را بگوید . کف شناس برایش گفته بود که تو در آینده (نت) مشهوری خواهی شد . دلیپ که هندی زانمی دانست محض کلمه نت را به خاطر داشته و در پونه بعضا به فکر کلمه نت میشد . تا اینکه روزی کسی که هندی میدانست نت را برایش «اکتور» - ترجمه کرده و سر انجام پیشگوئی کف شناس در مورد این جوان متعلم صدق می کند و شهرت آفاقی برایش بارمغان می آورد .

در یکی از مسابقات که فلم فیور تحت عنوان « اکتور مو فق و مورد نظر تانرا انتخاب نماینده برگزار نموده بود گذشته ازینکه دلیپ کمار با داشتن دو صدو یک رای از آشوک کمار که هشتاد و نه رای و راجکپور که چهل و هفت رای داشت جلو افتاد .

بقیه در صفحه ۵۱

چه دچاپ دهنر سره دخلکو دعلاقی اندازه ورخ په ورخ زیاتیری او دغه دهنر مندانا داسی بریا لیتو بونو ته امید لری چه تر خو پخوانیو کلونو پوری بی امکان نه درلود .



گرافیک دهنر

په پرله پسې ډول زیات مادی ارزښت ورکوي او هغه په لوړو بیو پلورې دهنغوی دآثارو چاپ دهنغو کورنیو دپاره دحل یوه لاره ده چه غواړي یو هنری اثر ولری ، هغه تحول چه په امریکی کښی دچاپ په هنر کښی د۱۹۴۰ کال نه را په دیخوا منځ ته راغلی دی ددی خانگی دزده کوونکو دیو زیات شمیر د زیاتوالی سبب شوی دی .

خوکاله مخکښی دگرافیک هنر یو زده کوونکی په پوهنتون کښی دزده کړی نه دخلاصیدو وروسته مجبور و چه خپل هنر دتجارتی او تبلیغاتی فعالیتونو په خدمت کښی کښیږدی ځکه خوک ددی خانگی اخیستوونکی نه و او دچاپ د قیمتو و سایلسو اخیستل هم دیو خوان دپاره غیر ممکن و او دخو اټرونو پلورلو چه دزده کړی په ترڅ کښی ترسره شوی هم امکان

سپورت های قدیمه یکتووع تر بیه روحی منظور بود که از آن نتایج بارز اخلاقی و ما دی بو جود می آمد. از گذشته های قدیم تا یک قرن قبل انواع سپورت ها از قبیل تیزه زدن، نیز اندازی، اسب سواری، سنگ انداختن، کوه نوردی، سرجه، یخمالک، پیاده رفتن، گردش های صبح و عصر، اقسام دویدن ها و شطارت های کشتی گیری، چوب بازی، شمشیر جنگی، و زن (باقیدار)



چهاره ورزشی

شاهلی عبدالله شکوری متعلم صفا ۱۱ و سرنیم باسکتبال لیس نادریه یکی از ورزش کاران خوب و با استعداد است که از آغاز فعالیت ورزشی استعداد و لیاقت خویش در باسکتبال نشان داده و همه را معتقد به این ساخته که آینده درخشانی در انتظار شراست و شاید با پشت کاری که دارد روزی از خوب ترین چهره ورزشی نه تنها در کشور حتی در منطقه و جهان گردد.

۲۰ سال عمر دارد ولی شطارتش او را خیلی بزرگتر از سنش مینماید.

عبدالله شکوری معتقد است که بازی های اجتماع خیلی خوب در میان مردم جامیگیرد نسبت به بازی های انفرادی.

همچنان ورزشکاران مارا که بایسن همه محدودیت و عدم موجودیت وسایل و شرايط خوب باز هم نوانسته اند چیزی از خویش سازند بدیده قدر دیده و آینده ورزش را بسوی کشور خیلی درخشان مینگرد.

در ورزش اخلاق و ورزشی را از همه مهم تر دانسته و آنرا در میان هم ورزشکاران آرزو دارد.

تورنمنت عارا اگرچه که بسیار کو چک هم باشد در امر بهتر شدن ورزش خیلی ضروری می یندارد.



شاهلی شکوری در میان سایر ورزشکاران

حیات اجتماعی و عنعنوی این قوم شاعدا این مدعا است و گذارشات چندین قرن نه این خاک نشان میدهد که علاقه به سپورت و عشق ورزش در این سر زمین از قرون قدیمه تا حال و از حال تا استقبال چیز طبیعی و جز و لا ینفک این قوم است همین علاقه ورزش و توجه به ادمان های مختلف و عشق بسلامت بدن بوده که نسل ساکنین این مرز بوم صحیح و مقاومت و ثبات شان در مقابل رزم از میان دنیا بالا تر از توصیف است و روح آزادی سلحشوری و صیانت نوا میس شانرا طوریکه شایسته مقام این خاک حریت پسند است حفظ نمود ساکنین قوی بنجه این خاک از خوردی تا جوانی و از جوانی تا پیری برای حفظ صحت و صیانت مقام هر دی روحا و جسما به سپورت های مختلفه و بازی های متنوعه که از یکطرف عنعنات قومی و ملی و از طرف دیگر روحیات افغانی دران تقویه و تنمیه می شد میا درت و وزیده اند و در سنایه جریانات سپورتی و حفظ الصحه بسا مسایل اجتماعی و عنعنوی خود را حما به میگردند.

سپورت در از منة قدیم و اجداد و نیاکان ما یکی از مسایل بزرگ اجتماعی و یکی از قوانین مهم حیات آنها بوده و هست. اطفال را از خوردی با انواع سپورت و بازیها و شطارت های جسمی و روحی تربیه می نمودند.

رئیس خا نواده برای پیشرفت سپورت تقویه و تنمیه و جود باقسام سپورت ها و بازی های اخلاقی تشبث می نمود روحا بزرگ مرد و بدن های عاطل را نکو هس مینمودند و برای جلو گیری از همچه روحیه جدا میگو شیدند در تمام بازی ها و

تاریخ سپورت معارف افغانستان

شاهلی آقا محمد بهار مدیر عمومی فنی ریاست المپیک و عده داده تابعه ازین مطالبی پیرامون تاریخ و رزش به این مجله بفرستد ما در حالیکه از ایشان تشکر میکنیم اینک او لیس مقاله شانرا تحت عنوان فوق به نشر می سپاریم.

ساکنین سر زمین سلحشور عقل سلیم در بدن سالم است اولتر و باستانی افغانستان از ادوار و بیشتر از همه در حیات اجتماعی قدیمه تا کنون به اهمیت و مقام و کنجوری خود تطبیق نموده اند. سپورت مطلع و این مقوله را که چنانچه تاریخ ادوار قدیمه و حال

ترینر تیم منتخبه کابل



شاهلی سانیکف

سانیکف در مقابل آنها بازی مینمود همیشه با ترس و هراس از دروازه محافظت میکردند هنگامیکه سانیکف در تیم ملی شوروی انتخاب شد پنج سال بعد از آن در تیم منتخبه اروپا که از جمله بهترین وزیده ترین فویتالست های ممالک اروپایی تعیین می گردد نیز انتخاب شده است.

مجله فرانس فویتال نام سانیکف راستاره فویتال شوروی گفته است سانیکف بعد از گذاره گیری از فویتال بعثت ترینر تیم ملی جوانان شوروی، کمک ترینر تیم «سپار تاک» ترینر تیم سپار تاک و همچنان مفسر ورزشی رادیو و تلویزیون ایفای وظیفه نموده است. سانیکف فعلا بعثت ترینر تیم ملی افغانستان

به کار ادامه میدهد.

اتحاد شوروی ازینچاهمین سالگرد تولد فویتالست مشهور خود و جهان در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ تجلیل بعمل آورد که مجله سپورتسی آن کشور در مورد چنین نوشته:

سرنوشت فاینل بین تیم دینامو کیف و تیم شوروی در سال ۱۹۴۴ توسط ضربه فیصله کن جوان ۱۸ ساله به اسم (سرگی) گویوچ سا (سانیکف) با تمام رسید. در نوامبر سال ۱۹۵۸ در مسابقه فاینل بین تیم دینامو کیف و تیم سپار تاک نیز ضربه کارنر سانیکف و گول نمودن ضربه مذکور و برمانی سپار تاک را تثبیت نمود سانیکف درین سال ۳۳ ساله بود. موصوف به همراه تیم منتخب اتحاد شوروی در مسابقات المپیک اشتراک کرده است سانیکف ۱۷ سال در تیم های مشهور اتحاد شوروی و تیم ملی آن کشور بازی های درخشان ارائه نموده است وی در شمار گول زنان مشهور شوروی ۱۵۱ گول به نفع تیم های خویش بیادگار دارد.

تخنیک فوق عالی و حرکات مجرب العقول آن با توپوی رادر زمره فویتالست های مشهور جهانی قرار داده است که هیچ وقت فراموش نمیشود. گولگیران تمام تیم های که

ازدوستستان

ارمغان عید

از: احمدجان (امینی)

عید است و در خیال تو تنها گریستم
یادم ز عید پار رسیدو کنار جو

منحصر به خود رسیدن آرایش و جو داشته
و ناشی از شرایط نسبتا همگون مادی زندگی
شان است و این موضوع نه تنها فو لکلور
مردم یک سرزمین بلکه از فو لکلور ملت ها
ناممل رادر بر میگردد. مثال این تواردمکانی
برجما (نلاش) با عنوان «جوا نوردو بیر»
است که در «کمکیا نوانیس» نشر شده و از
ادبیات مردم دلاوری است که خطر ناگهانی
بیرا به گواهی تاریخ چون بادام کاغذی در
هم شکسته اند و بقول اقبال کاروبه پایان
رسیده گمان نمی کنند و محتوای آن موضوع
داشتند آیدیکاره را که از ضرب المثل های مشهور
مردم ماست به خاطر میاورد .
مثال توارد زمانی شباعت داستان کو ر
اولو و بابک خرم دین است که در مقدمه
داستان عامیانه بهرنگ قفید و مرجع تقلیدی
نام (کور اولو و کچل خرمه) که از داستان
های جوانمردیست به آن اشاره شده .
ج.ف. ر

توارد
در ادب درباری موضوع عیست به معنوی
(توارد) و چه بسا که نام سرقت ادبی را
هم توارد میمانند . چنانچه در «تلاکسره
حسیتی» آمده که شیدا در اجتمی گفت :
ذات تو بود صحیفه کون که کرد
از رو ی ادب سپرخدا بر پشتت
ملایروز طریفانه گفت: هرگاه عاتقی
صدو پنجاه سال قبل این اشعار را از شیدا
دزدیده باشد تقصیر شیدا چیست ؟
نیوت راتولی آن نامه درمشت
که از عظمت آمد مهر بر پشت
و بدایه حال این گونه سرقتها که اصل شان
هم مقبول نیست : بقول شاعر:
وای بر آنکه زخود پیش گنهار شده
به گناه پدر خویش گرفتار شده
به حال توارد در ادبیات مردم باکیفیت

از: ملالی ملال عشق و خزان

آن روز های بهار !
آه ! که تو بعد ازین پائیز وزمستان بهار
زندگی داری .

ای تک درخت عشق من
ای بهارت مانند من خزان شده .

وقدت خمیده ..
بادیدن تو و برگهای خشکیده تو .
یک بار دیگر یاد آن روزها از قلبم جان میگیرد!

هدف معرفت :
تلاش آگاهانه انسان هابرای دگر گونی طبیعت و
جامعه نه تنها پایه و بنیان معرفت است بلکه
هدف معرفت نیز میباشد .
انسان از آرزو در شناختن جهان پیرامون
خویش میگوئد و به کاوش و بسررسی
قوانین تکامل آن می پردازد که از نتایج و
دستاوردهای معرفت خود در فعالیت عملی
بهره جویی کند و همواره از کشف ماهره
های درونی پدیده ها و پویو ستگی های قانون
مند آنها به سود کار و پژوهش انسانی
استفاده شد هاست .
فرستنده : تریا عادل الیاس
ژوندون

و تفکر انعکاسی است از شرایط مادی و
خارجی .
مغز تنها آنگاه نیروی اندیشیدن را دارد
که از جانبی شرایط تغییر بیوشمیک برای
خودش آماده باشد و از جانب دیگر دگرگونی
هایی از طبیعت و جامعه در آن انعکاس یابد
و این آشکار است که هیچ دگرگونی بدون
کار در طبیعت و جامعه صورت نمیگیرد .
کار سازندگی در تکامل معرفت انسان نقش
ارزنده بی دارد زیرا نه تنها انسان را از
سر پنجه تیره های سرکش طبیعت می رساند
بلکه ... به او توانایی آنرا میدهد که تیرد
های طبیعت را بخدمت خویش بگمارد .

پایه و بنیان معرفت

معرفت عبارت است از انعکاسی فعال جهان
عینی در مغز انسان سر چشمه
معرفت دنیای پیرامون انسان است . آدمی
کو حسا ران جنگل ها ، رود خانه ها و
سنارگان رامی نگرند . کرما و سرما و فروغ
خورشید را احساس میکند و آواز های
گونگون را می شنود اگر این پدیده ها که
در خارج از شعور انسان قرار دارند براو
تأثیر نمی کردند انسان از هیچ چیز
کو چکترین تصویری نمی داشت . بنسار
پرستان واقعیت عینی راسر چشمه معرفت
انسانی نمیدانند و به عقیده آنان انسان
نیروی آنرا ندارد که از راهای طبیعت را بکشاید
و پدیده های جامعه را بشناسد . واقع گرایانی
که پیش از سده نوزدهم زندگی میکردند و
معرفت را انعکاسی اشیا خارجی در ذهن
انسان میدانستند در راه از یاد افکندن بنای
بنیاد پرستی گام های استواری برداشتند
ولی با این هم اندیشه های آنان در باب جریان
معرفت با نارسایی ها آمیخته بود . آنها
معرفت را انعکاسی واقعت خارجی پاسیف
و غیرفعال میدانستند .

تلاش خلاق انسان ها برای دگرگونی طبیعت و جامعه بنیاد معرفت است :

برای اینکه معرفت در اثر اینگونه تلاش ها
پدید آمده و رویندگی و تکامل یافته است .
انسان این نخستین جانوری که ابزار
ساخت و از ابزار کار گرفت . از سپیده دم
پیدا شدن خویش ناگزیر با مسرت کار
میکرد و وسایل زندگی خویش را بدست
می آورد . او در جریان کار با نیرو های
سرکش طبیعت بر خوردار کرد و راه های
آن هارا بر خویش آشکار ساخت . تکامل
کار سازندگی خواستار دانستی های بیشتر
و بیشتر بود .
در همان روزگاران کهن انسان بشمارش
ابزار کار و فر آورده های کار خویش نیاز
داشت .
در اثر این نیاز معلومات ریاضی پدید آمد
انسان به آبیاری پرداخت . برای خویش
خانه و گاشانه برپا کرد . به آباد کردن
راه ها آگوشید . برای انجام دادن اینکارها
آگاهی از قوانین مکانیک لازم بود . این
نیازها معرفت انسانی را شگفتگی بخشید
و دانش ها پدید آمدند . بنا بر آن اندیشه

دید رو اندیشمند بزرگ سده هز دهم
مغز آدمی را همانند موم میدانست که اشیا
خارجی بروی آن نقش خویش را بچسباند
میکردند . این متفکران زنده بودن و فعال
بودن معرفت یابنده (انسان) را به شما
نمی آوردند . و بزرگ ترین لغزش آنان
این بود که نقش تلاش های آگاهانه انسان
هارا برای دگرگونی طبیعت و جامعه به
مثابه پایه و بنیاد معرفت درک نمی کردند
و بنا بر آن نمیدا بستند که معرفت رونق
نزدیک شدن تفکر به شی شناخته شده .
پوشی اندیشه از نادانی به دانایی و از نادانی
اندک به دانایی بیشتر است و با جاگزین
شدن اندیشه های نوبیجای اندیشه های کهن
به جلو می رود و بخش های تازه تری از
واقعیت را آشکار می سازد . آن هابه درک
این مسأله کامیاب نشده بودند که معرفت
از اتحاد و تقابل متضاد که با هم در کنار هم
پوسته با هم و در ستیزه با هم بسر میبرند
پدید می آید . در یکی از قطبین تضاد مغز
صفحه ۵۰

دلیپ کمار

کیست

درمیان نامه هایش نام پرسوز ، خانمی نیز که از لاهور فرستاده شده بود به چشم خورد که محتوای آن از عشق سوزان و اهدای قلب خونچکان خانم عاشق و دلباخته حکایت می کرد .

در سال های بعدی دلیپ مو فق بدریافت هفت جایزه بی بی در پی مجله فلم فیرگریده و بعد ها حتی صفحه در مجله فلم فیر افتتاح شده به اقتراح گذاشته شد که عنوان آن چنین بود (آخرین آرزوی دلیپ کمار چیست) که هزاران نامه مختلف در هر شماره آن از طرف رازان دلیپ باراره مجله میرسید و نباید فراموشی گردد که صفحه

مذکور همین حالا نیز تحت عنوان «بکس سوالات» از طرف آی اس جوهر اداره شده و به تغییر نام ادامه دارد .

دلیپ کمار که در دا خل و خارج هندوستان شهرت کافی دارد در این اواخر در کنار سایر به منزل خود شی واقع پالی هیل بمبی زندگی بی سر و صدایی داشته گاهی موسیقی کلاسیک هندی رازمه و نمرین می کند ، زمانی باتار های ستارشن سکوت رادر هم میشکند و بعضا هم به مطالعه آثار نویسندگان مورد نظرش چون (جیران خلیل جیران ، سوامی وو یو یک آند خودش را مصروف میگرداند .

دلیپ کمار که یگانه آرزویشی دایر کتر شدن بود ، دیگر معلوم نیست چرا از چشم نامه نکا را دوست دارانش کنار رفته است .

کجکی

منبع در اخیر گفت :

– فعلا دوتوربین برق در این پروژه تکمیل گردیده که هر یک ، ظرفیت تولیدی شانزده هزار و پنج صد کیلو وات برق رادارد .

توربین های این پروژه طسی مراسم خاصی افتتاح گردید و با افعال تمهید لین عمومی آن به مراکز هلمند و کندهار استفاده ، از انرژی برق کجکی در کشور آغاز می گردد .

محل دیگری در جوار این دوتوربین برای توربین سو می برق ، در کاسه بند کجکی تعیین گردیده ، که اعمار و بکار انداختن آن **حزرا پرو گرا** دولت است .

انسان بفرسختها دورگزیمیکند تنهافوتوگرافی آنها امکان پذیراست که آنهم باتوجه خاصی صورت میگیرد .

انگولا از طرف سیاح پو رنگالی در ۱۴۸۲ کشف گردیده و از اواخر قرن ۱۵ در مستعمره پرتگالی درآمد انگولاندر بحر اتلانتیک قرار گرفته به ولایت بزرگ قسمت یافته که بالترتیب به ۱۴ حکومتی تقسیم شده اند . اهالی این کشور رانگرو های تشکیل میدهند که بگروپ زبانهای بانتونسبت یافته اند در شمال غرب انگولا مردمان پکانگو در شمال شرق و اچوکوها و بلوندا و همچنین در انگولای مرکزی گروپ میوتو حیات بسر میبرند . بر علاوه یک قسمت اهالی انگولا را طایفه پوشمنها در بر گرفته است طوریکه قبلا ذکر شد جمعیت سیاهیوست انگولا از رهگذر حقوقی به گروپ عالی و اوسط قسمت یافته اند که در گروپ اول آنهده اشخاصی شامل اند که از طبقات بلند نیگرو ها محسوب شده تابعیت را دارند یگانه شرایط داخل شدن در گروپ اولی همانا دانستن لسان مکمل پرتگالی و دارایی کافی که تعداد آنها قلیل است برخلاف در گروپ دوم متبانی تماما افراد کشور انگولا دخیل اند .

از رهگذر اقلیم انگولا در حوضه اقلیم استوایی حساب میشود زمستان در انگولا برابر بتابستان کشورهای شمالی بوده ، خشک ترین وقت سال در آنجا میباشد که درجه حرارت وسطی ماهانه به ۱۵-۲۰ درجه سانتی گراد میرسد برخلاف تابستان این کشور که مصادف بزستان وطن مامیشود فصل بارانی این کشور بشمار میرود . انگولا از رهگذر صنایع شعیف بوده و اقتصاد آن از طرف سرمایه های خارجی مخصوصا پرتگال رهبری میشود .

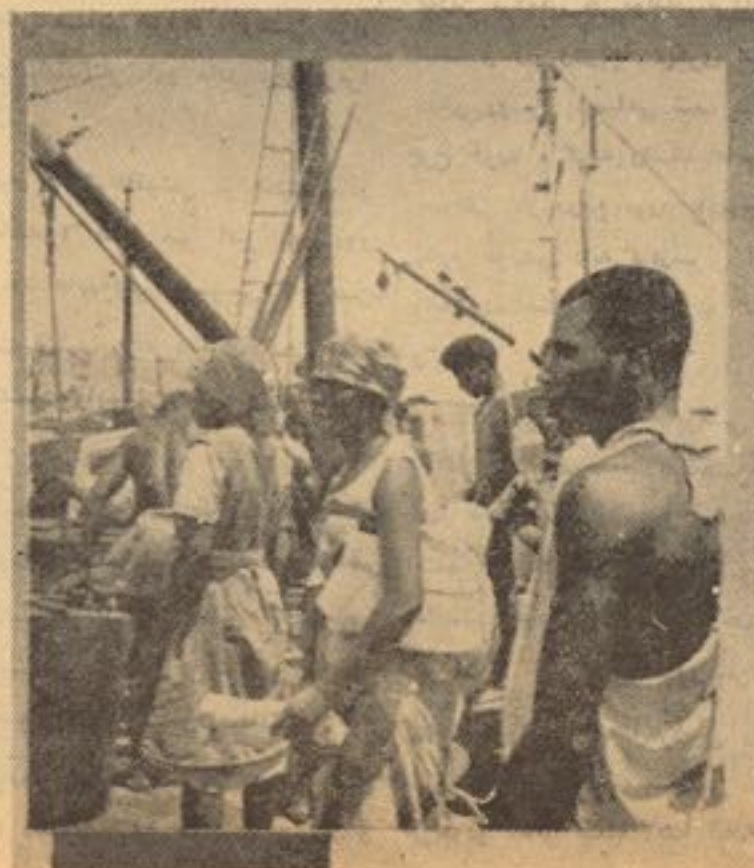


اطلاعات و کلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی
مدیر مسؤل نجیب رحیق
معاون: بیقله راحله راسخ
مبتمم: علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر رئیس تحریر ۲۶۹۴۵
تلفون منزل رئیس تحریر ۲۲۹۵۹
تلفون دفتر مدیر مسؤل ۲۶۸۴۹
تلفون ارتباطی معاون ۱۰
تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰
سو چورود ۲۶۸۵۱
مدیریت توزیع ۵۹
آدرس: انصاری و ام
وجه اشتراك:
درداخل کشور ۵۰۰ افغانی

درندهای نیز در داخل جنگلهای آنجا و پرندهگان ملون و خوش خوان در فضای آن در پروازاند . خزندگان خطرناکی از قبیل مارها ، کژدم های صحرائی در میان بته های آنجا وافر دیده میشوند که صرف توسط موتراهای جیب ویا لنداور گردش در داخل آن امکان پذیر است در غیر آن خطر جانی حتمیست فیلهای وحشی دسته دسته در این پارک در گردش اند . حیوانات این پارک در موسم سرما مناطق عمیق پیچیده ای را انتخاب و در موقع گرمای شدید از چترهای درختان عکاسی استفاده کرده دسته دسته دوزیر سایه سردرخت دیده میشوند این حیوانات بصورت عموم وحشی بوده از دیدن

از بین میروند ولی یک باران عادی کفایت میکند تا بچغان نبات و حیوان این سر زمین حیات دوباره بخشید . بهترین موقع گشت و گذار در جنگلهای پارک ملی انگولا صبح صادق است چه بادلایم بحری وزیده و شعاع آفتاب بالای درختان و کوههای آن رنگهای مقبولی را ایجاد میکند هنگام گرمای شدید حیوانات ، پارک را ترک و به محلات بومی آنجا نز دیک میشوند . یکی از خصایص بومی های گرد و نواحی جونا اینست که برای حیوانات این پارک با آنکه خطرات جانی از طرف آنها متصور است اندکترین صدمه ای نمیرسانند بر علاوه حیوانات خوش رنگ و زیبا حیوانات وحشی و



زنان انگولا مانند مردان در کارهای سنگین اشتراک می ورزند .

انگولا

است . توریست های که آرزوی دیدن این پارک را داشته باشند تعداد آنها معین و محدود میباشد زیرا دخول در این پارک اجازه نامه مخصوصی را ایجاب میکند . جنگلهای افریقا بصورت عموم تقریبا هموار بوده یگان ته مک عادیان آن دیده میشود ولی منظره جنگلهای انگولا مختلف و همه یک سان دارای وضعیت اراضی نمیشاند کوهها اینجا کتر برنگهای نسواری و یابادنجانی ، جلگه ها و میدانهای آن دارای رنگهای شیرجایی رنگ آمیزی شده اند که در بین آن چتر های سبز عکاسی نمو کرده است سبزه و علف زار های آن دارای رنگهای زرد مایل و یانسواری کمالی رادر اثر شعاع و حرارت آفتاب را بخود گرفته اند این زیبایی های طبیعت را کتر میتوان در سایر نقاط جهان سراغ کرد برآستی این رنگها و ساختمان های اراضی چشم بشر را معوجمال خویش مینماید . پارک ملی (جونا) از سه قسمت تشکیل یافته که به امتداد ساحل اقیانوس کمربند عریضی ساحه ریکی و سنگلاخ دیده میشود که در بعضی حصص رنگهای متحرک ممکن است در اثر اندک اشتباهی بحیات انسان خاتمه دهد که میتوان در اینجا انواع آهوان خوش چهره (اوریکس) و حیواناتی را که میتوان برای مدت درازی بدون آب حیات بسر برند برخوردار .

بصورت عموم بین این ناحیه زیبا ، کوهستانات و مناطق هموار آن از رهگذر مناظر طبیعی فرق فاحشی مشاهده کرد در مواقع خشک و کم آب حیوانات و نباتات آهسته آهسته

قصه ای از غصه ها

تفطیم از مریم محبوب

صحبت کردم از بی علاقی ام از نفرتش با آن مرد برایشان گفتم اما آنها حسرت و یکر زبان می گفتند :

تو مجبوری با نا مزدمت عروسی کنی. اواز سابق وزمانیکه کو چک بودی نا مزدمت تو بود. حالامیخواهی آبروی ما را ببری .

التماس آمیز برایشان گفتم :
اخرا وزن و طفل دارد او بیبر است. از خودم زستر است من چگونه میتوانم با او زندگی کنم .

سلی پدر بدهم فرود آمد و دهنم را بست .

گریه ها و تضرع هایم بر دل سنگ شان بر اثر ماند . نامزدیکه پدر و مادر برایم انتخاب کرده بودند، مرتب به منزل ما می آمد از من دعوت میکرد تا رفقا پیش سینما و گردش بروم ، و قبحانه از من میخواست تا به هر خواسته کثیف اون در دهم که من اهل این کار ها و خواسته نبودم . متاسفانه هر فهای بی دریبی ام در این مورد ، نتوانست پدر و مادرم را برداینکه این مرد برایم چیده بود واقف بسازد ، آن ها خوشیاورانه از من می خواستند تا مطیع و فرمانبردارش باشم اگر خواسته اش را عملی نمی کردم شدیداً به مثل حیوان درنده و وحشی به جان من می افتادوندا قدرت به بدن داشت کتکم میزد ، باور کنید کاسه صبرم لبریز گردیده بود از زندگی نکتت باریکه دانستم بستوه آمده بودم ، کلمات زستی و کثیفی که هر لحظه از دهن این مرد برای زجر دادن من می برآمد ، چون تیبری بیش نبود . آن مردیکه به من علاقه مند بود ، بار ها از من خواست تا با او فرار کنم ، ولی ترس و وحشت از ایندند گنگ و میبهمی که عنقریب به سرانجام می آمد ، مرا از انجام این کار باز میداشت گرچه او صحیما نه مرا دوست داشت و بی غرضانه برایم اظهار محبت و دوستی می نمود ، ولی باز هم می ترسیدم .

گریه ها و تضرع هایم بر دل سنگ شان بر اثر ماند . نامزدیکه پدر و مادر برایم انتخاب کرده بودند، مرتب به منزل ما می آمد از من دعوت میکرد تا رفقا پیش سینما و گردش بروم ، و قبحانه از من میخواست تا به هر خواسته کثیف اون در دهم که من اهل این کار ها و خواسته نبودم . متاسفانه هر فهای بی دریبی ام در این مورد ، نتوانست پدر و مادرم را برداینکه این مرد برایم چیده بود واقف بسازد ، آن ها خوشیاورانه از من می خواستند تا مطیع و فرمانبردارش باشم اگر خواسته اش را عملی نمی کردم شدیداً به مثل حیوان درنده و وحشی به جان من می افتادوندا قدرت به بدن داشت کتکم میزد ، باور کنید کاسه صبرم لبریز گردیده بود از زندگی نکتت باریکه دانستم بستوه آمده بودم ، کلمات زستی و کثیفی که هر لحظه از دهن این مرد برای زجر دادن من می برآمد ، چون تیبری بیش نبود . آن مردیکه به من علاقه مند بود ، بار ها از من خواست تا با او فرار کنم ، ولی ترس و وحشت از ایندند گنگ و میبهمی که عنقریب به سرانجام می آمد ، مرا از انجام این کار باز میداشت گرچه او صحیما نه مرا دوست داشت و بی غرضانه برایم اظهار محبت و دوستی می نمود ، ولی باز هم می ترسیدم .

بلا خره اوهم از من بستوه آمد و ظالمانه از من روی برتافت و برایم گفت :

من زیاده از این نمیتوانم باتو باشم ، برو بانا مزدمت عروسی کن .

آخرین امیدم ، بر باد رفت و من که بر خود به این مرد دل خوش بودم ، درمانده تر از سابق در خلوتگاه تنهایی خویش بر این درد زیاد تر نالیدم و فراوانتر اشک ریختم هستیم را در برابر طوفانی دیدم که آرام آرام می لرزد و از پامی افتد ، هرچند به خود تلقین می کردم که مجبورا باید باین مرد بسازم ، ولی چهره ای خشن آن ، حرکات زست و ناشایسته آن ، و مهمتر از همه ظلمیکه پدر و مادرم در حق من روا داشتند

نامزد شوم ، وقتی این موضوع را همراه پدر و مادرم در میان گذاشتم ، باخنده های تمسخر آمیز و نگاه های پراز تعجب شان مواجهه گردیدم ، ولی باز هم خواستم که به این کار موافقه نمایند ، اما آن ها ظالمانه از این کار جلوگیری کردند ، فقط میگفتند :

تو نامزد داری لازم نیست با مرد دیگری عروسی کنی .

من درمانده تر از سابق متحیر و پریشان نمی دانستم که این نامزدم کیست و چکاره است هر چند برای پدرم التماس میکردم ، ولی او جز سکوت چیزی دیگری نمیگفت .

مادرم میگفت که من نامزد دارم ، تا اینکه چندی قبل زمزمه فضای منزل ما را پر ساخت و محفل شیرینی خواران بر پا گردید . باور کنید تا روز شیرینی خوری من اصلا نمی دانستم که نامزدم کیست ؟

بالاخره با مراد زندگیم برخوردیم ، او را دیدم با همان اولین برخورد ، تنم از دیدنش لرزید نگاه های مشکوک اش سراپاهم را داغ ساخت .

آخرین کسی بود که من زنی شدم ؟ چکاره بود ؟

باور کنید نصی دانستم ، همه به ضم خود ، به محفل شیرینی خوری رفصیدند و پاکویی کردند ، همه می خندیدند ، و مبارکباد میگفتند ، ولی در این میان من بودم که بر گور سردار زوهایم آرام آرام میگریستم و اشک میریختم

من که زست بودم ، حق انتخاب همسر آینده نیز از من سلب شده بود ، بالاخره دانستم که این مردیکی از پولدار ترین رفیقان پدرم است و زن و دو بیچه دیگری هم دارد ، و ای که دنیای روشن به سیاهی شب مبدل گشت سرم چرخ خورد ، گریه و اشک امانم نداد .

وقتی باز درین مورد با پدرم صحبت کردم ، پدرم خونسر دانه تر از سابق اولسانه هایش را بالا انداخت بعد بادی به گلویش گرفت و گفت :

فقط تو میتوانی با پولتس زندگی کنی ؟ بلی این پدرم بود که چنین حرفی برایم زد فقط او بول میگفت و بول ... حیات و زندگی آینده ام برایشان مطرح نبود . بالا خره دانستم که چه دامی برایم چیده اند . هنوز چند روزی از شیرینی خوری من سپری نشده بود که خواستند محفل عروسی را بر اهینه اندازند این جلازم بود که من تلاش می کردم و جدال می نمودم ، تا بر نقشه ای که قبلاً کشیده بودم بیروز شوم ، معقولانه بار دیگر باید پدر و مادرم را از این عمل باز بدارم .

چقدر من نیاز داشتم تا آغوش پر محبت مادر برویم باز باشد و خنده مهر آمیز پدر دور کننده ای درد هایم ، ولی افسوس که این دو خود باعث آن شدند که دیگران از من روی برگزینند و کلمات ناپسند و زست نشامد نمایند .

شاید تعجب کنید که اگر بگویم گرچه زست و بدقیافه بودم ، هفت ماه قبل مردی عاشقم شد ، این مرد بیش از حد با من اظهار محبت می کرد ، من که تشنه محبت و دوستی بودم ، بی الا بشانه بسویش تافتم ، و صمیمانه از او استقبال کردم ، اوهم بی دریغ دوستی اش را بر من روا داشت ، از من خواست پدر و مادرم را از او بیگانه سازد تا اجازه دهند مادرم با هم

کرده اند ، حق زندگی کردن را نداشته باشم ، چون زستم ، صورتهم برابرله است و همیشه باعث انزجار دیگران است .

باور کنید از زمانیکه خود را شناختم ، به این درد عظیم پی بردم بارها تصمیم گرفتم که خودکشی نمایم ، تحمل نگاه های که صد چند بر این درد می افزایند ، برای من باقی نیست ، جز گریه کردن و نالیدن کاری ندارم

میگویند وقتی کوچک بودم ، بد تم را چیچک گرفت در اثر کم توجهی پدر و مادرم داغ هایش بصورت من ماند که اکنون این لکه ها و داغ ها بزرگترین درد بر منست .

فامیل ما دارای چهار فرزند است که بزرگترین همه ، آن ها من می باشم و لسی بدبختترین شان .

مادرم آنطور یکه بر فرزندان دیگرش توجه دارد لفظی به اندیشه من نیست ، پدرم آن چنانکه همیشه بر فکر ترتیب دادن پارتی برای فرزندان کوچکترش است . به حال من نیز توجهی ندارد ، حتی بعضی اوقات ، خواهرم به نسبت زستی صورت از من می خواهد تا به پارتی هایش حصه بگیرم .

و من که کشنده ترین دردها نصیب شده ام بر بسا کر دن چنین محفلها محروم میم و مهمتر یں چیزیکه مرا از حذر یاد رنج میدهد نداشتن دوست است ، آخر با این صورت زستم کی میخواهد ، با من دوست شود ؟ کی میخواهد با من درد دل کند و ...

وقتی مکتب بودم ، همصنفان همه از من کناره گیری می کردند ، همه بایسک آواز ابله رو و چیچکی صدا میزدند ، وقتی منزل می آمدم حرفهای تلخ آور مادر و خواهر مرا از پامی افکند .

چقدر من نیاز داشتم تا آغوش پر محبت مادر برویم باز باشد و خنده مهر آمیز پدر دور کننده ای درد هایم ، ولی افسوس که این دو خود باعث آن شدند که دیگران از من روی برگزینند و کلمات ناپسند و زست نشامد نمایند .

شاید تعجب کنید که اگر بگویم گرچه زست و بدقیافه بودم ، هفت ماه قبل مردی عاشقم شد ، این مرد بیش از حد با من اظهار محبت می کرد ، من که تشنه محبت و دوستی بودم ، بی الا بشانه بسویش تافتم ، و صمیمانه از او استقبال کردم ، اوهم بی دریغ دوستی اش را بر من روا داشت ، از من خواست پدر و مادرم را از او بیگانه سازد تا اجازه دهند مادرم با هم

را مقصر ندانید ، او را نیز ملامت نکنید چون او عادتش بود که رام بسازد و بعدرها نماید .

اما من که تشنه محبت بودم ، من که در بند بدبالی انسانی بی طماع میگشتم ، خواستم ناسیراب کردم ، به این اندیشه نتا بنده بسویش رفتم ، برق نگاهش بر اینم نیسرو بخشید ، عقب لبش لبخند زنان مرا پذیرفت ، همیشه نجواکنان در گوشم میخواند :

... یا ... یا ... باتو میخوام باشم ، فقط بانو .

اما ... بازی سر نوشت ، عجلولانه با من در آمیخت و من که تازه لذت دوستی را چشیده بودم ، دریافتیم که درجه پرتگاهی افتاده ام .

حالا که میخواهم این نامه را برایتان بنویسم درماندگی بیش نیستم ، دست تضرع بسوی شما دراز میکنم و اشک آلود از شما راه نجات میخوام ، شاید شما بتوانید در این راه راه کمک کنید .

از زمانیکه این زهر مسموم کننده به سرانجام آمد شش ماه زیاتر سپری نمی گردد ، در این مدت جز سوختن و ساختن چاره نیست ، چندین مرتبه تصمیم گرفتم که خود را بکنم ولی ندای وجدان منحرفم ساخت و به من گفت : شهادت داشته باش ، دنیا آنقدر کوچک نیست :

ولی حالا که می بینم ، دنیا کو جگر از آن است که مرا بتواند در خود جای دهد ، همه از من گریزان و فراری ، و خودم غرق در کثافت و لجن ، ناخود آگاه نفس میکشم و ایس نفس کشیدن ها زیانده بی درد دیگریست بر درد های من .

من زستم ، صورتهم برابرله و معلولاز چیچک است ، ولی این که من زستم ، و بدقیافه ام تقصیر من نیست .

من چرا باید طعنه شنو دیگران باشم . و همیشه از نگاه های گریزان و نفرت بار دیگر ان استقبال نمایم ؟ چرا همیشه باید با کلمات رکیک و درشت پدر و مادرم و خواهر و برادر مواجه باشم و حرفهای نا هنجار شان تیر دیگری بر زخمم جگرم باشد ؟ ایام حق ندارم زنده بمانم و چون دیگران از همه مزایای زندگی مستفید ؟

اما من حق ندارم ، خواستدار محبت پدر و دست نواز شکر مادر باشم ؟ شاید به نظر آنانیکه در اطراف من ازسالیان درازی مردم آمده اند و خود را اقوام و خویشم معرفی

میگویند وقتی کوچک بودم ، بد تم را چیچک گرفت در اثر کم توجهی پدر و مادرم داغ هایش بصورت من ماند که اکنون این لکه ها و داغ ها بزرگترین درد بر منست .

فامیل ما دارای چهار فرزند است که بزرگترین همه ، آن ها من می باشم و لسی بدبختترین شان .

مادرم آنطور یکه بر فرزندان دیگرش توجه دارد لفظی به اندیشه من نیست ، پدرم آن چنانکه همیشه بر فکر ترتیب دادن پارتی برای فرزندان کوچکترش است . به حال من نیز توجهی ندارد ، حتی بعضی اوقات ، خواهرم به نسبت زستی صورت از من می خواهد تا به پارتی هایش حصه بگیرم .

و من که کشنده ترین دردها نصیب شده ام بر بسا کر دن چنین محفلها محروم میم و مهمتر یں چیزیکه مرا از حذر یاد رنج میدهد نداشتن دوست است ، آخر با این صورت زستم کی میخواهد ، با من دوست شود ؟ کی میخواهد با من درد دل کند و ...

وقتی مکتب بودم ، همصنفان همه از من کناره گیری می کردند ، همه بایسک آواز ابله رو و چیچکی صدا میزدند ، وقتی منزل می آمدم حرفهای تلخ آور مادر و خواهر مرا از پامی افکند .

چقدر من نیاز داشتم تا آغوش پر محبت مادر برویم باز باشد و خنده مهر آمیز پدر دور کننده ای درد هایم ، ولی افسوس که این دو خود باعث آن شدند که دیگران از من روی برگزینند و کلمات ناپسند و زست نشامد نمایند .

شاید تعجب کنید که اگر بگویم گرچه زست و بدقیافه بودم ، هفت ماه قبل مردی عاشقم شد ، این مرد بیش از حد با من اظهار محبت می کرد ، من که تشنه محبت و دوستی بودم ، بی الا بشانه بسویش تافتم ، و صمیمانه از او استقبال کردم ، اوهم بی دریغ دوستی اش را بر من روا داشت ، از من خواست پدر و مادرم را از او بیگانه سازد تا اجازه دهند مادرم با هم

را مقصر ندانید ، او را نیز ملامت نکنید چون او عادتش بود که رام بسازد و بعدرها نماید .

اما من که تشنه محبت بودم ، من که در بند بدبالی انسانی بی طماع میگشتم ، خواستم ناسیراب کردم ، به این اندیشه نتا بنده بسویش رفتم ، برق نگاهش بر اینم نیسرو بخشید ، عقب لبش لبخند زنان مرا پذیرفت ، همیشه نجواکنان در گوشم میخواند :

... یا ... یا ... باتو میخوام باشم ، فقط بانو .

اما ... بازی سر نوشت ، عجلولانه با من در آمیخت و من که تازه لذت دوستی را چشیده بودم ، دریافتیم که درجه پرتگاهی افتاده ام .

حالا که میخواهم این نامه را برایتان بنویسم درماندگی بیش نیستم ، دست تضرع بسوی شما دراز میکنم و اشک آلود از شما راه نجات میخوام ، شاید شما بتوانید در این راه راه کمک کنید .

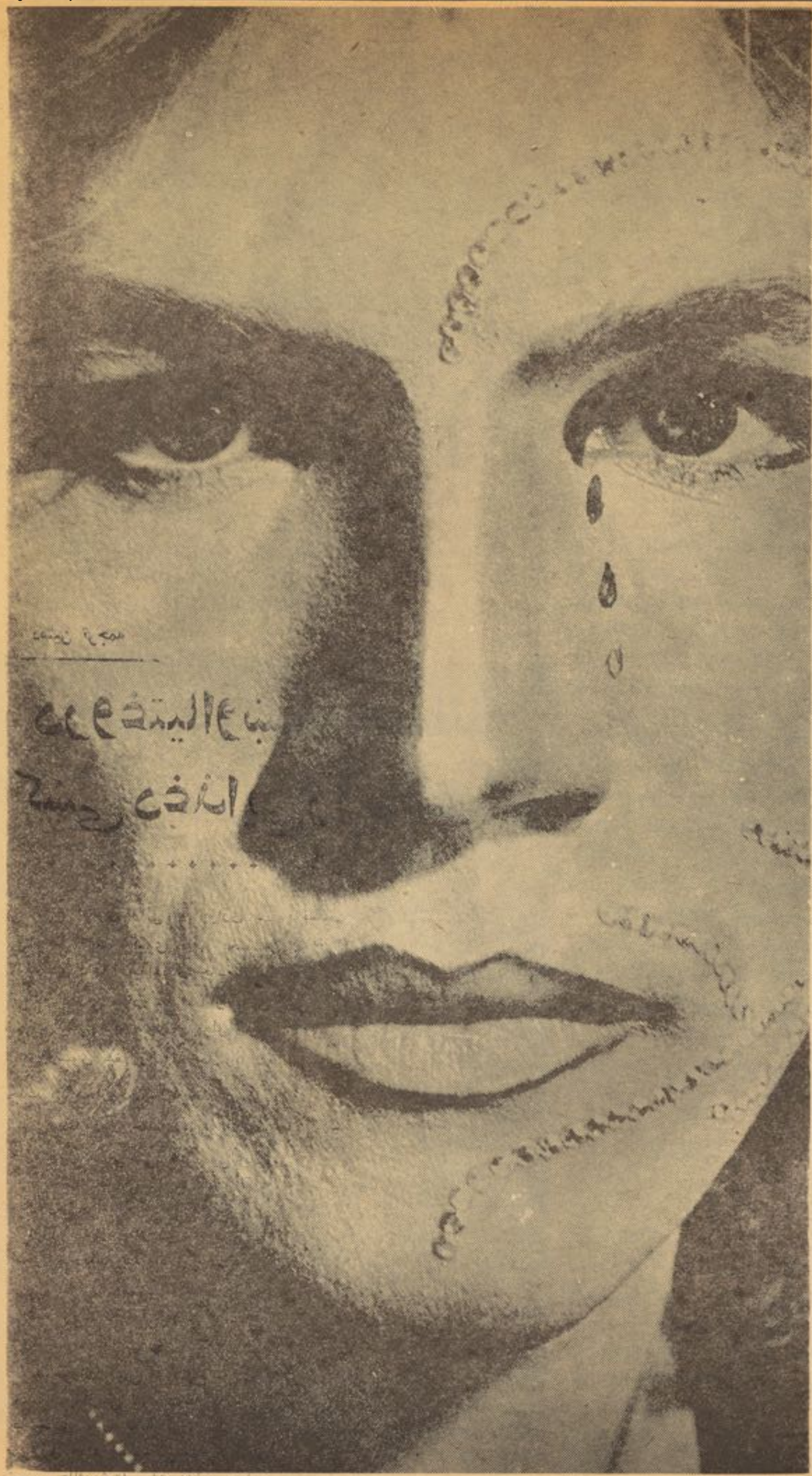
از زمانیکه این زهر مسموم کننده به سرانجام آمد شش ماه زیاتر سپری نمی گردد ، در این مدت جز سوختن و ساختن چاره نیست ، چندین مرتبه تصمیم گرفتم که خود را بکنم ولی ندای وجدان منحرفم ساخت و به من گفت : شهادت داشته باش ، دنیا آنقدر کوچک نیست :

ولی حالا که می بینم ، دنیا کو جگر از آن است که مرا بتواند در خود جای دهد ، همه از من گریزان و فراری ، و خودم غرق در کثافت و لجن ، ناخود آگاه نفس میکشم و ایس نفس کشیدن ها زیانده بی درد دیگریست بر درد های من .

من زستم ، صورتهم برابرله و معلولاز چیچک است ، ولی این که من زستم ، و بدقیافه ام تقصیر من نیست .

من چرا باید طعنه شنو دیگران باشم . و همیشه از نگاه های گریزان و نفرت بار دیگر ان استقبال نمایم ؟ چرا همیشه باید با کلمات رکیک و درشت پدر و مادرم و خواهر و برادر مواجه باشم و حرفهای نا هنجار شان تیر دیگری بر زخمم جگرم باشد ؟ ایام حق ندارم زنده بمانم و چون دیگران از همه مزایای زندگی مستفید ؟

اما من حق ندارم ، خواستدار محبت پدر و دست نواز شکر مادر باشم ؟ شاید به نظر آنانیکه در اطراف من ازسالیان درازی مردم آمده اند و خود را اقوام و خویشم معرفی



مرا گریزانتر از نامزدم می ساخت. بالاخره باجرات تمام آخرین تصمیم را عملی ساختم در یکی از شبها مقدار داروئی را که قبلاً آماده کرده بودم سر کشیدم و به امید این که شاید به زود ترین فرصت مرگ به سراغم بیاید به بستر افتادم، ولی از آن جایکه هنوز بد بختی هایم تمام نشده بود مرگ از من روی برگرفت و من بعد از چندی دوباره سلامتی ام را بازیافتیم حالا می بینم که نامزد و پدر و مادرم شدیداً از من مراقبت میکنند. به مثل مجرمین تنها و شر منده از کاریکه کرده ام در گوشه ای از اتاق افتاد آم، میخواهم که شما مرا منصرف و علامت نکنید آنانی را که مستقیم به این بدبختی من حصه داشته اند علامت نمایند. و حالا که این نامه رو به تمام است آخرین تصمیم را نیز گرفته ام. شاید بنظر شما باز کار احمقانه ای را انجام بدهم، ولی می بینم که روز بروز حلقه بر من تنگتر میشود، میخواهم به میرم، میخواهم این حلقه های که سخت دست و پایم را به هم بسته اند، رهایم سازند. فقط شما بگوئید هر چه زودتر نامه ام را به چاپ برسانید و آنطوریکه خودم از واقعیت ها پرده برداشته ام، شما هم عین آنرا در صفحه قصه ای از قصه ها انعکاس دهید، من بی صبرانه به انتظار پاسخ شما به سر می برم، فقط همین!

ف. ع. کریمی

خواهر!

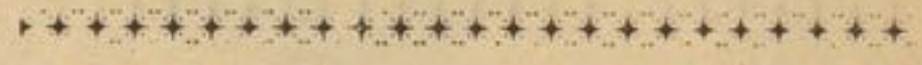
بگوئید که شتاب نکنید، زندگی آنقدر هم سهل نیست که شما پندارش کرده اید. پهلوی های زندگی هر کدام دارای فراز ها و نشیب هاست. خوشبخت آنکه پیروز مند و باحوصله فراخ این همه پستی و بلندی را طی کند.

می بخشید شما کودکان سخت دوتلاشید نارسته حیات تا آنرا قطع کنید و درسید که از نا ملامت زندگی فرار نمائید، که این چنین دوش، پیروزی در پی نخواهد داشت. دوست عزیز!

میگویند گذشته آینده را بی ریزی می نماید شما بگوئید که از این همه تجربه آینه سده روشنی را برایتان پیش بینی نمائید این که شب و روز در فکر خود گسی وقتل نفس باشید، نشان دادن این همه ضعف و پستی اراده گی، بالاخره شما را از پا خواهد انداخت بهتر است معقول فکر کنید و بادلا یل منطقی صمیمانه بپدر و مادر تان در مورد نامزدتان صحبت نماید اگر موفق نشدید، قانون باشماست.

به امید پیروزی تان

دروغتیا او بنکلا په ساتنه کېښی دغذایی رژیم اغیزه



تنوع اونوی والی نه یوازی د ژوند مزه بلکه کپری بلکه پخپله ژوند دی دا هغه پیغام دی چه دخوراک کی او غذایی موادو ما هرا ن بهدی ورځو کېښی هڅه کوی چه ټولو خلکو ته یی ورسوی هغه رژیمونه چه زیات خلک یی دخان دپاره په نظر کېښی نیسی دغه ډول خلک دومره پخپل خان مشغول ساتی حتی دا خبره یی له یاده ووځی چه دغذایی تنوع څخه لکه چه لازمه ده برخورداره شی.

او ورو، ورو خلک دی ته متوجه کپری چه دبیلو بیلو غذایی موادو څومره خوړل دهغوی دروغتیا په ساتنه او څرنگوا لی کېښی اغیزه لری.

په خوراک کېښی له تنوع نه کار اخستل یوازینی لاره ده چه دا خبره تضمینوی بدن ته په پوره اندازه ضروری مواد رسید لی شی، یوزیات شمیر خلک شته چه دغذایی موادو په نسبت ضد اونقیض معلومات لری او په نتیجه کېښی نه شی کولی چه د خان دپاره یوسم غذایی پروگرام جوړ کوی.

کانی مواد چه دبدن دروغتیا په ساتنه کېښی لوی لاس لری تر څو کاله دمخه پوری لکه څنگه چه لازمه وه نه و پیدل شوی، ددغو موادو له جملی څخه یی ځینی په ډیره لږه اندازه دپرتیا وړدی په دی ډول چه حتی دهغو داندازه کولو کار گران بریښی خود هغو بیخی نشتوا لی انسان ته ډیری ناوړه نتیجی متوجه کوی.

دمثال په ډول یدو فلورا ید د هپوکو او غابنونو دپاره خورا زیات ارزښت لری او له همدی کبله یدود مالکی سره گډ وی او فلورا ید په اوبو کېښی اچوی، وسپنه دهغو کانی موادو له جملی څخه ده چه دبدن دپاره زیاته گټه رسوی خو

په شمیر خلک دنشتوالی له امله خورپری، معمولا ځوانو ښځو او پیغلو ته دزیاتی وسپنی دلکښت سپارښت کپری څو که چیری غذایی رژیم په پوره ژورتیا او تنوع سره برابر شی دوسپنی لگښت به په پوره اندازه تضمین شی.

دکانی موادو او په عامی ډول دغذایی موادو سمه اندازه دبدن دروغتیا په ساتنه کېښی ارزښت لری او بیا هم باید وواویو یو غذا یی رژیم چه ډول ډول غذایی مواد ولری کولی شی چه د هغی ضما نت وکوی کله کله دیوی مادی څخه زیات ته استفاده کول دویښی دزیات فشار او یا په وینه کی دکلسترول دزیاتوالي په څیر ناآرامی منځ ته راوړی ځینی شیان چه تاسی یی په سادگی سره خوری که چیری زیات وخورل شی امکان لری نه یوازی ضرر ولری بلکه دبدن دپاره مسمومیت تولید وی که چیری هره ورځ زیات نخود وخورل شی پښی له کاره غورځوی اودغه حالت په هند کی زیات لیدل کپری هر څومره چه غذایی رژیم له تنوع څخه برخورداره وی په هماغه اندازه ددغه ډول نارو غیسو دمنځ ته راتللو امکان کمپری.

کلسیم دهغو موادو له جملی څخه دی چه په آرامی سره دپرتیا داندازی نه زیات بدن ته ورسپری هر څوک اوبه تیره بیا هره هغه ښځه چه عمر یی له څلویښت کلنی څخه تیر شوی وی باید دی مو شروع ته زیات ارزښت ورکوی.

کلسیم دزړه، دویښی دجر یا ن اود هپوکو دکار دښه والی دپاره ضروری دی البته دهغو کو ځینی نارو غی چه دکلسیم په نشتوا لی پوری اړه لری کله کله دیو شمیر ډاکترانو دشرک اوتردید وپ گری اونه شی کولی چه په سلو کېښی سل دهغه په باب قضاوت وکوی که چیری کلسیم دبدن له اړتیا نه زیات ولگول شی د بدن په سلو لو نو کېښی زیرمه کپری دوه گډ لاسه شیدی کولی شی چه دبدن دورځنی اړتیا دکلسیم سرود ډریو برخو نه دوی برخی تا میسن

کپری او که چیری پاتی رژیمه برخه دنورو خوراکو نو له لاری تا میښی کفایت کوی. له ټولو موادو څخه چه زیات ضرر لری هغه سدیم دی چه دزیاتی مالکی دخوړلو له لاری بدن ته ننو ځی، دلپری مالکی خو ډل په بدن کېښی دلپرو اوبو د جذبولو سبب کپری اوبه عامی ډول دبدن دروغتیا په ساتنه کېښی اغیز مندی په عامی ډول هر سږی لسه دوو چنډو څخه تر دریو چنډو پوری هغه مواد خوری چه ورته په کاردی، یو شمیر نور دویتا مین لرو نکو ټابلیتو نو دخوړلو سره دومره عادی شویدی چه فکر کوی دویتا مین د ټابلیت نه پرته به د هغوی روغتیا دخطر په کنده کېښی ولویږی خوباید وواویو چه آیا واقعا تاسی دغو ټولو ویتا مینونو ته اړتیا لری؟ که چیری دغذایی موادو بیل بیل ډولو ته په خپل ورځنی غذایی پروگرام کېښی ځای کپری نودنورو ویتا مین لرونکو موادو خوړلو ته به لږ احتیاج پیدا کپری کوم څه چه په واقعی توگه سم نه دی داضافی ویتا مینو داندازی کموالی نه دی چه د خپل ډاکتر په سپارښتنه یی بدن ته ورکوی بلکه د(او) او ویتا مینسو دراندازی زیاتوا لی ډیر خطر لری د ویتا مین ای داندازی زیاتوا لی په مغز باندي زیات فشار راولی او حتی دلید لو دقوی دکمزور تیا سبب کپری له همدی امله دی چه زیات خلک دډاکتر له لاری ښوونی پرته دای او دی ویتا مینو خوړلو ته په آسانی سره زړه نه ښه کوی.

په دی ورو ستیو وختو نو کېښی د(او) ویتا مین زیات شمیرت پیدا کپیدی، ددغو ویتا مینو په بساب زیاتی ادعا گانی شو یدی خو تر اوسه پوری په سلو کېښی سل ثبوت ته نه دی رسید لی.

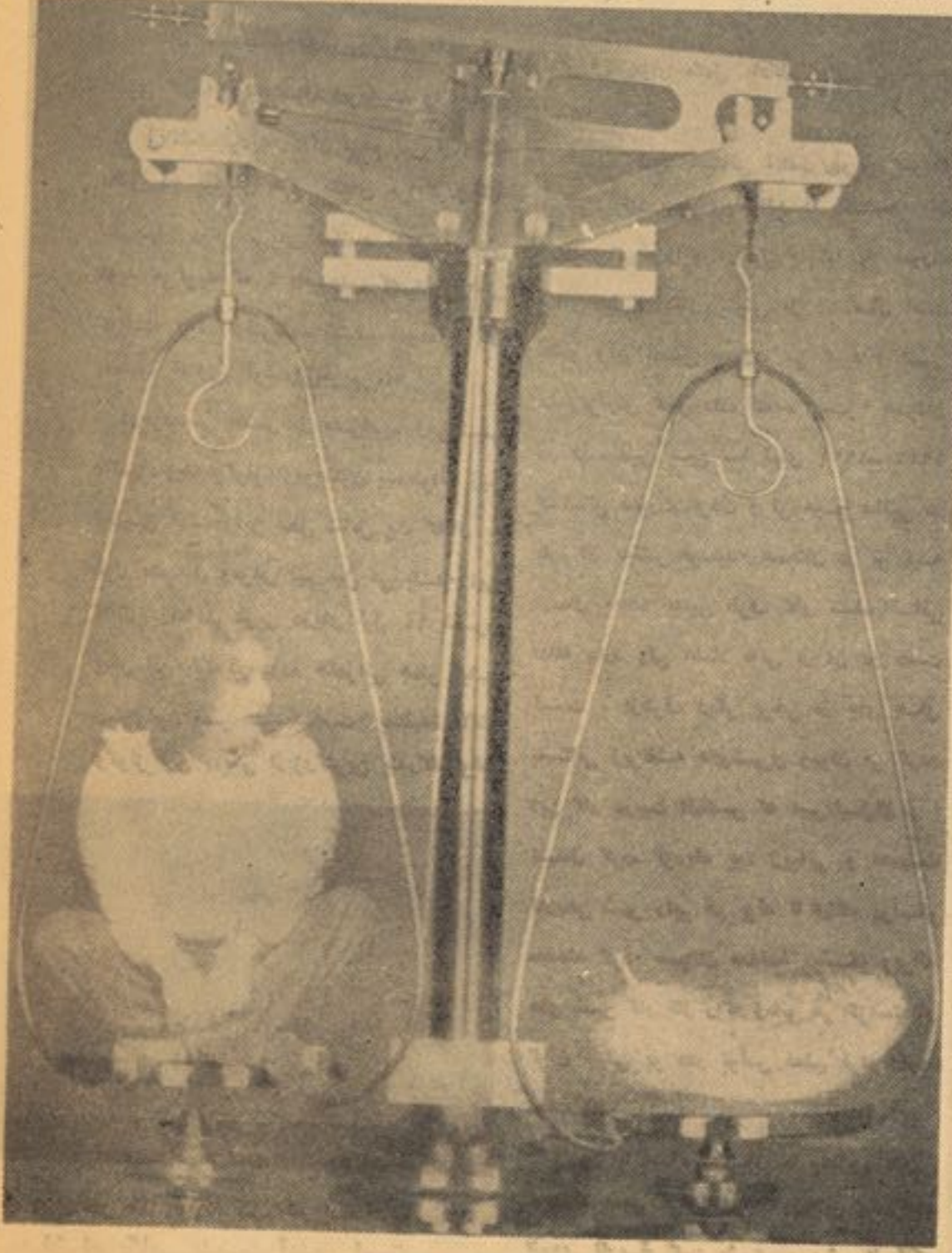
حتی دیو شمیر ما هرا نو په عقیده ددغو ویتا مینو نو څخه استفا ده کول دزړه ښت دوره شا ته غورځوی خو تراوسه پوری زیاتو څیړنو ته ضرورت شته تر خودغه ادعا ټابته کپری البته باید وویل شی چه د

اندازه و بشو دلی شی به راتلو نگو
 وختو نو کبسی به خلک وکو لی شی
 چه تصمیم ونیسی به ژوند کبسی
 کوم شیان هغوی ته زیات از زبنت
 لری اود هغه له مخی له غذایی موادو
 خخه استفاده وکری، هغه وروسنی
 خیرنی چه غذایی موادو به باره کی کیری
 دبشر داپتیاوو دلیری کولو دپاره
 زیاتی امیدواری اهلکوی، خوبه عمرمی
 دول یومهم اصل شته چه به آینه کی
 به هم وی او هغه دادی چه بدن د
 روغتیا بشکلا دتامین دپاره غذا یی
 پرو گرام ترکوم خای پوری چه امکان
 ولری باید متنوع او دول دول مواد
 ولری اود بیلو بیلو موادو خخه
 دبدن بر ویتین او انرژی تولیدونکی
 مواد برابر شی اود روغتیا بسسه
 ساتنه کبسی به اغیزمنه توگه گرام
 پورته کری.

نورو نارو غیو خخه دهغه ساتنی
 دپاره گتور دی دغه ماده له یو زیات
 شمیر حبوباتو میوو او سبو خخه
 لاس ته را تللی شی دا مواد کولی
 شی چه دبدن نوری اپتیا وی چه
 دانرژی دمنخ تهراتللو سبب کیری
 هم تامین کری تر خوچه کولی شی
 دبوری او اوپرو به خیر دموادو له
 خوړ لو خخه دده وکری داموادعیخ
 غذایی ارزبنت نه لری اود موجودوکا
 لوریو اندازه به دی موادو کبسی زیاته
 ده، ن تقریبا داخبره خرگنده شوی
 ده چه پوره او قندی مواد دزپه او
 قندی نارو غیو په وده او تکا مسل
 کی سترنقش لری هر خوک دخان دپاره
 مخصوص غذایی اپتیا وی لری او
 په همدی دلیل امکان نه لری چه
 وکولای شی یوداسی مشخص او مخصوص
 پروگرام طرح کری چه غذایی اپتیاو

خخه استفاده وکری او دهغو وازگی
 له یخو لونه دمخه جلا کری نوری
 غو نیسی هم خو پللی شی خرداسی
 برخی یی دخوراک دپاره وپا کی چه
 وازگی یی لری وی.
 پرو تین دهغو موادو بر خسه
 تشکیلوی چه ستا سی بدن ور ته
 اپتیا لری، دا چه تاسی خومره
 پرو تینو ته اپتیا لری بنا یی دهغه
 خه چه تاسی یی فکر کوی دیر لری
 دوه کی لاسه شیدی دغو پرو او
 مستو نه پرته چه به هر حال ستاسی
 دبدن داپتیا وپدی دیوی هکی اود
 جرگ او یا کب دلیری غو نیسی سره
 کو لی شی چه ستاسی دبدن داپتیا
 وپرو تین تا مین کری خود زیاتو
 پروتینو خوراک بنه کار نه دی که
 چیری ستا سی عمر له بخاوبستو
 کلونو خخه زیات وی نود زیاتو
 پروتینو خوراک ستا سی په سپری
 او پختو رگی دهغو دقدرت نه پورته
 فشار راولی، ددی سره سره لازمه
 نه ده چه حیران پاتی شی خکه چه
 داکتران به دی برخه کبسی له دومره
 سختی خخه کارنه اخلی خکه هغوی
 عقیده لری چه که اضافی پرو تین
 حتی که چیری له لازمی اندازی نه
 دوه یا دری چنده زیات هم وخواړ
 شی خه زیان نه شی ورسو لی.

ویتا مین خپل خورا زیات ارزبنت
 سا تلی دی اود زیاتو داکترا نود
 نظر یی له مخی باید هره ورخ لری
 تر لیره دینخو گرامو په اندازه د
 سپرو شی سره دمبارزی دپاره وخواړ
 شی خو یو شمیر از ماینتو نودا
 خیره خر گنده کړیده چه دسی ویتامین
 دبدن دورخنی اپتیا یو به لسمه او
 یادوه به لسمه برخه برابر وی خو
 هغه آوازه چه د خینو سر طا نسی
 نارو غیو دمعا لچی دامکان په باره
 کی د ویتا مینو به وسیله
 اورید له کیری دومره د ارزبنت او
 باملرنی وپنه ده د ویتا مینو
 خخه به زیاته اندازه استفاده کول
 داخل لری چه به خورا کونو دبی ۱۲
 دویتا مین اندازه له منخسه وپی
 به پختو رگی کبسی دتیری منخ ته
 راتلل به زیات ته اندازه د دویتامین
 خخه داستفا دی یوبل خطر دی د
 رومی بانجا نو، خمکنیو مینو سبواو
 نورو میوو خوړل بدن ته به پوره
 اندازه د سی ویتا مین ور کوی او
 کیدای شی چه د نورو موادو سپر
 تناسب ولر لی شی.
 شک نه شته چه یو زیات شمیر
 خلک داپتیا له اندازی نه زیات
 اپتیا له اندازی نه غوړی او وازگه
 خوری که چیری ستا سی عمر په
 تیره بیا له خلو ینت کلنی خخه
 اوبستی وی حتما باید دهغو غو پرو
 او وازگی اندازه چه وینی ته نفوخی
 که کری دینخی بدن له شته پیدو
 وروسته دنارینه دبدن حالت غوره
 کوی اود زپه دنا آرامیو دخطر په
 کنده کبسی لو پیری، البته ددی معنی
 دانه ده چه به عمومی دول دغو پرو
 له خوړلو خخه خان ور غوری خو
 کیدای شی چه د خینو غو پرو خخه
 استفاده وکری خکه خینی غوړی لکه
 دینون دغو پرو به خیر دبدن وینی ته
 نه ور ننی او به نتیجه کبسی زپه
 ته تاوان نه شی رسو لی لنده داچه
 همیشه لری غو پرو وخواړی او په
 تیره بیا له حیوانی غو پرو خخه
 دده وکری هر خومره چه کو لی شی
 دچر گانو کبانو او کبسی له غو نیو



دبدن داپتیا سره سم خورا ک ستاسی روغتیا تا مینوی.

کاوش برای دریافت

رامی سازد و توسط قوم مسریان ساخته شده است شدند. تایکال برخلاف سیر های قدیمی باستانی که در کنار رودخانه ساخته شده بود، دورتر از آن قرار دارد. ایشان با استفاده از (جرخ) آشنایی داشتند و لسی بخاطر اینکه به افتاب مقدس عقیده داشتند و جرخ شباعت به گردی خورشید دارد آنرا بکار نمی بردند. یگانه جرخ در تمدن میان بازیچه های اطفال بود پس.

هنوز معادن باستانی جهان تا کشف مانده است.

ماه گذشته دولت چین اعلام کرد که در شهر سنسی موفق به کشف (اردوی) که ۲۰۰ سال عمر داشته و مجسمه های جنگجویان و اسب ها ایشان به اندازه اصلی ساخته شده است گردید. همچنان یک جسد انسانی در لابلای گل سرخ ایالت ایهوی چین کشف گردید. این جسد که از یک مرد است دندان های سالم داشته و گفته می شود که ۲۱۰۰ سال عمر دارد.

همچنان یک جسد مومیایی شده یک دختر مصری که ۱۵ تا ۱۴ سال عمر داشته و از پای نیل بود کشف گردید. در آن موقع پس از اینکه دختر مرده بود پای های تکه ای برایش دوختند نادر جهان دیگر بر پای نماند. داکتر روز الی داوید می گوید که: (امیدواریم که علت مرضی که باعث مرگ دختر شده کشف نموده و بان به شیوه تدای آنوقت پی ببریم).

در خود مصر بخشی از مصر قدیم زیر نظر داکتر داوید اوگونز از پوهنتون پنسلوانیا زیر تحقیق است. این محل شامل یک کانال به طول یک میل و عرض نیم میل می باشد. این کانال در ساحل غربی دریای نیل ۱۴ قرن پیش از میلاد در دوره حکمرانی همنو تیس سوم فرعون مصر حفر شده است. به عقیده داکتر اوگونز این (یکی از بزرگترین بندرگاه آنوقت



این مار فلزی که در حفاریات بومیان امریکایی بدست آمده است در هشت هزار سال پیش از میلاد ساخته شده و سی مترس است.

ترس دختران

خدیجه سوال دیگرم را چنین جواب داد: یک تعداد زیاد دختران هستند که استعداد هنری فوق العاده دارند ولی بخاطر تعصبات خانوادگی و ترس از گپ و سخن مردم که سد راه پیشرفت اکثر جوانان که می خواهند استعداد های نهفته خود را تبارز دهند. بعضی ها خودشان اینگونه فعالیت های را برای خود و دختران عیب بزرگی میدانند حال آنکه این طرز تفکر یک اشتباه بزرگ و مانع انکشاف استعداد جوانان می باشد.

خدیجه بجواب سوالی دیگری گفت: هر نوع کوششهای که زمینه های آموزشی، اصلاحی و اخلاقی داشته بهبود جامعه در آن نهفته باشد قابل پشتیبانی همه جا نبه است و چون دختران و پسران پوهنتون که ماشا الله همه تحصیل یافته و روشنفکر هستند در ک می کنند که چشم انتظار مردم بسوی آنهاست. پس باد رک مسو لیتهای بزرگ اجتماعی بسوی شکوفانی آرمانهای مردم به پیش بروند.

دوشیزه خدیجه میگوید: از آنجا بیکه اجتماع متشکل از زن و مرد است با یست هر دو دوشادوش هم خدمت نمایند و اگر بعضی کوتاه نظران سهمگیری دختران را در کوششهای سازنده اجتماع حمل بر بی باکی و بی شخصیتی آنها میکنند یک گناه نابخشودنی را مرتکب میشوند و بدانند و آگاه باشند که هیچگاه بین نوع کوششهای سودمند دلالت بر بی شخصیتی دختران نکرده بلکه زمینه تبارز و شکوفانی شخصیت های همه جوانان را مهیا میسازد و خصوصاً بر همه مردان و زنان مالازم است تا با تشویق و حمایه خود دختران را موقع بدهند تا بیشتر در اجتماع بدرخشند و بیشتر فعال شوند به خاطر سهم مشترک زنان و مردان انکشاف همگانی کشور.

خدیجه سوال دیگرم را چنین جواب داد: یک تعداد زیاد دختران هستند که استعداد هنری فوق العاده دارند ولی بخاطر تعصبات خانوادگی و ترس از گپ و سخن مردم که سد راه پیشرفت اکثر جوانان که می خواهند استعداد های نهفته خود را تبارز دهند. بعضی ها خودشان اینگونه فعالیت های را برای خود و دختران عیب بزرگی میدانند حال آنکه این طرز تفکر یک اشتباه بزرگ و مانع انکشاف استعداد جوانان می باشد.

دوشیزه خدیجه بدنبال سخنانش افزود: پس کلیه جوانان بالاخص دختران روشنفکر و تحصیلکرده در راه از بین بردن چنین ذهنیت های منفی مبارزه بیکدیگر شانرا تا مرز پیروزی برسانند و مغز های مردم را از این پندار های پوچ پاک سازند. وی ضمن تشریح نمایشات هنری پوهنخی ساینس گفت این نمایشات دو بخش داشت: یکی موسیقی و دیگری پارچه های نمایشی که در مورد اشتراک خود بگویم که در هر دو بخش آن سهم گرفتیم هم در بخش موسیقی آن هم در یکی از نما یشتنامه آن بنام «سالهای گذشته» که بوسیله ابراهیم گمشده نوشته شده بود و نقش یکرزن دهقان بدوش من بود. ولی نمایشنامه دیگری که (دختر بیخون) نام داشت با وجود دیکه آنرا تمرین کرده بودم اما بعلت شرکست



مستر مرور در عمل کشف آثار باستانی

بوده است و نشان میدهد که در آن موقع شهر بزرگی در کنار آن قرار داشته است.

در آن در بازار قدیمی آن لیزی شیر موفق به کشف بازار مکمل بادکان های آن شده است.

کشف های باستانی آنقدر سریع صورت میگیرد که در بسیاری مواقع دانشمندان فرصت تهیه راپور رانمی یابند. به صورت مثال شهر تایکال بیش از ۱۴ سال است که روی آن تحقیق صورت میگیرد و لسی هنوز گزارش کامل داده نشده است. همچنان در فلسطین بین سالهای ۱۹۲۱-۱۹۲۳ کشفیاتی صورت گرفت و لسی هیچ مطلبی در باره آن به نشر نرسید. همچنان در ترکیه از سال ۱۹۵۰ به این طرف کار کشف باستانی ادامه دارد ولی اطلاعاتی از آن در دست نیست. از طرف دیگر برخی از جای های باستانی زیر نقشه های شهری ویران می گردد این کار در بیت المقدس که اسرائیل آن را اشغال کرده نزدیک بود زیبایی و اهمیت تاریخی شهر را بر هم بزند تا اینکه یونسکو مداخله کرد. همچنان مداخله یونسکو ویرانه های شهر کار تا زمانه مرگ استعمار گران فنیقی بود در تونس فعلی قرار دارد. نجات داد.

اکنون با ستا شناسان با وسایل مدرنی که دارند سعی میکنند هر چه زودتر پسر ده اردوی تاریخ کهن بشری، پیش از آنکه این آثار توسط بلدوزر تمدن فعلی، از بین برود بردارند.

دمینی پهلوری

سخونه به یولو شیانو نه پوهیبری مایکل تا هغه ورخ وخت رانه که چه زه و وایم چه...
خوهغه خیلی گوتی زما په شوناهو کنبیبنودی اووی ویل:

ما پخپله پدهی باره کنبی زیات فکر کړی دی او پوهیبرم چه تده دوستی وړ او مهربانه نجلی یی او هیخکله پخپله خو بڼه ناوړه کارنه

کوی یوازینی شی چه مانه ارزښت لری دادی چه ته په ما گرانه یی او غواهم چه خپل پاتی عمر ستا په نیکمر غه کولو تیر کړم.
اوس نو خلور میاشتی کبیری چه ما او مایکل واده کړیدی دهغه سره زما ژوند خوندور دی کله کله نیمه شپه ویبښیرم تر خو واده شم چه دی وروسته خوب نه دی او تراوسه هغه زما تر خنک پروت دی او داتر هم دازما دپاره گرانه ده، باورو کړم چه زه دمایکل اوشی میرمن یم.



ترجمه و نگارش: پوهندوی فاروقه ع
مؤهری استاد پوهنځی ساینس

چشم و انواع آن



انسان طبیعتاً طبق عادت، به میزان زیادی به حس بینائی خود تکیه نموده است و بوسیله آن میتواند همواره ارتباط خویش را با دنیای ماحولش حفظ نماید.

بشر از قدیم الایام اهمیت چشم را با وظیفه ای که انجام میدهد، آشنایی کاملی داشته است. مطالعات جدید نشان میدهد که این عضو به ظاهر ساده دارای ارتباط مفلق و اسرار آمیزی با دماغ حیوان دارد. چشم‌ها نه تنها وسیله دید بوده بلکه عضوی است که بواسطه آن حیوانات میتوانند در مقابل دشمنان محیطی و غیره عوامل از خویشترن دفاع نمایند.

در دنیای حیوانات طرز فعالیت و ساختمان چشم، به طرق مختلفی وجود دارد. چنانچه در برخی، چشمها برای دید در تاریکی و در عده برای دید در رو شنائی روز مساعد بوده و حتی حیواناتیکه در شب و روز فعال اند چشم میتوانند بهر دو موقع بخوبی فعالیت نمایند. انسان‌ها با وجودیکه از لحاظ تکامل پیشرفته ترین مخلوقات روی زمین اند، بانهم چشمشان شان نسبت به عده ای از حیوانات تکامل بیشتر نه نموده است.

زیرا حیوانات متعددی رامی شناسیم که قدرت گردش چشم و وساحت دیدشان به مراتب بیشتر از چشمهای انسان‌ها است. البته در مقابل حیواناتی دیگری بمثل پارازیت‌ها و غیره وجود دارند که اصلاً احتیاجی بداشتن چشم نه دارند.

نوع در ساختمان و وظایف چشم:

با وجودیکه چشم جانداران عالی از لحاظ تکامل تقریباً دارای منشاء مشترکی میباشد. بانهم چشمها در انواع مختلف - وظایف مختلفی را بعهده دارند.

تعداد کثیر زنده جان‌های وجود دارند که دارای چشمان ساده بوده و از لحاظ تکامل در مراحل ابتدائی قرار دارند. طور مثال یکی از حیوانات ساده در طبیعت حیوانی بنام یوگلینا است که دارای نقطه سرخ رنگی که بمقابل نور حساس است میباشد. این چشم ساده تنها قدرت تمیز نور شدید و نور خفیف را دارد یعنی چشم یوگلینا تصویر اجسام را در حیوان منعکس ساخته نمی‌تواند.

هر قدر ساختمان موجودات حیه تکامل نماید - بهمان اندازه چشمان نیز راه تکامل را می‌پیمایند. مثلا یکنوع حیوانی بنام کرم زمینی وجود دارد که برخی سلول‌هایی در جلدش قرار دارد که میتوانند در مقابل نور و یا تاریکی حساس باشند. یعنی در صورت حیوان میدانند که کدام قسمت از جسمش بطرف رو شنائی مواجه است.

حیوانی بنام سکا لوب که یکی از حیوانات غیر فقاریه میباشد در حدود پنجاه الی دو صد چشم ساده ای که در دورادور جسمش قرار دارد. دارا است. طوریکه هر چشم دارای عدسیه جداگانه بوده و در مقابل نور حساس میباشد. چشمها که در حقیقت در اطراف قشر حیوان قرار دارد، میتواند حین شنای این نرم تن درآب کمک نماید. و حیوان را متوجه طعمه‌ویا دشمنان وی گرداند.

سکا لوب ها عبا و ت از حیوانات بحری اند که از جمله نرم تنان بوده و دارای قشر سخت خارجی میباشند. چشمها در این حیوانات به تعداد زیاد در دو قطار و بنورا دور جسم وجود دارد.

یکی از ساده ترین حیوانی که میتواند به طریق مخصوص، نقش اجسام

ماحولش را در دماغ ساده خود - ترسیم نماید عبارت از کوبلیا میباشد که دارای جسم کاملاً شفاف است.

در حصه فوقانی جسم دودعد عدسیه نسبتاً بزرگی قرار دارد این عدسیه ها که روی بر جستگی‌های قرار دارند میتوانند شعاعات وارده نور را اخذ و آن را بداخل جسم به دو عدسیه کوچک دیگر برسانند. عدسیه‌های کوچک هر کدام دارای ساختمان چنگک مانندی بنام رادار میباشد که در اثر حرکت غیر منظم مقدار نور وارده را اخذ و آن را به دماغ ساده حیوان که در مرکز جسم قرار دارد - سوق دهد. شعاعات و عکس العمل‌های وارده به مغز - باعث نقش یک تصویر مبهم از اشیاء - در مغز حیوان میگردد.

در شکل عدسیه‌های بزرگ دو قسمت فوقانی جسم، عدسیه‌های کوچک در حصه تحتانی و دماغ حیوان بشکل نقطه‌ای سیاهی در وسط جسم بهلا حفظ می‌رسد.

حشرات جانورانی هستند که دارای چشمان مرکب بوده و هر چشم از تعداد زیادی ساختمان‌های مشابه بهم ساخته شده است. هر چشم حشره که از صدها و یا هزاران عدسیه کوچک تشکیل گردیده و روی یک ساختمان محدب و بیض برآمده ای قرار دارد. قسمت زیرین هر یک از این عدسیه‌ها دارای اجسامی حساس به مقابل نور بوده و در اثر نور وارده از هر یکی از عدسیه‌ها متاثر میگردد. شعاعات وارده از جسم - بقسم ذره‌ذره روی هر یک از عدسیه‌ها تابیده و بالاخره اجتماع این ذره‌ها تصویری را از جسم دیده شده در مغز حشره - بوجود می‌آورد. باین صورت حشره اجسام را بشکل یکعده نقاط روشن و تاریکی میگرداند. اگرچه حساسیت چشمهای حشرات خیلی زیاد نیست باین هم علماً ثابت نموده اند که عده ای از حشرات میتوانند رنگ‌ها را تشخیص نمایند.

سا ختمان چشم یک زنبور عسل که دارای تعداد زیادی عدسیه‌های کوچکی میباشد.

جالبترین نوعی چشم را میتوان در یکنوع ماهی کوچکی که در سواحل ابحار به سر می‌برد و پیرفتا ناموس نامیده نامیده میشود ملاحظه نمود. چشمان ماهی مذکور روی عضو برجسته ای که دارای عضلات زیادی میباشد قرار دارد. چشمان این حیوان میتواند تنها در هوا اجسام را به بیند. بناء در موقع صید نمودن ماهی به سطح آب طوری قرار میگیرد که تنها دو چشم آن بکمک عضلات از کاسه سر خارج شده بر سطح آب بوده و متباقی جسمش تحت آب میباشد.

درین صورت از سطح آب طعمه را درآب دریافته و بطرفش حرکت نموده و آن رامی بلعد. چون چشمان نمیتوانند در داخل آب فعالیت نمایند - بناء چشم‌های مذکور دوباره در حفره کاسه سر داخل شده و رویش را بپلک ضخیمی می‌پوشانند.

پیرفتا ناموس حین قرار گرفتن در نزدیکی سطح آب و طرز استفاده از چشمان خود بقیه‌ها حیواناتی فقاریه ای ساده هستند که از چشمها در بلع نمودن مواد غذایی نیز کمک میگردند. چون غذای آن‌ها را معمولاً حشرات و گرمهای زمینی تشکیل میدهد. بناء جهت نگه داری و جویدن این اجسام در دهن، بقیه‌ها مجبورند که دندان‌های قوی و بزرگی داشته باشند ولی چون دندان‌ها قدرت کافی نه دارند بناء بقیه‌ها حین بلع نمودن مواد غذایی چشمان خود را می‌بندند. بسته شدن چشمان باعث فرو رفتن تخم چشمها در حفره سقف دهن شده و این فرود رفتگی‌ها بشکل دوگانه محدب بداخل دهن آشکار میگردد. بر آمدگی‌های مذکور میتواند موقتاً غذا را در دهن نگه دارد. پس دیده بقیه در صفحه ۶۲

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه و ترتیب از: دهر

نمایندگان افغانستان

در کنفرانس برلین



محترمه عالیہ حفیظ

در کنگره جهانی سال بین-المللی زن که با شترک دو هزار نماینده از ۱۲۵ کشور در جمهوری دموکراتیک آلمان برگزار شده بود، ریاست هیات افغانی را محترمه عالیہ حفیظ مدیره لیلیہ دختران پوهنتون کابل به عهده داشت.

محترمه عالیہ حفیظ گفت: این کنگره از ۲۰ تا ۱۲۴ اکتوبر ۱۹۷۵ دایر گردیده بود و زنان جهان فیصله کردند که: - زنان روحا باید آرام باشند.

- زنان حق مساوی با مردان داشته باشند.

- باید امتیاز از هیچ نقطه نظر میان شان وجود نداشته

و مساوی کلونیا لیزم و امپریالیزم که باعث پس مانی زنان شده از بین برود. - ملل متحد باید ده درصد

بودجه خود را در راه وسایل مختلفه برای پیشرفت زنان تخصیص بدهد و از وسایل جنگی بکاهد.

- باید برای زنان زمینه کار در کارخانه ها، مراکز صنعتی و زراعتی پیدا شود. - باید توجه بیشتر در قسمت صحت زنان بعمل آمده به تعداد شفاخانه ها و کلنیک های زنانه افزایش بعمل آید. - برای زنان زمینه تعلیمات مسلکی مهیا شود.

ارزیابی گردد.

- پروبلم بیسوادی که یکی از پروبلم های جهان شمول است باید از بین رفته تبعیضات بین پسر و دختر از آوان طفولیت تا کلانی نظر به فرهنگ هر کشور از میان برداشته شود.

- امروز قرا ریکه مشاهده میشود چنین تبعیضات مانع تعلیم و تربیه زن و مرد گردیده باعث عقب مانی بعضی کشورها شده است.

- باید در قسمت تعلیم و تربیه معیو بین زن و مرد هم توجه شده و برای شان تاسیس مکاتب در نظر گرفته شود. - برای اینکه موضوعات متذکره جا مه عمل ببوشد، باید از همه او لتر مبارزه برای صلح و مساوات صورت گیرد زیرا پیشرفت زنان بدون صلح و مساوات امکان پذیر نمیباشد.

چون زنان قلب رقیق داشته رؤف و دلسوز میباشند متمنی صلح و سلم مردم دنیا هستند و زنان گفتند و ابراز نظر کردند که انکشاف در حالی صورت می پذیرد که آزادی کشورها سلب نگردیده در ساحات مختلف حیات اقتصادی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملل تغییرات عموم می رونما گردد. امید است که این کنگره کمک زیادی به جامعه بشری بتواند و ما نتایج مفید و مثمیری از آن بگیریم. زیرا مجاهده ما زنان مجاهده برای مردمان جهان است تمام مسایلی که در مکسیکو گفته

شده ما آنرا تأیید و تأکید میکنیم مبارزه برای کار و برای فعال ساختن وسایل ارتباط جمعی و غیره به سوی مملکتی باشد زیرا در هر منطقه و هر جا نشان دادن لیاقت و استعداد و ذکاوت زنان شرط است محترمه عالیہ حفیظ گفت: نمایندگان افغانی در سه کمیسیون سهم گرفته بودند: - کمیسیون تعلیمات زنان - وسایل ارتباط جمعی. - زنان کارگر.

شامل شدن به کمیسیونها آزاد بود و هر کس می توانست در هر کمیسیون که خواسته باشد شامل گردد.

در کمیسیون وسایل ارتباط جمعی محترمه و سیمه حکیمی و در کمیسیون زنان کارگر محترمه مستوره نواز به نمایندگی از افغانستان سهم گرفته بودند.

وی گفت: در کمیسیون که اشتراک نموده بود موضوع آنرا تعلیمات زنان تشکیل نموده بود.

درین کمیسیون ۲۲۶ نفر از ۴۷ کشور سهم گرفته بودند. محترمه عالیہ حفیظ نکات مهم این کنگره را چنین خلاصه کرد:

ما با استفاده ازین فرصت تاریخی و مسئولیت در مقابل نسل آینده همراه باین مجادله که جهان در عصر آینده چه خواهد باشد. با قیادار



گوشه ای از جریان کنفرانس زن در برلین

ژوندون

نقش زن در تکامل جامعه

مواظبت طفل

اگر صفحات در خشان تاریخ و پیشرفت های شگوفان بشریت را مطالعه، تحلیل عمیق و بررسی دقیق نمائیم در تمام شئون و مراحل تکامل جوامع بشری نقش زنان بصورت خلاق و جاودان ثبت است.

زیرا از علوم و فنون امروزه تا صنایع مستظرفه زنان در پهلوی مردان دوشا دوش هم فعالیت نموده اند. البته میتوان نمودن های سودمند وارزنده آنها از مبارزه را به بلخی برشد. طرز تلقی آن عصر و فعالیت شهرمانانه و دلیرانه ملالی را در میدان نبرد خونین علیه متجاوزین استعمار وطن پر افتخار افغانستان و دیگر زنان با سهامت تاریخ جهان دریافت.

بسر در جامعه ای که حیات بسر میرسیم و ترفیات که در همه رشته های زندگی بشر مشاهده میکنیم زنان نیز در امر تحولات و پیشرفت های کنونی سهیم اند. زنان در پهلوی سهم در خدمات عامه نمره زندگی و اطفال خوشتر تربیه نموده جوانان با درک سالم و مردان مفید و سودمند به جامعه تقدیم مینمایند.

خو سبختانه با طلوع آفتاب نظر نمون انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ در حیات و موقف اجتماعی زنان تغییرات کیفی و بنیادی رونما گردیده و پیشرفت های جامعه نوین سهیم دانسته و حقوق یکسان را مطابق به منشور ملل و سال بین المللی زن نائل شد. اند پس بر زنان و خواهران آگاه و وطنپرست کشور لازم است مطابق به روحیه عالی نظام جمهوری و سنن عالی و پر افتخار افتخایت خویش این مامول برارنده را حفظ نموده با حکیم و مبارزه بخاطر چنین اندیشه های نوین خدمت گذاری و صداقت شعاری را در پیشبرد جامعه خویش بکار ببریم. و البته تقلید کور کورانه از مرد های بیجا و غریب زده هرگز موفق زنان و دوشیزگان ما را بلند نمیرد بلکه زیور اصلی و جوهر اندوخته های علم و دانش را مکنر ساخته از کاروان تمدن فرستگیا دور نگه میدارد. خلاصه همه خواهران و زنان گرامی بکوشند تا هر یک از اعضا مفید جامعه خود بوده در عمران کشور خویش سهیم سود مندی را به عهد بگیریم.

میشوند و آن وسایل و لوازم دسترس را مورد از مایش فرار میدهند درین اثنا با بسا حوادث و صد مانی مواجه میشوند که با آسیب دیدن آنها والدین متاثر میشوند ولی در آنوقت تاز و ندامت والدین بعد از یک حادثه و صدمه ارزشی ندارد و برای شان سودی نمی بخشد.

فی الواقع کار، جاقو، اره، تیشه و دیگر سامان برنده منزل که امروز دورتر از دسترس طفل گذاشته میشود کاوش های

اوممكن است سامان مسكور را بدسترس بیاورد و ظرف برآب جوش را که در جای مصنون تری گذاشته اند امکان دارد در اثر تجسس آن طفل دیگر آن جای بحال مصو نیتش باقی نماند. گذاشتن اجناس پارچه های شکسته شسته، آلات جارحه و غیره در جاهانی که اطفال به آنها رسیده می توانند خطراتی را بردی آنها پیش بینی میکند.

پیشرفت های عصر تکنالوجی و ساینس زندگی بشر را از حلقه محدودیت مساو سادگی هابرون کشیده و میکشد، هر قدر که از نتایج و پدیده های نوین آن مستفید میشویم. بهمان تناسب زندگی ما پیچیده تر و مغلط تر میگردد و مخصوصا اندیشه های ما را نسبت به کودکان و اطفال ماعمق تر میسازد و مامجبور میگردد تا در مواظبت و مراقبت آنها جدی تر باشیم و بیشتر از پیش بتدبیریم. زیرا با فراهم آوری و استفاده از تسهیلات و هدایای ما شنسی و تخنیک عصر تکنالوجی و ساینس بهمان تناسبی که اطفال و کودکان ما بزرگتر شده میروند و فعالیت های مانند چار غول، قدم زدن، پایین و بالا شدن، جست و خیزدن، تجسس و کاوش را آغاز میکنند خطرات ناشی از این همه فعالیتها به بیمانه روز افزون متوجه آنها میگردد. در بسا مواقع اطفال در اثر احساس تجسس و کاوش به وسایل و لوازم تخنیک و ماشینی منزل نیز دست

صدای آزادی زن

زن شخصیت سازنده دارد زن در هر موقعی که قرار داشته باشد. بازم نخستین مربی انسان و تهادب گذار شخصیت افراد اجتماع است، چون در دامان اوست که کودک نخستین روزها، ماه ها و سال های زندگی را میگذراند و با جهان بیرون آشنا میشود.

نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی که میان دو جنس مرد و زن مرزهای مشخص و درستی از ناحیه حقوق و امتیازات بوجود آورده بود در طول قرنهای متمادی زن را دور از فعالیت های عمده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی قرارداد. تا آنکه این دوره عاروبه فتور نهاد و عصر آزادی و برابری حقوق از دست رفتن مردمان فرارسید.

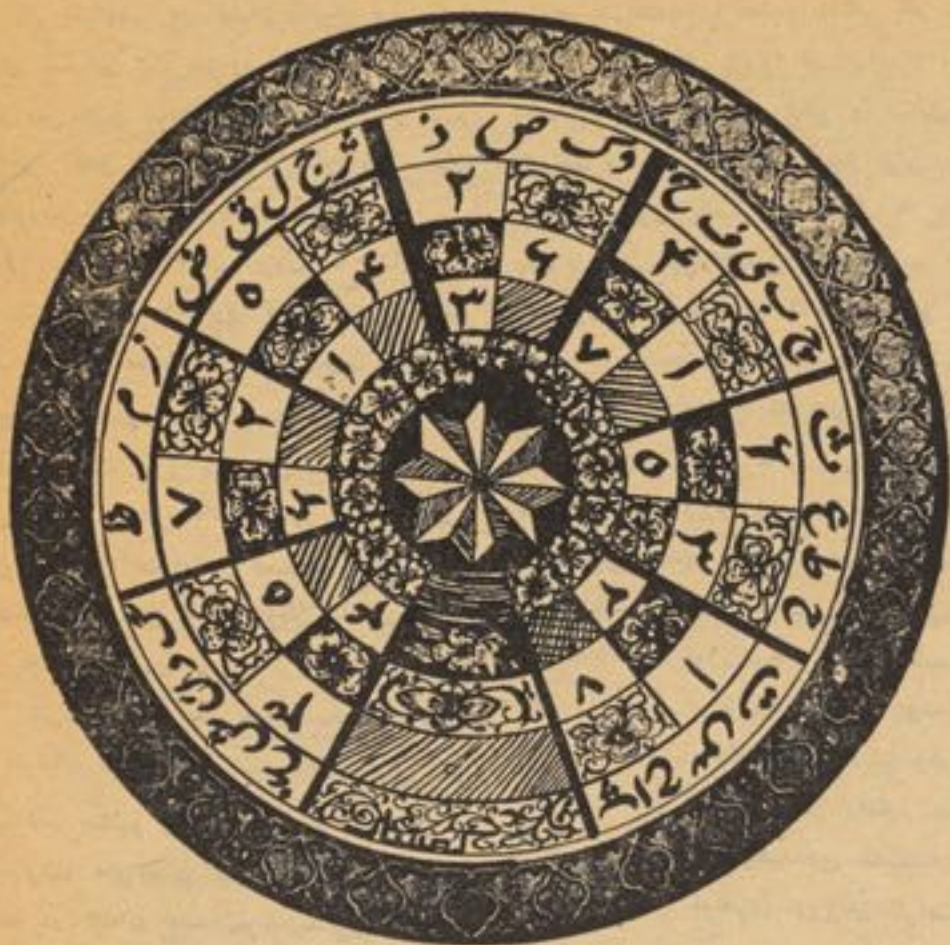
اکنون صدای آزادی زن در پهنای گیتی طنین افکن است. جنبش جهانی زن برابری حقوق و امتیازات او را طلب میکند. درین میان چیزیکه از همه مهمتر است تبار ز شخصیت اجتماعی خود زن است. که پس از سده های طولانی که در انقیاد بسر میرد بازم بسا شایستگی قدر افراشت و در کار سازماندهی اقتصادی کشور خود موفقانه اشتراک ورزید.

زن افغان در نظام جمهورییت برارندگی بیشتری نشان داده است او به ابیات رسانیده که شایستگی دارد رسالت تاریخی خود را در برابر نظام، وطن و مردم خود بدرستی انجام دهد.

زن موجود با آرزوست و دلش آکنده از امید هاست که هر چه خواهد بدو میسر گردد. و این مایه شادمانی اومی گردد، طبیعت او گاهی گرفتگی از آن پیدا میکند که به آرزوی خود نرسیده است زن وقتی آینه انصاف را پیش رو گذارد لطف او از احساس رقیقتش تا ب می گیرد آرزو هایش در حدود امکان اقتصادی محیطش نظم میگیرد، وقتی روح قناعت پیدا کرد هیچگاه چین برجین نمی زند و همواره متبسم است، زن باید چون گل همواره خنده در لبان داشته باشد و از زندگی راضی باشد روحیه همچشمی بپمورد را از خود دور بدارد که یکی از با زمانه های نا پسند دیرینه بوده انسان را همواره رنج میدهد زن ها که برستی هم نقش مادری دارند و هم نقش سازندگی بادل پراز مهر و عاطفه زندگی را سزند یغین زنان روشن دل این را دریافته اند بادل خوش و باصفای زنانه به زندگی لبخند می کنند و حیات فامیل و یا محیط خود را روشنی از مهر و محبت میدهند زیرا اگر زن ها توانایی آنها دارند که نشاط در محیط خانوادگی آفریننده خود به خود خوش و خندان زندگی نموده و چراغ ذهن شان هموار براه و به خانه شان برتوانند و خانواده را مسعود دارند.



فال حافظ



در هر روز از هفته که میخواهد فال بگیرد به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کند و آنرا از دایره بزرگ پیدا نماید. (فوق نمی کند که حرف اول باشد یا دوم باشد یا نهم). در زیر همان حرف سلسله ترار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد است از آن سه عدد هر کدام را که دلخواه شماست انتخاب کنید و انگاره همان شماره در زیر نام همان روز از هفته مراجعه کنید و جواب خود را از زبان حافظ سیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که سه است انتخاب و از جمله سه عددی که در برفوس مربوط به این حرف دیده برسد بیت ۷۰ را اختیار نموده آید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعه کنید و بخوانید لسان اللقیب بشما چه می گوید!

تأثیر مواد غذایی

زیاد بوده مانند سودیم ، پتاسیم ، کلسیم ، عدس ، خرما و برنج موجود است .
 گوگرد : برای تکمیل شدن هسته سلولها
 ۳- عناصری که مقدارشان جزئی است مانند منگنز ، نکل ، کوبالت ، المونیم .
 کلور : برای حیات سلولهای بدن لازم بوده و در اغذیه زیر موجود است
 مغز گاو ، زردی مرغ ، شلغم ، انجیر .
 سودیم : برای رشد ونمو و اعمال عصبی موجود در کاکو ، مغز گاو ، زیتون ، جگر .
 پتاسیم : در انقباض کردن عضلات و اعصاب رول داشته در زیتون ، لوبیا ، انجیر ، نخود ، کشمش ، بادام .
 کلسیم : برای مقاومت استخوانها و دندانها رول بس ارزنده را بازی نموده در بادام ، شیر ، انجیر ، زرده تخم مرغ و پنیر پیدا میشود .
 منگنیم : برای سخت شدن استخوانها و مقاومت بدن بکار رفته و در لوبیا ، عدس ، نخود ، بادام وجود دارد .
 مس : وجود مس برای تمام اندامهای بدن لازمی بوده برای جگر مخصوصا بسیار ضروری می باشد و در مغز بادام ، لوبیا ، نخود ، عدس موجود است .
 کوبالت و المونیم : برای ساختن خون منگنیم : برای سخت شدن استخوانها و مقاومت بدن بکار رفته و در لوبیا ، عدس ، نخود ، بادام وجود دارد .
 مس : وجود مس برای تمام اندامهای بدن لازمی بوده برای جگر مخصوصا بسیار ضروری می باشد و در مغز بادام ، لوبیا ، نخود ، عدس موجود است .
 کوبالت و المونیم : برای ساختن خون

شعر نو نیاز زمان

من در یکی از اشعار خود گفته ام :
 خنده کاذب به لب اما چه سود
 اشک من با خنده ام
 ظاهرا هم شاد است لیکن ای دروغ
 زهر خود را غم به قلبم ریخته
 به عقیده من این صدا صدای
 انسان امروز است که از غم خود
 سخن گفته و انسان هم عصرش
 خوب با این غم آشناست .
 در سرودن شعر از کدام
 روش استفاده میکنید ؟
 - من اشعاری به روش نو و هم
 چنان سبک کلاسیک سروده ام ولی
 بیشتر تمایلم بشوی روش نو است
 چه به عقیده من در شعر نو شاعر
 آزادانه میتواند احساسش را بازگو
 کند یا به عبارت ساده تر محتوی را
 فدای شکل نسازد .
 به نظرت کدام شعر و چگونگی
 با اجتماع مصدر خدمت میشوند ؟
 - در این جا باید روی کلمه
 تعهد و مسئولیت انگشت نهاد .
 بلی به عقیده من شاعر متعهد است
 که میتواند مصدر خدمتی برای
 اجتماع عیش شود . چه شاعر است
 که خوبتر درد مردم را تشخیص
 میدهد و می تواند در پی علاج این
 درد بر آید و حالا این شاعر متعهد
 است که در این قسمت احساس
 مسئولیت میکند و میکوشد راه چاره ای
 برای درد های اجتماع عیش پیدا بد .
 - در قسمت تشکیل انجمن ها
 و بزم های شاعران مثلا بزم های
 بهاری یا خزانیه چه عقیده دارید ؟
 به عقیده من تشکیل چنین انجمن
 ها و بزم ها تاثیر مثبتی در قسمت
 بلند رفتن سطح شعر در کشور می
 نماید چه شاعر از یک طرف میتواند
 چکیده های اندیشه اشرا به مردم
 پیشکش کند و از طرفی در بر خورد
 مستقیم خویش با مردم ارزش های
 خود را باز شناسد و با بر عکس از
 محدودیت و فرد گرایی های خود
 آگاه شود .

واژه قاب شعر می سر آید ،
 مدتش خدمت به اجتماع و مردم
 است چه ، طوریکه بیشتر ذکر کردم
 شاعر است که میتواند درد مردم را
 خوبتر از دیگران احساس کند و در
 پی چاره آن درد بر آید .
 - چه مدت است که شعر می گوئید
 و انگیزه در این راه چه بوده
 است ؟
 - مدت شش سال میشود که
 شعر می سرایم و انگیزه من در راه
 سرودن شعر تنها و تنها احساس
 بوده است و بس .
 از چند سال به این طرف اشعار
 شما در مطبوعات به چاپ رسیده ؟
 - از مدت تقریبا چهار و نیم سال
 به این طرف سروده هایم از طریق
 مطبوعات به چاپ رسیده به این
 صورت که ابتدا از نیمة دوم سال
 ۱۳۵۰ الی نیمة اول سال (۱۳۵۲)
 اشعارم در گام ها هکسای شعری
 ازمن در مجله ژوندون و مجله
 بنسئون رزغ هم نشر
 میشد ولی از اواخر سال ۱۳۵۲
 الی اخیر سال ۵۳ اشعارم در صفحه
 (کوچه باغ شعر) مجله ژوندون و ن به
 نشر رسیده هم چنان با یاد
 یاد آور شوم که هم اکنون مجموعه
 از اشعارم بنام (توفانی ترین دریا)
 تکمیل و آماده نشر است که البته
 در صورت مساعد بودن زمینه به نشر
 آن اقدام خواهم کرد .
 این هم شعر تازه ای از آمینه (فروغ)

(کدامین اشک حسرت)
 نمیدانم کدامین مرغ اندوه -
 به سر من سایه گسترده!
 نمیدانم کدامین اشک حسرت
 گونه ام شسته!
 نمیدانم چرا این قلب من
 نریز غم گشته
 نمیدانم... نمیدانم!!
 ولی دانم که قلب من
 بساز غنچه دلتنگ است.

به عقیده تو شعر گفتن یعنی چه؟
 ششای عسری که واقعا

فناك حافظ

شنبه

- ۱- دل دوزیم شدو دلبر بهیلاست برخاست
- ۲- گفت باها منشین کز تو سلامت بر خاست
- ۳- که شنیدی که دوزیم بزم دمی خوش بنشست
- ۴- که نه در آخر صحبت بندهامت بر خاست
- ۵- در چمن باد بیاری ز کنار گل سرو

- ۱- به هوازاری آن عارضی و قامت بر خاست
- ۲- مست بگلشتی واز خلوتیان ملکوت
- ۳- به تما شای تو آشوب قیامت بر خاست
- ۴- خیال روی تو درهر طریق همرفااست

- ۱- نسیم موی تو پیو ند جان آگه ما ست
- ۲- اگر بزلف دراز تو دست ما ترسد
- ۳- گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست
- ۴- زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست
- ۵- پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

یکشنبه

- ۱- ترکش عریدهجوی و لبش اسوس کنان
- ۲- نیم شب دوش به بالین من آمد بنشست
- ۳- عاشقی را که چنین باره شبگیر دهند
- ۴- کافر عشق بود گر نشود باده پرست
- ۵- بروای زاهدو بردرد گشای خرده مگیر

- ۱- که ندارند جز این تحفه بهما روز الست
- ۲- آنچه او ریخت به پیمانه مانوشیدیم
- ۳- اگر از خمر بهشت است و اگر باده مست
- ۴- نگویم از من بیدل بسپو گزنی ییاد

- ۱- که در حساب خرد نیست سپو بر قلمت
- ۲- بیاکه باسو زلفت قرار خواهم کرد
- ۳- که گر سر م برود بر نهادم از قدمت
- ۴- زان بار دلنواز شکریست با شکایت
- ۵- گر نکته دان عشقی بشنوتو این حکایت

دوشنبه

- ۱- مدام مست میدارد نسیم جعد کسویت
- ۲- خرابم می کند هر دم فریب چشم جا دویست
- ۳- پس از چندین شکیبائی نسیم یارب توان دیدن
- ۴- که سمع دیده افروزیم در معراب ابرویست
- ۵- سواد کوح بیش راعزیز از بهر آن دارم

- ۱- که چانرا نسیم باشد ز لوح خال عشویت
- ۲- مزو باد صبا مسکین دوسر گردان بر حاصل
- ۳- مراز اسون چشمت مست و اواز بوی کسویت
- ۴- شراب و عیش نهان جست کار بی بنیاد

- ۱- ز دیم بر صفت رسانان و هر چه بادا باد
- ۲- ز حسرت لب شیرین هنوز می بینم
- ۳- که لا که میدمد از خون دیده فرهاد
- ۴- چا لک افنا ب هر نظر باد
- ۵- ز خوبی روی خوبت خوبتر بساد

سه شنبه

- ۱- کسی کو بسته زلفت نیا شد
- ۲- چو زلفت در هم و زیرو زبر باد
- ۳- دلی کو عاشق ر و بست نیا شد
- ۴- همیشه غم فیه در خون چکر باد
- ۵- مرا از تست غم دم تا زه عشقی

- ۱- ترا هر ساعتی حسن دگر بان
- ۲- ترکس مست نوازش کن مردم دانش
- ۳- خون عشق بقدر گر بخورد نو شش باد
- ۴- چشم از آینه داران خطو خال شگفت

- ۱- لبم از بوسه دبا بان برو دو شش بساد
- ۲- ههای او ج سعادت بدمام ما افتد
- ۳- اگر ترا گزری بر مقام ما افتد
- ۴- درخت دوستی بنشان که کام دل بیارارد
- ۵- نهال دشمنی برکن که رنج بی شهاد آرد

چهارشنبه

- ۱- مطرب عشق عجب سازو نوازی دا رد
- ۲- نقش هر نغمه که زد ره بجائی دا رد
- ۳- عالم از ناله عشاق مینا دا خالی
- ۴- که خوش آهنگ و فرح بخش صدائی دارد
- ۵- ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق

- ۱- عر عمل اجری و هر گز زه جزائی دارد
- ۲- شاهد آن نیست که موئی و میانی دارد
- ۳- بنده طلعت آن باش که آنس دارد
- ۴- غم ابروی تو در صنعت تیر اندازی

- ۱- برده از دست هر آنکس که گفائی دارد
- ۲- در ره عشق نشدکس یقین محرم راز
- ۳- هر کسی بر حسب فکر گمانی دا رد
- ۴- با خرابات نشینان ز کرامت ملاف
- ۵- هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد

پنجشنبه

- ۱- نی من تنها کشم نطق و ل زلفت
- ۲- گشت که او داغ آن سیاه نسدا رد
- ۳- با غیا نا ز خزان بی خبرت می بینم
- ۴- آه از آن روز که بادت گل رعنا بسپرد
- ۵- رهزن دهر نختست مشو این از او

- ۱- اگر امروز آبر دست که فردا بسپرد
- ۲- نیست در شهر نگاری که دل ما بسپرد
- ۳- بختم او بار شود رختم ازین جا بسپرد
- ۴- اگر نه باده غم دل زیاد ما بسپرد

- ۱- طیب حد ته بنیاد ما ز جا بسپرد
- ۲- اگر نه غفل به مستی فروگشند لنگر
- ۳- چگونه گشتی ازین و ر طه بلا بسپرد
- ۴- طیب عشق منم باده در که این معجون
- ۵- فرا غمت آرد دو اند بشد خطا بسپرد

جمعه

- ۱- سحر بلبل حکایت با صبا کرد
- ۲- که عشق دوی گل با ما چها کرد
- ۳- مقام اصلی ما گوشه خرابات است
- ۴- خدای خیر دهد هر که این غم را ترکرد
- ۵- نماز در خم آن ابروان محرابی

- ۱- کسی کند که بخون چکر طهارت کرد
- ۲- دلم زحلقه زلفش بجای خرید اسوب
- ۳- چه سود دید نهادم که این تجارت کرد
- ۴- فردا که پیشگاه حقیقت شود بسپرد

- ۱- شر مته و هر وی که عمل بر معجز کرد
- ۲- بلبلی خون دلی خورد و کلمی حاصل کرد
- ۳- باد غیرت بصدش حال پریشان دل کرد
- ۴- چوباد بزم سر گوی بار خواهم کرد
- ۵- نفس بیوی خوبش مشکبار خواهم کرد

هنر در لابلای قرنها

است. (صفحه تاریخ مدنیت های آسیای مرکزی بخش مربوط به مدنیت موهنجو دارو هر چه نویسنده... تا مالا تال بوت رایس چاپ واشنگتن ۱۹۶۵).

گرچه ها مو رابی او لین باد شاه قانونگزار بین النهرین قدیم تا اندازه حقوق و وجایب اهالی بابل را تعیین کرد اما قانون ها مورابی با حملات آسوری ها بر بابل تا تیرات خود را آهسته آهسته از دست داد. از همین جاست که طرز زندگی و تمدنی در مدنیت بین النهرین به ملاحظه نمی رسد.

این نوع طرز زندگی خصوصاً صیاتی به هنر بین النهرین بخشید که آنرا از هنر مصر متفاوت می سازد گرچه تبارز خصوصیات هنر پریمتیف، چون عدم موجودیت پرسپکتف (تناسبات دقیق)، پراگندگی اشکال از نگاه دیزاین و ترکیب، هنر بین النهرین را تا اندازه شبیه هنر دوره های اولی مدنیت مصر می سازد اما با آنهم چنانچه قبلاً تذکر یافت، طرز زندگی و موقعیت جغرافیایی بین النهرین به هنر آن خصوصیات جدا گانه بخشید.

آنچه در هنر بین النهرین بحیث یک خصوصیت عمده تبارز می کند عدم موجودیت یک شیوه بخصوص است که بصورت عنعنه از طرف هنر مندان قبول و برای سالهای متعددی حفظ شده باشد. زیرا برخلاف تمدن مصر، فرهنگ بین النهرین زاده انکشاف تاریخی است که خست های آنرا اقوام مختلف با عقاید مختلف در دوره های مختلف تاریخ گذاشته اند.

سومری ها و بابلی تقاوت لسانی داشتند، گرچه تاثیر آنرا بالای هنر های بصری کمتر دیده می شود (اقوام هیتی که از شمال غرب به سر زمین بین النهرین مهاجرت نمودند بنا بر نداشتهن سابقه فرهنگی قوی قادر به ایجاد یک شیوه یا مکاتب هنری مستقل نگردیدند (صفحه ۱۵) تاریخ هنر ملل شرق نویسنده چین آن وینسان چاپ دوم نیویورک) و هنرشان تا اندازه ای خصوصیات هنر «بری تیف (بدوی) برخوردار بوده آسوری ها تمایل به پذیرش شیوه های مختلف هنری شرق میانه و فرهنگ های همجوار آن داشتند. فارس ها که از نگاه فرهنگی وارثین

ارزش های عاطفی بیشتر نظر به هنر مصر بر خور دار می باشد. چنانچه اکثر آثار مصری با وجود آنکه زندگی روز مره انسان ها را نشان میدهد اما اکثر هنر های خلق شده صامت بی روح و فاقد حرکت اند. یکی از مثالهای ارزنده درین مورد تحرك و بیجانگری عاطفی هنر بین النهرین مجسمه ریلیفی است که شیر مسوده زخمی را در حالت نزع نشان میدهد کشیدگی عضلات حرکت بدن شیر که در حال ناله است چنان بیانگری پر قدرتی دارد که در کمتر آثار مصری چنین مثالی دیده میشود. این اثر که مربوط بدوره مدنیت آسوری است وصحنه شکار آسوریانی پال امپراطور مقتدر آسوری را نشان میدهد. بیانگر گرایش هنر مند بسوی شیوه ریالیزم و با وجود عدم بکار بردن تناسبات دقیق حالت طبیعی حیوان زخمی را به وضاحت آشکار میسازد. مثال در ی درین مورد مجسمه ریلیفی دیگری است که از سنگ تراش یافته و تار ماسین یکی از فرمانروایان بین النهرین را در حال رهسپاری قشونش نشان میدهد. با وجود آنکه اثر از تناسب درست و پرس بکتیف (دوری و نزدیکی منطقی آسیا از همدیگر) بر خور دار نیست (باقی دارد)

چشم و انواع آن

طوریکه هر چشم دارای یک عدسیه محدب و بزرگی بوده که روی تتاکل ها قرار دارد و میتواند در عمل یافتن غذا به حیوان کمک نماید.

موقعیت چشمان ماهیان - معمولاً بسه محیطی که در آن زیست میکنند تعلق زیادی دارد. علاوه برین عمل عادت و طرز شکار هر حیوان نیز سهمی دارد. چنانچه نوعی ماهی چای بانی وجود دارد که دارای چشمانی در نواحی فوقانی سرش میباشد چون ماهی ملکور معمولاً در سطح زیرین آب زندگی میکنند - بناء مواد غذایی را که در حصه فوقانی در آب وجود دارد میتوانند بواسطه چشمان خود بغوی به بیند و از آن تغذیه نمایند.

نمایشگاه چشمان حیوانات مختلف: حیوانات عالی دارای ساختار چشمان متفاوت وده ولی اصلاً تشابهی زیادی در ساختار های داخلی آن وجود دارد. بطور مثال سطح داخلی چشم همه آنها دارای «جرات حساس بمقابل نور میباشد که

مشود عضلانی چشم را که انسان ها برای حرکت چشماهای خود بکار میبرند - در بینه وظیفه محکم گرفتن غذا را در دهن بصیغه دارد.

برخی حیوانات بحری دارای چشمان بزرگ و چرخنده ای هستند که میتواند به اطراف خود به حدود ۳۶۰ درجه نظراندازی نماید. برخی دیگر بهمانند خارچنگک ها دارای چشمانی بروی یک ساقه نسبتاً بلندی هستند که ساقه های چشمی میتواند در اثر حرکت جهات مختلف راحت نظر بگرد. بکنوع صدف بحری بنام کوبین گو نج دارای چشمانی بزرگ روی عضو گوشتی و نرمی بنام تتاکل میباشد. این نوع چشمان را در حلزون های خشکدزی که در مملک ها بکثرت یافت میشود - نیز مشاهده کرد.

در شکل اول خارچنگکی را با چشمان متحرک وی که روی ساقه ای قرار دارد مشاهده می نماید. شکل دوم متعلق به صدف بحری است



کاو بالدار با سر آدم (۸۷۰ ق م) مربوط بدوره مدنیت آسوری. این مجسمه از نگاه تکنیک دارای دو روش است (از بروفسل و تکنیک ریلیفی در آن بکار رفته و از مقابله شکل مجسمه آزاد را دارد) موزیم برتانبه

میتوانند - شعاعات وارده از اجسام رابه دماغ مرکزی حیوان انتقال دهند. حیواناتی که معمولاً بهنگام شب تغذیه میکنند - دارای چشمان بزرگ با مردمک دائیروی و بزرگ میباشند و میتوانند از کمترین ذره ای نوری را که بر جسمی به تابید استفاده نموده و آن را به بیند.

چشم حیواناتی مثل گربه را که در شب و روز از آن استفاده میشود دارای ساختاری مخصوص است که مردمک چشم میتواند در شب به حد اعظمی طور دائیروی بزرگ گردد - بر خلاف بهنگام روز که نور زیاد وجود دارد - روزنه ای آن خیلی کوچک تر گردد. میتوان از روی ساختار ظاهری چشم - تا اندازه ای نوعی حیوان را دانست که درین بحث دیده میشود.

بحث دیده میشود میدهد. ساختار چشم فقاریان عالی را نشان میدهد.

- الف: چشم گربه
- ب: چشم نوعی ماهی بنام سکت
- ج: چشم شارک
- د: چشم مار
- ه: چشم اختاپود بحری
- و: چشم چلباسه میگو

بجواب نامه

های شما

سلام دوستان!

امید واریم روز های پراز خورشیدی و سرور رادر ایام فرخنده عیداضحی سیری نموده و بادلهای مملو از صفا و صمیمیت دوباره بکار های محرله تان پرداخته باشید .
خوب حالا می پر دازیم به بررسی نامه های دوستان تادیده شود چه سوالها و نظر یاتی برای مجله خود شان دارند .

بناغلی محمد حسن متعام صنف یازدهم دال لیسه شیر خان کندز
نامه بلند بالا و مطول برای مادرند آنها پس از تمهیت گویی و پیام های محبت آمیز شان به مجله ژو ندون و کار کنان آن، نظریات و پیشنهادهای بسیار دارند که طی هفته سوال طرح کرده اند . که البته بسیا ری از نظریات شان قسما در ژو ندون عملی شده است .

ولی در مورد سایر سوالات بناغلی محمد حسن عرض میشود که تلاش ما فقط بخاطر بر آورده ساختن خواهش خوانند گان ژو ندون است از اینرو تا جایی که امکانات و زمینه عملی شدن آن موجود باشد . بطور ختم به متصه اجراء گذاشته میشود .

پیغله فیهمه از لیسه زر غو نه
طی نامه مینویسند که در مجله ژو ندون مانند سابق فوتو رومان نشر شود البته منظور ایشان از نشر فوتو رومان های خارجی است .

دوست عزیز: قبلا در مورد نشر فوتو رومان واشکا لاتیکه از ناحیه مصرف جست پیش می آید خدمت خوانند گان در صفحه بجواب نامه ها چیزهای نوشیم . ولی باز هم بخاطر قناعت بیشتر شما می نوشیم که

درین مورد خوانند گان مجله ژو ندون نظریات یکسان ندارند و بسیاری از آنها طرفدار نشر فوتو رومان در مجله نیستند .

پیغله صدیقه از مکتب ملالی!

در مکتوبی که برای ما فرستاده از مجله ژو ندون خواسته آند تا مجله ژو ندون بیشتر به نشر موضوعات داخلی بپردازد .

در جواب باین عرض شود که کار کنان مجله تاحدود امکان درین راه تلاش مینمایند . یعنی منظور ما در درجه اول نشر مطالب داخلی است .

البته خدمت خوانند گان محترم باید عرض شود که ما زیاد ترین نامه ایکه تا امروز گرفته ایم در مورد همین موضوع بوده است و علاقمندان ژو ندون این سوال را به نحوی از انجا طرح نموده اند .

بناغلی غلام محمد نیاز مند!

مامور وزارت داخله پیشنهادیکه شما طرح نموده اید امکان حل آن در همین صفحه بجواب نامه های شما موجود است .

شما اگر سوالی داشته باشید در همین صفحه بجواب نامه های شما جواب گفته میشود . ازینرو لازم نیست که صفحه اختصاصی که در گذشته هادر ژو ندون بچاپ میرسیده است دوباره احیا گردد .

شاغلی محمد عزیز از قلعه

زمانغان!

به نظر ما این سوال راه شما بایست از کسی میپرسیدید که درین رشته معلومات اختصاصی داشته باشد . البته همانطوریکه خود شما میدانید کسانیکه درین باب سر

رشته و معلومات اختصاصی دارند تعداد شان خیلی زیاد است . عرض اینست که شما بیک مشوره ضرورت دارید و این باید بطور شفا هسی برایتان گفته شود .

آقای محمد اکرم!

چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان است . ما هیچ فهمیده نتوانستیم که منظور ازین سوال شماچه بوده است بخاطری که سوال تقریبا در مکتوب خود تان حل شده است .

پیغله محبوبه صنف هشتم دال لیسه عا یشه درانی!

ازینکه شما در نامه تان به مطبوعات اظهار علاقمندی کرده اید جای بسیار خوشی است .

راه ها و وسایل همکاری با روزنامه ها

و مجلات بسیار ساده است شما یا مطالب ارسالی تانرا پست نموده برای ما بفر ستید و یا اینکه برای سپردن مضمون به دفتر تشریف بیاورید . تا با نحوه و چگونگی کار بیشتر آشنا شوید . در حال حاضر نظر ما اینست که شما نخستین همکاری قلمی تانرا با مجله محبوب دکمکیانو انیس شروع کنید و این يك نقطه آغاز بسیار خوب برای شما خواهد بود .

راستی خدمت یک تعداد از

علاقمندان مجله ژو ندون باید عرض شود که آنها نیز مثل همکار ما

پیغله محبوبه تماس های با مجله اطفال داشته باشند . چه فکر میکنم این مجله بهتر میتواند بحصل

پیشنهادات و سوالات شان بپردازد



حامد شکران خواننده محبوب جوانان

مود و فیشن



سه نمونه لباس که از جدیدترین کتلاک ها برای علاقمندان جهان مود انتخاب نموده ایم

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**